جلد اول



فی الوقف و الابتداء

فی کتاب الله عز و جل

ابو عمرو دانی

ترجمه: کریم دولتی
صادق درودیان


بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء

نویسنده:

بن سعید دانی عثمان

ناشر چاپی:

انتشارات اسوه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء

مشخصات كتاب

سرشناسه : داني عثمان‌بن سعيد، ق۴۴۴ - ۳۷۱ عنوان قراردادی : [المكتفی في الوقف و الابتدا فی كتاب الله عزوجل فارسی عنوان و نام پديدآور : المكتفی في الوقف و الابتداء فی كتاب الله عزوجل ابو عمرودانی ترجمه كريم دولتی صادق درودیان مشخصات نشر : تهران سازمان اوقاف و امور خيريه انتشارات اسوه - ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری : ج جدول شابک : ۹۶۴-۰۶-۳۳۴۹-۶(دوره ؛ ۹۶۴-۰۶-۳۳۴۹-۶(دوره ؛ ۹۶۴-۰۶-۳۳۴۸-۸۱۶۵۰۰: (ج ۱) وضعيت فهرست نويسی : فهرستنويسی قبلی يادداشت : ص ع به‌انگلیسی ...AbuAmre dani. The adequacy in pausing and commencing in. يادداشت : كتابنامه به‌صورت زيرنويس عنوان ديگر : المكتفی فی الوقف و الابتدا فی كتاب الله عزوجل فارسی موضوع : قرآن -- تجويد موضوع : قرآن -- قرائت شناسه افزوده : دولتی كريم ۱۳۴۸ - ، مترجم شناسه افزوده : درودیان صادق ۱۳۴۸ - ، مترجم شناسه افزوده : سازمان اوقاف و امور خيريه انتشارات اسوه رده بندی کنگره : BP۸۰/۲/د۲م۸۰۴۱ ۱۳۸۲ رده بندی ديويی : ۲۹۷/۱۵۱ شماره كتابشناسی ملی : م۸۲-۱۱۳۷۳

فهرست مطالب

مقدمه مترجمان

كليات علم وقف و ابتدا

علم وقف و ابتدا:

اين دانش، در اصطلاح علمای قرائت و وقف و ابتدا چنين تعريف شده است: «وقف و ابتدا، علمی است كه به وسيله آن قاری مواضعی را كه لازم يا بهتر است بر آن وقف نمايد يا از آن‌جا آغاز كند می‌شناسد.» تعاريف ديگری نيز در اين‌باره بيان شده كه تفاوت آنها كم است و البته به نظر می‌رسد تعريف فوق، كامل‌ترين و دقيق‌ترين تعاريف است. غير از اصطلاح وقف در علم قرائت، دو تعريف ديگر نيز در علم فقه و علم نحو برای وقف وجود دارد كه خارج از موضوع مورد بحث است و به جهت اختصار، از بيان و توضيح آن صرفنظر می‌شود. «۱»

معانی لغوی و اصطلاحی:

در زبان عربی، برای «وقف» معانی مختلفی بیان شـده که از آن جمله می‌توان اشاره کرد به: حبس کردن و نگاه داشـتن، جدا کردن، ساکت شدن. «۲» «ابتـدا» ضـد «وقف» است و در بیان معنای آن، آغاز نمودن و شـروع کردن، گفته شـده است. «۳» اما در اصطلاح پیشـینیان و دانشـمندان قرون اولیـه، در کنـار وقـف، از دو اصـطلاح

(______________________________ ۱)- المکتفی فی الوقـف و الابتـداء: تحقیق دکتر یوسف عبد الرحمن مرعشلی، ص ۵۴. (۲)- لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۷۴. (۳)- همان، ج ۱، صص ۳۳۴- ۳۳۳. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۴

قطع و سکت نیز به جای یکدیگر استفاده می‌شده است «۱» و کم‌کم با تدوین این علم و تألیف کتاب‌های مجزا، هریک از این اصـطلاحات در معنای خاصـی به کار رفته‌اند. معنای این اصطلاحات بنابر آن‌چه ابن جزری آورده، عبـارت است از: قطع یعنی اتمـام قرائت و منتقل شـدن از قرائت به حالت و کار دیگری غیر از قرائت. وقف یعنی قطع صوت در کلمه‌ای از قرآن و تجدید نفس جهت ادامه قرائت. سکت یعنی قطع صوت در زمانی کوتاه‌تر از وقف بدون تجدید نفس. «۲» اما ابتدا را (تقریبا) در همان معنای لغوی به کار برده‌اند؛ یعنی آغاز تلاوت در ابتدا یا بعد از وقف.

کاربرد ریشه‌های «وقف» و «بدو» در قرآن:

از کلمات دارای ریشه‌های «وقف» و «بـدو» در قرآن، موارد زیر به کار رفته است: ریشه «وقف»: انعام: ۲۷، ۳۰؛ سبأ: ۳۱؛ صافات: ۲۴ ریشه «بدو»: اعراف: ۲۹؛ توبه: ۱۳؛ یونس: ۴، ۳۴، ۳۴؛ یوسف: ۷۶؛ انبیاء: ۱۰۴؛ نمل: ۶۴؛ عنکبوت: ۱۹، ۲۰؛ روم: ۱۱، ۲۷؛ سجده: ۷؛ سبأ: ۴۹؛ بروج: ۱۳.

منشأ وقف و ابتدا:

وقف و ابتدا از جمله علوم قرآنی است که همزمان با نزول قرآن و در زمان حضـرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله مطرح و مورد تـوجه بـوده است. اقـوالی از بزرگـان صـحابه در این‌بـاره وجـود دارد کـه تنهـا بـه یـک مـورد از کتـاب المکتفی بسـنده می کنیـم:

(______________________________ ۱)- النشـر فی القراءات العشـر، ج ۱، صص ۲۴۰- ۲۳۹. وی در صـفحات بعد، به میزان سـکت و اختلاف در آن و مواضع سـکت در قرآن اشاره کرده است. (۲)- همان. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۵

از عبـد اللّه بن عمر روایت شده که گفت: «ما برهه‌ای از روزگار خود را سپری کردیم در حالی که [فقط] یک نفر از ما قبل از نزول قرآن، ایمان داشت «۱». سوره بر محمد صلّی اللّه علیه و آله نازل می‌شد پس ما حلال و حرام و اوامر و نواهی‌اش را یاد می گرفتیم؛ و سـزاوار نیست که در میان بخشـی از آن وقف شود.» هرچنـد در برخی از منابع قرن پنجم هجری به بعـد، روایتی از امیر المؤمنین حضـرت امام علی علیه السّـلام درباره «ترتیل» نقل شده «۲»، اما در هیچ‌یک از این نقل‌ها سـند قابل پذیرش و صحیحی برای آن از منابع قرون اولیه یافت نمی‌شود. ابن جزری از علمای بزرگ قرائت و تجوید در بیان اهمیت و جایگاه این علم می‌نویسد: «فراگیری وقف و ابتدا و توجه پیشینیان شایسته ما به این مسئله، صحیح و بلکه متواتر است؛ نظیر ابو جعفر یزید بن قعقاع (م ۱۳۰ ه. ق) پیشوای اهل مدینه که از تابعین است [و شاگرد] و همنشـینش نافع بن ابی نعیم (م ۱۶۹ ه. ق)، ابو عمرو بن علاء (م ۱۵۴ ه. ق)، یعقوب حضرمی (م ۲۰۵ ه. ق)، عاصم بن ابی النجود (م ۱۲۸ ه. ق) و دیگر پیشوایان غیر از ایشان. کلام ایشان در این مطلب معروف است و سخنان صریح آنها در کتاب‌ها مشهور. از همین روست که بسیاری از پیشوایان بزرگ، بر اجازه‌دهندگان قرائت شرط کرده‌اند که به هیچ‌کس اجازه قرائت ندهند مگر بعد از شناخت وقف و ابتدا.» «۳»

بیان مختصر تاریخچه تألیف در این علم:

پس از صدر اول و همزمان با نگارش تأليف در زمينه علوم مختلف، در وقف و ابتدا نيز كتاب‌هايى به رشته تحرير درآمد. نقل است كه اولين صاحب تأليف در اين (______________________________ ۱)- منظور، شخص پيامبر صلّى اللّه عليه و آله است. (۲)- براى اطلاع ر. ك به: النشر فى القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۰۹. (۳)- همان. ج ۱، ص ۲۲۵. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۶ علم، شيبة بن نصاح مدنى (م ۱۳۰ ه. ق) است. كتاب وى «الوقوف» نام داشته ولى در حال حاضر هيچ نسخه‌اى از آن در دسترس نيست. «۱» سير مهم‌ترين تأليفات پس از كتاب ياد شده بنابر تحقيقى كه آقاى دكتر يوسف عبد الرحمن مرعشلى انجام داده به شرح زير است: «۲» الوقف و الابتداء: ابو عمرو بن علاء (م ۱۵۴ ه. ق) الوقف و الابتداء: حمزة بن حبيب زيّات (م ۱۵۶ ه. ق) وقف التمام: نافع بن عبد الرحمن (م ۱۶۹ ه. ق) الوقف و الابتداء: على بن حمزه كسائى (م ۱۸۹ ه. ق) الوقف و الابتداء: يحيى بن مبارك يزيدى (م ۲۰۲ ه. ق) وقف التمام: يعقوب بن اسحاق حضرمى (م ۲۰۵ ه. ق) الوقف و الابتداء: ابو زكريا يحيى بن زياد فرّاء (م ۲۰۷ ه. ق) وقف التمام: ابو الحسن سعيد بن مسعده اخفش (م ۲۲۱ ه. ق) الوقف و الابتداء: خلف بن هشام بزّار (م ۲۲۹ ه. ق) الوقف و الابتداء: ابو عمرو حفص بن عمر دورى (م ۲۴۸ ه. ق) المقاطع و المبادى: ابو حاتم سهل بن محمد سجستانى (م ۲۴۸ ه. ق) الوقف و الابتداء: ابو على دينورى (م ۲۸۹ ه. ق) ايضاح الوقف و الابتداء فى كتاب الله عز و جل: ابو بكر محمد بن قاسم، ابن انبارى (م ۳۲۸ ه. ق) الوقف و الابتداء: ابو عبد اللّه محمد بن محمد بن عباد مكى (م ۳۳۴ ه. ق (______________________________ ۱)- غاية النهاية، ج ۱، ص ۳۳۰ به نقل از المكتفى فى الوقف و الابتداء، تحقيق دكتر يوسف عبد الرحمن مرعشلى، ص ۴۹. (۲)- رك به: همان، صص ۷۱- ۶۰ و همچنين ر. ك به: البرهان فى علوم القرآن، تحقيق همان محقق، ج ۱، صص ۴۹۸- ۴۹۴. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۷ القطع و الائتناف: ابو جعفر احمد بن محمد بن نحّاس مصرى (م ۳۳۸ ه. ق) الوقف و الابتداء: احمد بن حسين بن مهران (م ۳۸۱ ه. ق) الوقف و الابتداء: صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵ ه. ق) الوقف و الابتداء: ابو الفتح عثمان بن جنّى (م ۳۹۲ ه. ق) شرح التمام و الوقف: مكى بن ابى طالب قيسى (م ۴۳۷ ه. ق) الهداية فى الوقف على كلّا: مكى بن ابى طالب قيسى (م ۴۳۷ ه. ق) المكتفى فى الوقف و الابتداء: ابو عمرو عثمان بن سعيد دانى (م ۴۴۴ ه. ق) الاهتداء فى الوقف و الابتداء: ابو عمرو عثمان بن سعيد دانى (م ۴۴۴ ه. ق) المرشد فى معنى الوقف التام و الحسن و الكافى و الصالح و الجائز و المفهوم و بيان تهذيب القراءات و تحقيقها و عللها: ابو محمد حسن بن على بن سعيد عمّانى (م قرن ششم هجرى) الايضاح فى الوقف و الابتداء: ابو عبد اللّه محمد بن طيفور سجاوندى (م ۵۶۰ ه. ق) وقوف القرآن: ابو عبد اللّه محمد بن طيفور سجاوندى (م ۵۶۰ ه. ق) علم الاهتداء فى الوقف و الابتداء: علم الدين ابو الحسن على بن محمد سخاوى (م ۶۴۳ ه. ق) الاهتداء فى الوقف و الابتداء: ابو الخير محمد بن محمد بن جزرى (م ۸۳۳ ه. ق) المقصد لتلخيص ما فى المرشد من الوقف و الابتداء: ابو يحيى زكريا بن محمد انصارى (م ۹۲۵ ه. ق) منار الهدى فى بيان الوقف و الابتداء: احمد بن عبد الكريم اشمونى (م قرن يازدهم هجرى) كنوز الطاف البرهان فى رموز اوقاف القرآن: محمد صادق هندى (زنده به سال ۱۲۹۵ ه. ق) ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۸ همچنين از جمله كتبى كه طى سنوات اخير به رشته تحرير درآمده، مى‌توان مواردى را برشمرد: معالم الاهتداء الى معرفة الوقف و الابتداء: محمود خليل الحصرى الكشف عن احكام الوقف و الوصل فى العربية: محمد سالم محيسن قواعد وقف و ابتدا در قرائت قرآن كريم: محمد كاظم شاكر

اهميت و جايگاه وقف و ابتدا:

قارى قرآن بايد همواره تلاش كند تا كلام الهى را به بهترين شكل تلاوت كند و براى حصول اين نتيجه، توجه عميق به مفاهيم آيات قرآنى يكى از شرايط و بلكه مهم‌ترين آنهاست. وقف و ابتدا از جمله مسائلى است كه به طور مستقيم و عميق، با معانى قرآن مرتبط است. بر اين اساس، اهميت و جايگاه علمى و عملى وقف و ابتدا روشن مى‌شود. اگر قارى قرآن، تسلط لازم بر اين علم را

نداشته باشد، به واقع یکی از پایه‌های قرائتش لرزان و دارای خدشه است و قطعا نمی‌توان وی را قاری کاملی دانست. قاری قرآن، چنانچه به محل‌های مناسب وقف و ابتدا در قرائت خود توجه نداشته باشد، در حقیقت عباراتی را به شنوندگان القا خواهد کرد که یا بی‌معنی هستند یا مفاهیمی ناقص‌تر از مراد خداوند را دربردارند یا اصلا خلاف مقصود واقعی آیات را به شنوندگان عرضه خواهد داشت. این در حالی است که شنوندگان، با مفاهیم آیات آشنایی داشته باشند؛ ولی چنانچه آنان نیز خود به طور کامل از معانی آیات بهره نبرده باشند و قرائت قاری را مقدمه جستجو و آشنایی خود با قرآن قرار دهند، بکلی از فهم کامل آیات محروم خواهند شد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۹

رابطه وقف و ابتدا با علوم دیگر:

وقف و ابتدا ارتباط تنگاتنگی با علوم مهمی نظیر تفسیر و نحو دارد و بدون توجه به این رابطه، یافتن و تدوین اصول و قواعد متقن و مستحکم برای این علم ممکن نیست. اینک به اختصار، ارتباط چند علم را با وقف و ابتدا بیان می‌کنیم: ۱- نحو: یکی از مهم‌ترین علوم مرتبط با وقف و ابتداست. اگر قاری بتواند فعل و فاعل، انواع مفاعیل، مبتدا و خبر، مضاف و مضاف الیه، معطوف و معطوف علیه، نواسخ و سایر عوامل نحوی را بشناسد، می‌تواند مناسب‌ترین محل‌های وقف و ابتدا را تشخیص دهد. ابن انباری در این‌باره چنین گوید: «در مواردی، وقف تام و کامل نخواهد بود؛ مثل وقف بر مضاف الیه، وقف بر عامل رفع دهنده [مثل فعل بدون خواندن مرفوع، وقف بر مرفوع بدون خواندن عامل رفع دهنده، وقف بر عامل نصب دهنده [مثل فعل متعدی بدون خواندن منصوب و همچنین برعکس آن.» «۱» ۲- تفسیر: در مواردی، قاری قرآن برای وقف صحیح‌تر باید از تفسیر مطلع و آگاه باشد. نمونه این رابطه، متعدد و فراوان است؛ مثلا، اطلاع از نظریات مختلف در تفسیر و تبیین آیه هفتم سوره آل عمران می‌تواند جواز وقف یا عدم وقف بر لفظ جلاله «الله» را روشن کند. کسی که علم به تأویل را مطابق این آیه شریفه مختص به تأویل را خداوند و راسخان در علم بداند، وقف بر لفظ جلاله را حسن دانسته و بر کلمه «ربنا» وقف می‌کند. نظیر این مثال در مباحث این کتاب، به طور متعدد ملاحظه خواهد شد (______________________________. ۱)- الایضاح، ج ۱، صص ۱۱۷- ۱۱۶. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۰ ۳- علم قرائات: یکی از انواع مهم علوم قرآنی است که ارتباط آن با وقف و ابتدا بسیار تنگاتنگ است. در برخی از آیات قرآن- به جهت اختلاف قرائت- ممکن است محل وقف یا ابتدای مناسب یا مناسب‌تر تغییر کند. از جمله این مواضع، در آیه ۱۹۷ سوره بقره ملاحظه می‌شود. چنان‌چه در این آیه، «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِي الْحَجِّ» قرائت شود می‌توان بر کلمه «فُسُوقَ» وقف نمود و از «وَ لا جِدالَ» نیز آغاز کرد حال آن‌که طبق قرائت مشهور «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِي الْحَجِّ» هیچ محل وقف کافی در آن وجود ندارد و چنان‌چه بر «فُسُوقَ» وقف شود، باید مجددا از «فَمَنْ فَرَضَ» ابتدا نمود. مثال‌های متعددی از این قبیل را در این کتاب مشاهده خواهید نمود. ۴- فقه: ارتباط آن با وقف و ابتدا- به طور عمده- به نتایج عملی مربوط می‌شود. در رساله‌های عملیه فقهای عظام شیعه، مسائلی در باب قرائت در نماز بیان کرده‌اند که به وقف و ابتدا ارتباط دارد. از جمله این مسائل می‌توان اشاره کرد به این که: - وقف بر فواصل آیات «۱» حمد و سوره مستحب است. - خواندن سوره اخلاص با یک نفس (وصل تمام آیات به یکدیگر) مکروه است. «۲» در پایان باید اشاره کرد که وقف و ابتدا با علوم دیگری از جمله علم فواصل و بلاغت نیز ارتباط دارد که به جهت اختصار از بیان آنها اجتناب می‌شود.

انواع وقف و ابتدا:

هریک از وقف و ابتدا را از جهات گوناگون می‌توان تقسیم کرد. نکته مهم آن است که هریک از این تقسیم‌بندی‌ها، از چه

ناحیه‌ای آن را مورد بررسی و (______________________________ ۱)- فواصل آیات یعنی انتهای آیات. علم فواصل یکی از انواع علوم قرآنی است که در آن سخن از شناخت انتهای آیات در شیوه‌های مختلف شمارش آیات به میان می‌آید. (۲)- العروهٔ الوثقی، کتاب الصلاهٔ، فصل فی القراءهٔ. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۱ دسته‌بندی قرار می‌دهد. اما یک نوع تقسیم‌بندی نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌های انجام شده کامل‌تر و مشهورتر است که به طور خلاصه آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد: ۱- اختیاری: وقفی که از روی اختیار قاری انجام می‌پذیرد و انواع آن عبارت است از: ۱- ۱- تام ۲- ۱- کافی ۳- ۱- حسن ۴- ۱- قبیح ۲- اضطراری: وقتی که به ناچار و به خاطر وجود مشکلی- نظیر کمبود نفس، پیش آمدن عطسه یا سرفه و غیر آن- صورت می‌گیرد. بیان اصطلاحات چهارگانه تام، کافی، حسن و قبیح و مثال‌های آن را به مقدمه مؤلف واگذار می‌کنیم و در پایان این قسمت با ذکر دو نکته، مطلب را به اتمام می‌بریم: ۱- اختلاف موجود در تقسیمات وقف به طور عمده به جهت اختلاف نظرگاه‌ها در مورد آن است. وقف باید با توجه به معانی صورت پذیرد و هرگاه انجام وقفی، معنی را بهتر نشان دهد یا منتقل کند، این محل مناسب‌تر و صحیح‌تر برای وقف است. ۲- در برخی از منابع، توجه به محل وقف و ابتدا از دید قاریان مشهور مطرح شده است. مثلا گفته شده نافع وقف و ابتدای نیکو را به حسب معنی مراعات می‌کرده است ولی ابن کثیر به غیر از سه موضع «۱»، در بقیه مواضع قرآنی به طول (______________________________ ۱)- آل عمران: ۷ «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ»؛ انعام: ۱۰۹ «وَ ما یُشْعِرُکُمْ»؛ نحل ۱۰۳ «إِنَّما یُعَلِّمُهُ بَشَرٌ». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۲ نفس و وقف بر انتهای آیات توجه داشته و عنایتی به سایر موارد نداشته است. «۱» اما ابتدا برخلاف وقف، مطابق نظر اکثر علمای این فن همواره اختیاری است و قاری باید توجهش را به انتخاب بهترین محل ابتدا معطوف سازد. (______________________________ ۱)- ر. ک به: النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۳۸. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۳

ابو عمرو دانی و المکتفی

ابو عمرو دانی:

ابو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر دانی از بزرگ‌ترین علمای مغرب عالم اسلام «۱» در قرن پنجم هجری است. وی به سال ۳۷۱ هجری در شهر قرطبه «۲» متولد شد. در چهارده سالگی یعنی سال ۳۸۵ هجری به طلب علم پرداخت و در حالی که بیش از بیست و دو سال از عمرش نگذشته بود، پدرش را از دست داد. (______________________________ ۱)- مغرب، نام سرزمین وسیعی است که از غرب مصر تا اقیانوس اطلس کشیده شده است و شامل کشورهای لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌باشد و در دوره اسلامی به سه قسمت تقسیم می‌شده است: ۱- مغرب ادنی یا افریقیهٔ که «قیروان» پایتخت سیاسی آن بوده و لیبی و تونس و بخش‌هایی از شرق الجزایر فعلی را در برگرفته است. ۲- مغرب اوسط: شامل الجزایر کنونی. ۳- مغرب اقصی که کشور مغرب یا مراکش کنونی را باید منطبق بر آن دانست. در آغاز فتح آن منطقه، مسلمانان، آن منطقه را افریقیه- همان نام معروف نزد بیزانس‌ها- می‌نامیدند. در ادامه گسترش فتوحات اسلامی به سمت سواحل اقیانوس اطلس و اندلس، نام افریقیه برای مناطق وسیع فتح شده کوچک بود و از آن زمان نام مغرب در جغرافیای اسلامی وارد شد. (ناصری طاهری، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها، ص ۱۹۵ به نقل از: مونس، فتح العرب للمغرب، مکتبهٔ الآداب، ص ۲) سایر بلاد اسلامی «مشرق» محسوب می‌شود.

(۲)- یکی از شهرهای بزرگ مرکزی اندلس است و حتی می‌شود گفت بزرگ‌ترین شهر اندلس است. محل حکومت بنی امیه، معدن بزرگان، فضلا و اهل علم مانند: ابو بکر یحیی بن سعدون بن تمام آزادی قرطبی (ادیب و نحوی) است. در شرق مملکت «اشبیلیه» بوده که دور آن سی هزار گز بوده است. گویند در زمان عبد الملک مروان در آنجا گنجی یافتند. ناصر اموی بر غرب آن شهر «زهرا» را بنا نهاد. گفته شده مساجد آنجا به یک هزار و سیصد مسجد می‌رسید. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۴؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۶۲. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۴ دانی هم‌چنان به تحصیل علوم مشغول بود که با شیخ محمد بن عبد اللّه بن ابی زمنین برخورد. وی تأثیر فراوانی در دانی گذاشت به طوری که دانی از دو ناحیه تحت تأثیر او قرار گرفت: یکی از جهت مذهب فقهی‌اش که پیرو مذهب مالکی گشت؛ دوم تفکرات و مشی صوفیانه بود که باعث اشتهارش به تصوف نیز شده است. دانی در همان دوران جوانی، علوم مختلفی را فراگرفت که در رأس آنها علوم قرآنی نظیر قرائات و تجوید قرار داشت. از جمله سایر علوم و فنونی که وی فراگرفت می‌توان به شعر، نحو و خوشنویسی اشاره نمود. دو نفر از دیگر اساتید وی ابو بکر حاتم بن عبد الله بزّاز و یونس بن عبد الله قاضی هستند. دانی در سال ۳۹۷ هجری و در بیست و شش سالگی از اندلس خارج شد و به سمت مشرق عالم اسلام رفت. ابتدا از اندلس به قیروان در تونس رفت. چهار ماه در آن دیار اقامت کرد و با عده‌ای از علمای آن دیار ملاقات کرد و علومی را از ایشان آموخت. سپس به طرف مصر رفت و در دوم شوال همان سال وارد مصر شد و تا سال بعد در آن‌جا اقامت گزید و به فراگیری قرآن، کتب حدیث، فقه، قرائات و غیر آن پرداخت و تعداد زیادی از علما را ملاقات نمود. در سال ۳۹۸ هجری به سمت مکه حرکت کرد و پس از انجام مناسک حج و فراگیری برخی از علوم، مجددا به مصر بازگشت و پس از اقامت یک ماهه در آن سرزمین، به قیروان و سپس به مغرب بازگشت. دانی تا سال ۴۰۳ در قرطبه ماند و در سال ۴۰۹ در شهر سرقسطه «۱» ساکن شد. پس از مدت کوتاهی مجددا به قرطبه

(۱)- یکی از شهرهای دیار مغرب

است که زمین آن در غایت خوبی است و باغ‌هایش در نهایت خوشی. این شهر، قدیمی است و به عبارت دیگر، شهریست مشهور در اندلس. میوه‌های شیرین آنجا مشهور و مرغوب‌تر از دیگر شهرهای مغرب و اندلس بوده است. این شهر در کنار رودخانه‌ای بزرگ بنا شده است. آن رودخانه از کوه‌های ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۵ بازگشت و نهایتا به شهر دانیه «۱» رفت. در این حال، عده زیادی در کنارش جمع شده و از مباحث علمی‌اش استفاده می‌کردند اما از آن رو که وی از شهرت گریزان بود، به جزیره‌ای در شرق اندلس به نام میورقه «۲» رفت و در آن سرزمین به تعلیم و اقرای قرآن مشغول شد. وی در سال ۴۱۷ هجری مجددا به دانیه بازگشت و تا انتهای عمرش در همان شهر باقی ماند. مدت عمرش ۷۳ سال و وفاتش در سال ۴۴۴ هجری بوده است. ابو عمرو دانی در بسیاری از علوم زمانش مهارت داشت و در زمینه‌های مختلف تألیفات متعددی انجام داد.

«قلاع» سرچشمه می‌گیرد. صنعت سمور یگانه صنعت نساجی معروف آنجاست و لباس‌های نازک آنجا به نام سرقسطیه معروف است. همچنین در آنجا معدن نمکی نیز وجود دارد. یکی از عالمان منسوب به سرقسطه «ابو حسن علی بن ابراهیم بن یوسف سرقسطی» می‌باشد. وی اهل معرفت و خط بود و بین او و «سلفی» مکاتبه برقرار بود. شیوخ اندلس در سال ۵۱۲ از وی اجازه می‌گرفتند. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۱۲؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۷۲. (۱)- شهری بزرگ است از سرزمین مغرب. دانیه در غرب «بلنسیه» است. دارای باغ‌های فراوانی نظیر انجیر، انگور و غیر آن است. حاکم آنجا ابو حبیش مجاهد عامری بود که وی قرّاء مختلف را جمع کرده و به آنها اموالی انفاق می‌کرد. به همین جهت تعداد قاریان در این شهر زیاد بودند که از جمله آنها می‌توان به شیخ القرّاء ابو عمرو عثمان بن سعید دانی اشاره کرد. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۳۴؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۷۲. (۲)- جزیره‌ایست در شرق اندلس که در نزدیکی آن جزیره‌ای به نام «منورقه» قرار دارد. طول این جزیره از شمال به جنوب چهل میل است. حافظ ابرو می‌نویسد: این جزیره

به نام شـهر آن «میورقه» معروف است. آن شـهر در جنوب جزیره است و چشمه‌ای بزرگ از جانب جنوب- که آب آن دایم در این شهر روان است- در آن جریـان دارد. در این جزیره دریـاچه‌ای وجـود دارد که دور آن سه فرسنگ می‌باشـد. از علمـای منسوب به میورقه می‌توان افراد زیر را نام برد: یوسف بن عبـد العزیز بن علی بن عبـد الرحمن ابو الحجاج لخمی میورقی اندلسـی و فقیه مالکی. معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۴۶؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۸۰. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، مقدمه، ص: ۱۶ برخی از بزرگـان- نظیر ذهبی «۱»- کتب و تصـنیفات وی را تـا ۱۲۰ مـورد بر شـمرده‌اند. از جمله مهم‌ترین کتب دانی می‌تـوان مـوارد زیر را برشمرد: ۱- اختلاـف القراء فی اليـاءات ۲- الاقتصـاد فی رسم المصـحف ۳- الاهتـداء فی الوقف و الابتـداء ۴- التنبيه علی النقـط و الشکل ۵- التيسير فی القراءات السبع ۶- البيان فی عدآی القرآن ۷- جامع البيان فی القراءات السبع ۸- المحکم فی نقط المصاحف ۹- المقنع فی رسم مصـاحف الامصار ۱۰- المکتفی فی الوقف و الابتداء ۱۱- النقط از میان اساتید دانی افراد زیر مشـهورتر بوده‌اند: ۱- طاهر بن عبـد المنعم بن غلبون حلبی (م ۳۹۹ ه. ق) ۲- ابو محمـد عبد الرحمن بن عمر معدّل نحّاس (م ۴۱۶ ه. ق) ۳- ابو الفرج محمد بن یوسف بن محمد اموی اندلسـی قرطبی دایی ابو عمرو (م ۴۲۷ ه. ق) و از میان شاگردانش غیر از فرزندش احمد بن عثمان بن سعید (م ۴۷۱ ه. ق)، معروف‌ترین افراد عبارتنـد از: ۱- ابو داوود سـلیمان بن نجاح اموی (م ۴۹۶ ه. ق) که کتب متعـددی از قبیل البيان الجامع لعلوم القرآن، التبيين لهجاء المصاحف و التنزيل را به رشته تحریر در

(____ ۱)- ر. ک به: تـذکرة الحفـاظ از ابو عبد الله شمس الدين ذهبی (م ۷۴۸ ه. ق). ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۷ آورده است. ۲- محمد بن احمد بن مسعود دانی (زنده تا حدود ۴۷۰ ه. ق) که قرائات را بر دانی خواند و در زمان حیات دانی نیز مصدر تعلیم و اقراء بوده است.

المکتفی فی الوقف و الابتداء:

جایگاه ابو عمرو دانی در علم وقف و ابتـدا و هم‌چنین کتاب المکتفی بسـیار والا و ارجمند است. در تألیفات بسـیاری از علمای پس از وی، این مسـئله مورد تقـدیر و تمجید قرار گرفته است. «۱» المکتفی سومین کتاب درباره وقف و ابتـداست که به دست ما رسـیده است. اولین کتـاب از ابو بکر بن انباری (م ۳۲۸ ه. ق) است به نـام «ایضـاح الوقف و الابتـداء فی کتاب الله عز و جل» است و دومین کتـاب «القطع و الائتنـاف» از ابو جعفر ابن نحّاس (م ۳۷۷ ه. ق). مهم‌ترین ویژگی‌های المکتفی را می‌توان به شـرح زیر برشـمرد: ۱- ذکر آرا و نظریـات بسـیاری از دانشـمندان پیش از خود با اشاره به نام ایشان و بیان علت هر قول. ۲- اشاره به تعـداد قابل توجهی از روایات نبوی صلّی اللّه علیه و اله- از طریق اهل سنت- و اقوال صحابه و تابعین در باب‌های مورد نظر. ۳- سعی بر اختصار در تألیف و اجتنـاب از بیانـات طولانی درباره مواضع وقف در آیات. نهایتا بایـد المکتفی را ثمره تلاش‌ها و تحقیقات علمی گذشـتگان و منبع مهمی برای علم   ای پس از دانی دانسـ   ت.

(____ ۱)- از جمله این علمـا می‌تـوان افراد زیر را برشمرد: ذهبی (م ۷۴۸ ه. ق) در تذکرة الحفاظ؛ زرکشی (م ۷۹۴ ه. ق) در البرهان فی علوم القرآن؛ ابن جزری (م ۸۳۳ ه. ق) در غاية النهاية فی طبقات القراء؛ سیوطی (م ۹۱۱ ه. ق) در الاتقان فی علوم القرآن؛ اشمونی (از علمای قرن یازدهم هجری) در منار الهدی فی بیان الوقف و الابتداء. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۸

شیوه ترجمه و نگارش کتاب

مترجمـان این اثر پس از بررسـی‌هایی که دربـاره آثـار مختلف وقف و ابتـدا انجـام دادنـد، بنا به دلایلی- که بخشـی از آن قبلا بیان گردید- کتاب حاضـر را مناسب‌تر تشـخیص داده و اقدام به ترجمه آن نمودند. در مطالعات اولیه کتاب المکتفی و ترجمه صـفحاتی

از آن، به این نکته دست یافتیم که چنانچه مطالب بیان شده در باب وقف و ابتدا در خلال آیات و سور قرآن را از حالت متن خارج کرده و به صورت جداولی ارائه نماییم، استفاده از آن برای خواننده راحت‌تر و پرفایده‌تر خواهد بود. بسیاری از قسمت‌های کتاب، علی‌رغم ظاهر ساده، برای خواننده‌ای که آشنایی کافی با ادبیات عرب و متون تخصصی نداشته باشد مشکل و حتی غیر قابل فهم می‌باشد. به هر تقدیر، مطالب کتاب- پس از مقدمه مؤلف درباره انواع وقف و تعاریف آنها- در جداولی تنظیم و هر کجا توضیحی افزون بر نوع وقف (از قبیل تام و کافی) در یک آیه وجود داشت، به انتهای همان سوره ارجاع داده شد. تلاش شد تا در عین حفظ محتوا و بیان کلی مؤلف، مطالب به گونه‌ای به فارسی برگردانده شود که برای خواننده فارسی زبان مفهوم‌تر باشد. در برخی از موارد با افزودن مطالبی داخل قلاب تلاش شد تا مطالب روان‌تر گردد. در اینجا ذکر چند نکته ضروری است: ۱- نسخه‌های مورد استفاده در ترجمه این کتاب، دو تحقیق متفاوت از آن بوده است: - تحقیق: جاید زیدان مخلف، چاپ: اول، سال: ۱۴۰۳، ناشر: احیاء التراث الاسلامی بغداد - تحقیق: یوسف عبد الرحمن مرعشلی، چاپ: دوم، سال: ۱۴۰۷، ناشر: ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۱۹ مؤسسهٔ الرسالهٔ بیروت البته تحقیق اول به جهت دقت بیشتر محقق در ارائه مطالب و کمتر بودن اغلاط حروف‌چینی، مبنای اصلی بوده و عمدتا از تحقیق دوم برای مراجعه و بازبینی استفاده شد. ۲- در علامت‌گذاری آیات قرآن کریم، به حداقل علایم ضروری اکتفا شد و در بسیاری از موارد، کلمات و عبارات بدون اعراب هستند. برای کسب اطلاع از اعراب دقیق کلمات و عبارات، با مراجعه به مصحف شریف، از آن مطلع شود. ۳- فواصل آیات براساس شیوه متداول در شماره‌گذاری آیات (عدّ الآی) به روش کوفیان انجام شد. مطابق این شیوه، تعداد آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه است و معمولاـ مصاحف براساس این روش شماره‌گذاری شده‌اند. ۴- در مواردی که اختلاف در قرائت کلمه یا کلماتی وجود داشت و مؤلف کتاب به نوع وقف خاصی براساس قرائات اشاره نموده، جهت مزید اطلاع خوانندگان گرامی، به نام قاریان یا راویانی که آن قرائت را انجام داده‌اند براساس کتاب ارزشمند «التیسیر فی القراءات السبع» از همین مؤلف و «النشر فی القراءات العشر» از ابن جزری مراجعه و مطالب لازم درج گردید. ۵- با توجه به حجم کتاب، صلاح دیدیم تا پایان سوره مبارکه ابراهیم علیه السلام را در این جلد و بقیه سور را در جلد دوم کتاب به خوانندگان گرامی تقدیم کنیم. اینک به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از کلیه سرورانی که در ترجمه، ویرایش و چاپ این اثر، مترجمان کتاب را یاری دادند، به خصوص دوست گرامی و استاد ارجمند جناب آقای دکتر حمید رضا مستفید، استاد و سرور گرامی جناب آقای عبد الرسول عبائی و جناب آقای علیرضا چیذری کمال تشکر را داریم. در پایان، ضمن اذعان به این که ممکن است سهو قلم یا خطایی از ما سر زده باشد، از عموم خوانندگان- و بخصوص اساتید بزرگواری که این اثر را ملاحظه ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، مقدمه، ص: ۲۰ می‌نمایند- تقاضا داریم با یادآوری لغزش‌ها و کاستی‌ها، ما را از نظریات ارزشمند و راهنمایی‌های گرانقدرشان بهره‌مند سازند. صادق درودیان- کریم دولتی اسفند ۱۳۷۷ ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱

مقدّمه مؤلّف

اشاره

اللّهمّ یسّر برحمتک ابو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان مقری [صاحب کتاب التّیسیر] چنین می‌گوید: ستایش می‌کنم خداوندی را که در قدرت، یگانه و در بزرگی، منحصر است؛ کسی که شایسته حمد و ستایش است و این کار، بر آفریده‌هایش، واجب است تا بدین وسیله حق او را ادا کرده باشند. او را به نشانه شکر نعمتهایش و درخواست نعمتهای بیشتر، ستایش می‌کنم و بر پیامبرش حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله خاتم پیامبران درود می‌فرستم؛ و درود و سلام خدا بر خاندان او علیهم السّلام و اصحاب

[برگزیده اش. این کتاب [شناخت وقف تام، کافی و حسن در کتاب خداوند متعال می‌باشد که آن را از گفته‌های مفسّران و از کتابهای قاریان و نحویان برگرفته‌ام و در جمع‌آوری مطالب پراکنده آنها، تشخیص درستی، توضیح دادن نکات مشکل، حذف مطالب زاید، مختصر نمودن الفاظ و نزدیک ساختن معانی آن، بسیار کوشیده‌ام و تمام این موارد را روشن ساخته، واضح نموده‌ام و بیان کرده‌ام و آن را براساس سوره‌های قرآن، براساس یک روش واحد و به میزان توانایی و آگاهی‌ام مرتب کرده‌ام. در موارد لزوم، حدیثی مسند، نکته‌ای تفسیری، مطلبی در مورد قرائت، معنی یا اعراب را هم ذکر کرده‌ام. البته در این امور خیلی وارد نشده و به تمام آنها نیز ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲ نپرداخته‌ام، چرا که گذشتگان ما (رحمهم اللّه) در کتابهایشان به این امور پرداخته و ما را بی‌نیاز ساخته‌اند و هدف ما در این کتاب، ایجاز و اختصار است نه تفصیل و توضیح. این نیز بدین دلیل است که برای خواننده ساده‌تر و قابل استفاده‌تر باشد و و منافعش، هم دانش‌پژوه تازه‌کار و هم دانشمند روشن و آگاه را فراگیرد. از خدای بلندمرتبه و جلیل برای خواسته‌ها و آرزوهای خویش در این کتاب یاری می‌خواهم؛ از او توفیق و کمک فکری می‌طلبم تا به گفتار و کردار صحیح راه پیدا کنم؛ و فقط بر او توکل می‌کنم که مرا کافی است او و بهترین وکیل و نگاهدارنده است.

گفتار اول: تشویق برای تعلیم وقف تام

عبد الرحمن بن ابی بکره از پدرش نقل کرده که: «جبرئیل امین علیه السلام بر حضرت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله وارد شد و گفت: «قرآن را بر یک حرف بخوان». میکائیل [به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله گفت: «از او بیشتر بخواه»؛ تا [بالأخره به هفت حرف رسید که همگی آنها، شافی (شفا دهنده) و کافی (کفایت‌کننده) است؛ تا وقتی که آیه عذاب را به آیه رحمت یا آیه رحمت را با آیه عذاب ختم نکنی.» این حدیث با سند دیگری نیز از وی نقل شده با این تفاوت که گفت: «تا وقتی که آیه رحمت را به عذاب یا آیه عذاب را به مغفرت و بخشش ختم نکنی». ابیّ بن کعب روایت کرده است که به نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله رفتیم. ایشان فرمودند: «فرشته وحی همراه من بود؛ به من گفت: «قرآن را بخوان»؛ پس شمرد تا به هفت رسید و پس از آن گفت: تا زمانی که آیه عذاب را به رحمت یا آیه رحمت را به عذاب ختم نکنی، همه آنها شافی و کافی است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳ مؤلف گوید: این روایات، تعلیم [وقف تام، از جانب رسول مکرّم خدا صلّی اللّه علیه و آله توسط جبرئیل علیه السلام است زیرا ظاهرش دلالت دارد بر اینکه شایسته است در آیه‌ای که صحبت از آتش و عقاب است و بعد از آن، ذکر بهشت و ثواب آمده است، قرائت را قطع کرد و میان این دو فاصله انداخت؛ همچنین اگر در دو آیه کنار هم- برعکس مورد پیش- ابتدا صحبت از بهشت و ثواب است و پس از آن آتش و عقاب، باز باید بر آیه اول قطع کرد و میان این دو مفهوم فاصله ایجاد کرد. به عنوان مثال پس از آیه «فَأُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ» «۱» باید وقف شود و جایز نیست آن را به «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» «۲» وصل کنیم و سپس در این‌جا وقف شود. [بلکه لازم است در انتهای آیه ۸۱ وقف کنیم و سپس از ابتدای آیه ۸۲ شروع کنیم . و نیز مانند آن است آیه «وَ كَذلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ» «۳» که مطلب تمام می‌شود و وصل آن به آیه «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ» «۴» و قطع در این قسمت مجاز نیست. [بنابراین وقف در انتهای آیه ششم، تام است . و مانند آن می‌باشد «وَ لكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشاءُ فِي رَحْمَتِهِ» «۵» که اینجا محل وقف است و وصل این عبارت به «وَ الظَّالِمُونَ» در همین آیه و وقف بر آن جایز نیست. موارد مشابه مثالهای فوق در قرآن بسیار است. و از مواردی که این موضوع را روشن‌تر می‌سازد، قول تمیم طائی از عدی بن حاتم «۶» است که گفت: «دو نفر نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله آمدند. یکی از آن دو شهادتین

(۱)- بقره: ۸۱. (۲)- بقره: ۸۲. (۳)- غافر: ۶. (۴)- غافر: ۷. (۵)- شوری: ۸. (۶)- این روایت با سند دیگری از عدی بن حاتم نقل شده است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴ را گفت و ادامه داد: «من یطع اللّه و رسوله فقد رشد و من یعصهما» «۱» در اینجا پیامبر صلّی اللّه علیه و آله

فرمود: برخیز و برو که تو چه بد خطیبی هستی.» این خبر، نشان دهنده نامناسب بودن قطع بر لفظ خاصی است؛ اگرچه مقصود اصلی از آن لفظ، برای شنونده روشن باشد. علت اینکه حضرت، خطیب را هنگامی که (بر قبیح و به طور) نابجا قطع کرد، از جا بلند کرد، این است که او با این وقف، وضعیت کسی را که اطاعت می‌کند با وضعیت کسی که نافرمانی می‌کند، یکسان بیان نموده و میان آن دو فاصله نینداخت در حالی که شایسته بود که بر «فقد رشد» وقف می‌کرد و سپس عبارت بعد از آن را آغاز می‌کرد و می‌گفت: «و من یعصهما فقد غوی» و سخنش را به پایان می‌برد. حال که در گفتگو میان دو مخلوق، این‌گونه صحبت کردن ناپسند و ناروا می‌باشد، پس در کتاب خدای عزّ و جلّ- که سخن پروردگار جهانیان است- بسیار ناپسندتر است و سزاوارتر است که از آن پرهیز شود. از عبد اللّه بن عمر روایت شده که گفت: «ما برهه‌ای از روزگارمان را سپری کردیم در حالی که یکی از ما قبل از نزول [بخش‌هایی از] قرآن، ایمان آورده بود و سوره‌ای بر حضرت محمد صلّی اللّه علیه و آله نازل می‌شد، پس حلال و حرام، اوامر و نواهی، و آنچه که در آن شایسته است وقف شود را یاد می‌گرفتیم.» سخن ابن عمر دلیل بر این است که تعلیم آن [یعنی وقف تام، توقیفی از جانب رسول مکرم الهی صلّی اللّه علیه و آله است. و این، اجماع صحابه نیز هست. یکی از مواردی که بر این موضوع دلالت و تأکید دارد، مطلبی است که از میمون بن مهران نقل شده که (______________________________۱)- هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند، به تحقیق رشد و هدایت یافته است و هر کس از این دو نافرمانی کند به تحقیق گمراه شده است. ترجمه المكتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵ گوید: «من از قرائت بعضی گروهها، بر خود می‌لرزم که خود را مقّید کرده‌اند که قرائتشان کمتر از ده آیه نشود. ایشان داستانها را خواه طولانی باشد و خواه کوتاه می‌خوانند. مثلا در [رکعت اول نماز تا آیه «وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ» «۱» می‌خوانند. آن‌گاه برخاسته و در رکعت دوم از آیه «أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ» «۲» شروع می‌کنند.» این بدان معناست که صحابه، در قرائتشان از قطع بر کلامی که قسمتی از آن به قسمت دیگر متصل است [و ارتباط معنوی دارد] و همچنین کلامی که آخرش [از نظر معنی به اولش تعلق دارد، پرهیز می‌کرده‌اند زیرا میمون بن مهران که این موضوع را از آنان نقل کرده، خود از بزرگان تابعین است و تعدادی از صحابه را نیز ملاقات نموده است [و براساس آشنایی با شیوه صحابه، این روش را در قرائت مردود شمرده است.] تمام اینهایی که ذکر کردیم، دلیل بر: لزوم وقف در جایی است که معنی تمام می‌شود؛ و لزوم پرهیز از قطع بر قبیح و تشویق بر شناختن و آموختن آن است. اما قطع بر محل وقف کافی نیز که مرحله‌ای پایین‌تر از تام است، به کار می‌رفته و جایز است. در سنت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله نیز این‌گونه وارد شده و به کار بردن آن از جانب ایشان، توقیفی است. از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: «برای من قرآن بخوان». پس گفتم: «آیا من برای شما قرآن بخوانم در حالی که قرآن بر خود شما نازل شده است؟!» پس ایشان فرمود: «دوست دارم آن را از زبان غیر خودم نیز بشنوم». پس (______________________________۱)- بقره: ۱۱. (۲)- بقره: ۱۲. ترجمه المكتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶ من سوره نساء را آغاز کردم و خواندم تا رسید به آیه «فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهِيداً» «۱». در اینجا دیدم اشک از چشمان مبارکشان جاری شد و به من فرمودند: «کافی است». توجه دارید که قطع بر «شهیدا» کافی است و تام نیست به خاطر اینکه معنی این گونه است: «و حال ایشان چگونه است در آن روزی که از هر طایفه‌ای گواهی آوریم و تو را بر این امت به گواهی خواهیم خواند. و آن روز کسانی که بر راه کفر رفته و نافرمانی رسول کردند، آرزو کنند که با خاک زمین یکسان باشند». لذا ما بعد به قبلش تعلق دارد و آیه ۴۲ انتهای مطلب است در حالی که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله عبد الله را فرمان داد تا با وجود ارتباط معنوی که میان این دو آیه وجود دارد بر آیه اول قطع کند. این نقل، دلالتی روشن بر جواز قطع و وقف بر کافی و لزوم به کارگیری آن است. و بالله التوفیق.

گفتار دوم: بیان اقسام وقف

بدان- که خداوند تو را با توفیقاتش تأیید کند- علما و دانشمندان ما در اقسام وقف اختلاف دارند. بعضی از ایشان گفته‌اند: وقف بر چهار قسم است: ۱- تام مختار ۲- کافی جایز ۳- صالح مفهوم ۴- قبیح متروک (۱)- آیه ۴۱. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷ و برخی این تقسیم را رد کرده و گفته‌اند: وقف بر سه قسم است: ۱- مختار که وقف تام است. ۲- جایز که کافی بوده ولی مانند تام نیست. ۳- قبیح که نه تام است و نه کافی. عده‌ای نیز معتقدند که وقف بر دو قسم است: ۱- تام ۲- قبیح و نوع دیگری ندارد. قول اول نزد من صحیح‌تر است و من به آن معتقدم؛ زیرا گاهی قاری در آیاتی که مطلب یا داستان طولانی است و عبارتها به یکدیگر تعلق دارند، در جایی که نه تام باشد و نه کافی، نفسش تمام می‌شود. در آن صورت بر روی عبارتی که معنایش، مناسب و مفهوم باشد وقف می‌کند. این موضوع، چه در سنت [نبوی صلّی اللّه علیه و سلم و چه در زبان عربی [و هر زبان دیگری بدون اشکال است. احمد بن موسی قوّاس می‌گوید: «هرگاه که نفس قطع می‌شود، وقف می‌کنیم.» من این اقسام چهارگانه را دسته‌دسته توضیح داده، اصول آن را شرح می‌دهم، فروعش را روشن می‌سازم و از هر قسم به شکل ساده و آسان مثال می‌زنم، برای اینکه حقایق آن دانسته شود و معانی آنها فهمیده شود و بر مطالبی که گفته خواهد شد، شاهد مثال و دلیل از سوره‌ها ذکر خواهم کرد. ان شاء اللّه تعالی.

گفتار سوم: توضیح وقف تام

وقف تام، وقفی است که قطع بر آن و شروع از بعدش خوبست، زیرا موضوع ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸ آیات بعد، به آیات قبل هیچگونه تعلقی ندارد. این در جایی است که موضوعات پایان می‌پذیرد که [به طور عمده در انتهای آیات (فواصل) پیش می‌آید؛ مانند وقف بر «وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «۱» و شروع کردن از «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» «۲»؛ همچنین وقف بر «وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ» «۳» و شروع کردن از «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ» «۴»؛ وقف بر «وَ أَنَّهُمْ إِلَیْهِ راجِعُونَ» «۵» و شروع کردن از «یا بَنِی إِسْرائِیلَ» «۶»؛ وقف بر «وَ أَفْئِدَتُهُمْ هَواءٌ» «۷» و شروع کردن از «وَ أَنْذِرِ النَّاسَ» «۸»؛ وقف بر «وَ لَوْ أَلْقی مَعاذِیرَهُ» «۹» و شروع کردن از «لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ» «۱۰» و نظایر آن، هرجا که مطلب پایان می‌پذیرد. گاهی نیز وقف تام است ولی هنوز به انتهای آیه نرسیده است؛ مانند «وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّةً» «۱۱». اینجا وقف، تام است زیرا پایان سخن بلقیس است و سپس خداوند می‌فرماید: «وَ کَذلِکَ یَفْعَلُونَ» «۱۲» و اینجا انتهای آیه است. و همچنین در «لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنِی» «۱۳» این نیز وقف تام است به خاطر اینکه پایان سخن فرد ظالم، ابیّ بن خلف، بوده است؛ سپس خدای تعالی می‌فرماید: «وَ کانَ الشَّیْطانُ لِلْإِنْسانِ خَذُولًا» «۱۴» و اینجا پایان آیه است (۱)- بقره: ۵.

(۲)- بقره: ۶. (۳)- بقره: ۲۹. (۴)- بقره: ۳۰. (۵)- بقره: ۴۶. (۶)- بقره: ۴۷. (۷)- ابراهیم: ۴۳. (۸)- ابراهیم: ۴۴. (۹)- قیامهٔ: ۱۵. (۱۰)- قیامهٔ: ۱۶. (۱۱)- نمل: ۳۴. (۱۲)- ملوک وقتی وارد قریه‌ای می‌شوند- همین گونه که بلقیس گفته است- عمل می‌کنند. (۱۳)- فرقان: ۲۹. (۱۴)- یعنی شیطان، بسیار خوار می‌کند تا جایی که یاد خدا را از یادش ببرد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹ گاهی نیز وقف تام، بر کلمه‌ای پس از انتهای آیه می‌باشد [یعنی در ابتدای آیه بعد قرار دارد]؛ مانند: «وَ إِنَّکُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَیْهِمْ مُصْبِحِینَ وَ بِاللَّیْلِ» «۱». «مُصْبِحِینَ» انتهای آیه است ولی وقف تام بر کلمه «وَ بِاللَّیْلِ» است زیرا معنایش در ادامه آیه قبل می‌باشد یعنی در صبح و شامگاه. «۲» همچنین در «عَلَیْها یَتَّکِؤُنَ وَ زُخْرُفاً» «۳». انتهای آیه «یَتَّکِؤُنَ» است ولی وقف تام بر کلمه «وَ زُخْرُفاً» است زیرا عطف بر «سُقُفاً» در آیه قبل می‌باشد. «۴» نیز «لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِها سِتْراً کَذلِکَ» «۵». «سِتْراً» آخر آیه است ولی وقف تام بر کلمه «کَذلِکَ» می‌باشد زیرا معنی چنین است: «خبر ایشان چنین بود». «۶» و گاهی نیز تمام شدن معنی (و وقف تام) بعد

از یک یا دو آیه و حتی بیشتر است که هرکدام با توضیح لازم در جای خود خواهد آمد. ان شاء الله «۷».

گفتار چهارم: توضیح وقف کافی

بدان وقف کافی در مواردی است که وقف بر آن، صحیح و شروع از بعدش خوب است با این تفاوت که عبارت دوم، تنها از نظر معنی بـه عبـارت اول وابسـته (_______________ ۱)-

صافات: ۱۳۷ و ۱۳۸. (۲)- به درستی که شما صبحگاهان و به هنگام شب بر آنان (قوم لوط) می‌گذرید. (۳)- زخرف: ۳۴ و ۳۵. (۴)- خانه‌هایشان [در بهشت ، درها و تختها و زخرف (جواهر) دارد که ایشان بر تختها تکیه می‌زنند. (۵)- کهف: ۹۰ و ۹۱. (۶)- برای آنها پوششی [در مقابل نور خورشید] قرار نداده بودیم و خبرشان اینگونه بود که ذکر شد. (۷)- در متن عربی کتاب در پایان‌بخش مربوط به وقف تام، بحثی تحت عنوان «تام در درجه کافی» آمده است که ما آن را در پایان‌بخش مربوط به وقف کافی خواهیم آورد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰ است و وابستگی لفظی بین آن دو نیست؛ مانند وقف بر: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ» «۱» و شروع از بعد از آن و موارد مشابه در همین آیه؛ همین‌طور وقف بر «وَ لا عَلى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ» «۲» و شروع از بعد آن تا عبارت «أَوْ أَشْتاتاً»؛ وقف بر «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ» «۳» و شروع از بعد از آن زیرا تمام این موارد به هم عطف شده‌اند. «۴» همچنین وقف بر انتهای آیات در سوره‌های تکویر، انفطار و انشقاق و شبیه آنها و همین‌طور فواصل آیات سوره‌های جنّ و مدّثّر و مشابه آنها. مراد از فواصل نظیر «احدا» و «وَلَداً» «۵» است. همین‌طور است وقف بر «أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ» «۶» و ابتدا از مابعدش. همچنین است موارد مشابه آن زیرا عبارت ما بعد عطف بر ما قبل و متعلق به آن است و هر بخش از کلام [از جهت عوامل لفظی مستقل بوده و معنایی دارد که کافی است و لذا وقف بر آن نیز کافی است. این نوع، «مفهوم» هم نامیده می‌شود. اختلاف این موارد در کافی بودن، همانند اختلاف مواضع تام است. آنچه در فواصل آیات، «تام»، «کافی» یا «حسن» باشد، نسبت به آنچه در میان آیات قرار دارد «اتمّ»، «اکفی» یا «احسن» است و تمام این موارد را در جای خود و در هر یک از سوره‌ها خواهید دید. ان شاء الله تعالی، و بالله التوفیق (_______________. ۱)-

نساء: ۲۳. (۲)- نور: ۶۱. (۳)- مائده: ۵. (۴)- به نظر می‌رسد این‌جا اشتباهی از سوی مؤلف یا تدوین‌کنندگان کتاب صورت گرفته باشد زیرا مواردی مانند آیه بیست و سوم سوره نساء یا آیه شصت و یکم سوره نور با تعریفی که خود مؤلف از وقف کافی ارائه داده منافات دارد؛ مثلا عامل عبارات بعدی در آیه ۲۳ سوره نساء «حرّمت» و در آیه ۶۱ سوره نور «أَنْ تَأْكُلُوا» می‌باشد. (۵)- جنّ: ۲ و ۳. (۶)- مائده: ۵. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱ گاهی تام در درجه کافی است به این دلیل که بین دو کلام از نظر معنی، تعلق وجود دارد ولی از نظر لفظی، به یکدیگر وابستگی ندارند؛ مانند آیه کریمه «وَ يُنْذِرَ الَّذِينَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً» «۱» که وقف در اینجا تام است و از «ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ» «۲» شروع می‌شود زیرا عبارت دوم از عبارت قبلی بی‌نیاز است؛ همچنین وقف بر «وَ لا لِآبائِهِمْ» «۳» تام است و ابتدا از «كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْواهِهِمْ» صحیح است گرچه کلامی که از دهانهایشان خارج می‌شود، همان «اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً» در آیه چهارم می‌باشد. و همین‌گونه است نظایر آن از مواردی که وقف بر آن به اجماع اهل تفسیر و عالمان بزرگوار- که مواضع وقف تام را در قرآن مشخص کرده‌اند- تام است زیرا کلام در آن بخش تمام شده و بی‌نیازی مابعدش از آن، در حالی که مابعدش به سبب معنی، جزئی از آن یا سبب آن است؛ به همین سبب، این موارد در درجه کافی است. و بالله التوفیق.

گفتار پنجم: توضیح وقف حسن

بدان وقف حسن آن است که وقف بر آن خوب است ولی ابتدا از بعدش به دلیل وابستگی آن به عبارت قبلی، هم از نظر لفظی و

هم از نظر معنوی، صحیح نیست؛ مانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» و «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» «۴» که وقف بر آنها و مشابهشان حسن است زیرا منظور عبارت فهمیده می‌شود ولی شروع از «رَبِّ الْعالَمِینَ»، (________________________________)- کهف: ۴. (۲)- کهف: ۵. (۳)- کهف: ۵. (۴)- فاتحهٔ: ۲ و ۳. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲ «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» و «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» خوب نیست زیرا این کلمات مجرور هستند و ابتدا از مجرور قبیح است و این قبیح، به خاطر این است که مجرور، تابع عبارت قبل از خود است. از آن‌رو که برای قاری، به خاطر قطع نفس، همیشه امکان وقف بر روی تام یا کافی نیست، این قسم «صالح» نیز نامیده شده است. و از آنچه شایسته است بر آن وقف شود، انتهای آیات است زیرا از جهاتی مقطع حساب می‌شوند و بسیاری از وقفهای تام، آنجا قرار دارند چرا که در انتهای آیات معمولا جمله‌ها پایان می‌پذیرند و آخر مطلب می‌باشند. حتی گروهی از پیشوایان و قاریان پیشین، وقف بر انتهای آیات را می‌پسندیدند هرچند قسمتی از کلام به بخش دیگر متعلق باشد به جهت این‌که گفتیم مقطع کلام هستند و مشتبه نمی‌شوند زیرا به خودی خود فاصله و مقطع می‌باشند اگرچه انتهای آیه، وقف تام نباشد. از ابو عمرو [بصری «۱» نقل شده که در انتهای هر آیه سکت «۲» می‌کرد و می‌گفت: «من دوست دارم در انتهای تمام آیات، سکت شود». در سنت رسول مکرم خدا صلّی اللّه علیه و آله نیز این‌گونه وارد شده است. از امّ سلمه «۳» نقل شده که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله قرائتش را تقطیع می‌کرد [یعنی آخر هر آیه وقف می‌کرد] و می‌فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»، «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ»، (________________________________)- ابو عمرو بصری یکی از قراء سبعه و متوفای ۱۵۴ ه. ق است. (۲)- منظور از سکت، همان وقف است زیرا در بیان گذشتگان سکت، وقف و قطع یک مفهوم داشته است و جدا کردن این سه از یکدیگر مربوط به متأخرین است. از طرفی، منابع معتبر تصریح دارند که ابو عمرو بصری، در انتهای آیات به اصطلاح تجویدی وقف می‌کرده است نه سکت. (۳)- این روایت به طرق مختلف از ام سلمه روایت شده ولی در تمام آنها فقط به سوره حمد اشاره شده و از آن کلیت برای تمام قرآن دریافت نمی‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳ «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ». همچنین از طریق دیگری از وی نقل شده است: زمانی که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله قرائت می‌نمود، قرائتش را آیه آیه قطع کرده و می‌خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» سپس وقف می‌کرد و آن‌گاه می‌خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» آن‌گاه وقف کرده و می‌خواند: «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» سپس وقف کرده و می‌خواند: «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ». این روایت، از چند طریق نقل شده و در این باب، «اصل» محسوب می‌شود. و بالله التوفیق.

گفتار ششم: وقف قبیح

وقف قبیح، وقفی است که منظور از آن فهمیده نمی‌شود؛ مانند وقف بر «بسم»، «مالک»، «ربّ»، «رسل» و نظایر آنها و ابتدا از «اللّه»، «یوم الدّین»، «العالمین»، «السموات» و «الله» [در آیات «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» «۱»، «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» «۲»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» «۳»، «رَبُّ السَّماواتِ» «۴» و «رُسُلُ اللَّهِ» «۵»]؛ زیرا وقتی بر این کلمات وقف می‌شود روشن نیست به چه چیز اضافه شده‌اند. این مورد به جهت امکان قطع نفس بر روی آنها «وقف ضرورت» هم نامیده می‌شود. تمام قاریان و اهل فن، این قسم از وقف را نهی کرده و مردود شمرده‌اند و این‌گونه مناسب می‌دانند که کسی که نفسش در این‌گونه موارد قطع می‌شود، برای شروع، به (________________________________)- فاتحه: ۱. (۲)- فاتحه: ۴. (۳)- فاتحه: ۲. (۴)- رعد: ۱۶. (۵)- انعام: ۱۲۴. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴ قبل برگردد تا ماقبل را به مابعد وصل نماید. البته اگر این کار را [از روی عدم توانایی انجام نداد، اشکالی ندارد. علی بن کیسه گفته است: وقف بر مضاف صحیح نیست مگر اینکه با خواندن مجدد، اصلاح شود. قبیح‌تر از این نوع (یعنی وقف بر مضاف) در مواردی است مانند: «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ

الَّذِینَ قالُوا» «۱»، «لَقَدْ کَفَرَ الَّذِینَ قالُوا» «۲»، «وَ قالَتِ الْیَهُودُ» «۳»، «وَ قالَتِ النَّصاری «۴»، «مِنْ إِفْکِهِمْ لَیَقُولُونَ» «۵»، «وَ مَنْ یَقُلْ مِنْهُمْ» «۶»، «وَ ما لِیَ» «۷»، «فَبَعَثَ» «۸»، «و قالُوا أ بَعَثَ» «۹»، «و قالُوا» «۱۰» و ابتدا از بعد از آنها یعنی: «إِنَّ اللَّهَ فَقِیرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِیاءُ»، «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِیحُ ابْنُ مَرْیَمَ»، «عُزَیْرٌ ابْنُ اللَّهِ»، «الْمَسِیحُ ابْنُ اللَّهِ»، «وَلَدَ اللَّهُ»، «إِنِّی إِلهٌ مِنْ دُونِهِ»، «لا أَعْبُدُ»، «اللَّهُ غُراباً»، «اللَّهُ بَشَراً رَسُولًا» و «اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً» به خاطر اینکه با این فاصله انداختن، معنی از بین می‌رود «۱۱». نظیر اینها در قبح وقف مواردی است مانند: «فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَ اللَّهُ» «۱۲»، «لِلَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَ لِلَّهِ» «۱۳»، «إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی» «۱۴»، «إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی» «۱۵»،

(۱)- آل عمران: ۱۸۱. (۲)- مائده: ۱۷. (۳)- توبه: ۳۰. (۴)- توبه: ۳۰. (۵)- صافات: ۱۵۱. (۶)- انبیاء: ۲۹. (۷)- یس: ۲۲. (۸)- مائده: ۳۱. (۹)- اسراء: ۹۴. (۱۰)- مریم: ۸۸. (۱۱)- در این‌گونه موارد، شروع از بعدشان نسبت به وقف بر آنها قبیحتر است. (۱۲)- بقره: ۲۵۸. (۱۳)- نحل: ۶۰. (۱۴)- بقره: ۲۶. (۱۵)- غافر: ۲۸. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵ «إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ» «۱» یا «لا یَبْعَثُ اللَّهُ» «۲» زیرا به خاطر این فاصله انداختن، معنی خدشه‌دار می‌شود. ادامه آیات بدین قرار است: «وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ»، «انّ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلی ، «أَنْ یَضْرِبَ مَثَلًا ما»، «إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذَّابٌ»، «إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ مَنْ کانَ مُخْتالًا فَخُوراً» و «لا یَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ». کسی که نفسش بر روی این موارد، تمام شود لازم است به قبل برگردد و قسمتی از کلام را به قسمت دیگر وصل نماید و اگر چنین نکند، مرتکب گناه [در قرائت شده است. این اشتباه بزرگی است که اگر کسی آن را از روی عمد انجام دهد- به واسطه آن- از دین اسلام خارج می‌شود به این دلیل که آنچه از قرآن که متعلق به بعد یا قبلش است را جدا کرده و این جداسازی، افترا بر خدای بلند مرتبه است و نسبت دادن جهل و کفر به اوست. وقف بر سخن جداگانه‌ای که خارج از حکم قبلی است ولی به آن وصل می‌شود، نیز از این قسم است؛ مانند وقف بر «وَ إِنْ کانَتْ واحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لِأَبَوَیْهِ» «۳» به خاطر اینکه نصف در اینجا مربوط به دختر است و نه پدر و مادر، و عبارت «وَ لِأَبَوَیْهِ» مستأنفه است یعنی خبرش بعد آمده که «لِکُلِّ واحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ» است. همچنین وقف بر «إِنَّما یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ یَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتی «۴» قبیح است به خاطر اینکه «الموتی» نه می‌شنوند و نه پاسخ می‌گویند، بلکه خداوند متعال خبر داده که ایشان برانگیخته می‌شوند «وَ الْمَوْتی یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ». پس ایشان به خاطر حالت خاصشان از گروه قبلی جدا هستند. نیز وقف بر «لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا

(۱)- نساء: ۳۶. (۲)- نحل: ۳۸. (۳)- نساء: ۱۱. (۴)- انعام: ۳۶. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶ اکْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِی تَوَلَّی کِبْرَهُ مِنْهُمْ» «۱» زیرا منظور از عبارت اول، مؤمنان هستند ولی متولیان کبر، منافقانند که در آخرت، عذابی بزرگ برای ایشان در نظر گرفته شده و منظور از ایشان «عبد الله بن ابیّ بن سلّول» است. همچنین وقف بر «انّی فَأَخافُ أَنْ یَقْتُلُونِ وَ أَخِی هارُونُ» «۲» زیرا موسی علیه السلام از کشته شدن خود می‌ترسید نه از کشته شدن برادرش. «وَ أَخِی هارُونُ» مستأنفه است و درباره او صفت و حالتی «۳» بیان شده است. و هرچه شبیه این موارد باشد نیز حکمش چنین است. و نیز، از این وقف‌های قبیح، وقف بر اسمهایی است که وصف‌های بعدشان حقیقت و نوع آنها را مشخص می‌کند؛ مانند «فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ» «۴» زیرا نمازگزاران، افرادی ستوده و ممدوح هستند که «ویل» بر ایشان شایسته نیست و وصف‌شدگان با عبارت بعد «الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ» کسانی هستند که مورد عتاب خداوند در آیه شریفه‌اند. قبیح‌تر از این نوع، وقف بر حرف نفی است که حرف ایجابی بعدش بیاید؛ مانند: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» «۵»، «ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ» «۶»، «لا إِلهَ إِلَّا أَنَا» «۷» و مشابه‌هایش. اگر کسی بدون مشکل و اضطرار، قبل از حرف ایجاب و اثبات وقف نماید، این کار گناه بزرگی است زیرا در این صورت، معنی هرآنچه غیر خدا پرستش می‌شود، خواهد بود. همچنین در «وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا مُبَشِّراً وَ نَذِیراً» «۸» و «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا

(۱)- نور: ۱۱. (۲)- قصص: ۳۳ و ۳۴. (۳)- فصیحتر بودن او از موسی علیه السّلام. (۴)- ماعون: ۴. (۵)- محمد: ۱۹. (۶)- آل

عمران: ۶۲، صافات: ۳۵. (۷)- طه: ۱۴. (۸)- اسراء: ۱۰۵. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷ لِیَعْبُدُونِ» «۱» اگر کسی قبل از حرف ایجاب وقف نمایـد، به نفی ارسال حضـرت محمد صلّی اللّه علیه و آله و آفرینش جن و انسان منجر می‌شود. همینطور «وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها إِلَّا هُوَ» «۲» و «قُلْ لا یَعْلَمُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الْغَیْبَ إِلَّا اللَّهُ» «۳» و آنچه شبیه آن است. این موارد نیز از سخنان و گناهان بزرگ است [که وقف بر آنها ناپسند است . از موارد وقف قبیح که توقیف در نهی از آن وارد شده، وقف بر این آیـات و شبیه آنهاست: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِیمٌ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا» «۴»، «الَّذِینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمالَهُمْ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» «۵»، «الَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ عَذابٌ شَدِیدٌ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» «۶»، «لِلَّذِینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنی وَ الَّذِینَ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَهُ» «۷»، «أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ» «۸»، «مَنْ یَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ یُضْلِلْ» «۹»، «فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا» «۱۰»، «إِنْ یَنْتَهُوا یُغْفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ وَ إِنْ یَعُودُوا» «۱۱»، «فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی» «۱۲» و «لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ» «۱۳». در این موارد، بخش دوم از جهت معنی از حکم اول خارج است و وقتی که بدون روشن شدن حقیقت و آشکار شدن مرادش، بر آن حکم شود، چیزی (______________________________ ۱)- ذاریات: ۵۶. (۲)- انعام: ۵۹. (۳)- نمل: ۶۵. (۴)- مائده: ۹ و ۱۰. (۵)- محمد: ۱ و ۲. (۶)- فاطر: ۷. (۷)- رعد: ۱۸. (۸)- غافر: ۶ و ۷. (۹)- کهف: ۱۷. (۱۰)- آل عمران: ۲۰. (۱۱)- انفال: ۳۸. (۱۲)- ابراهیم: ۳۶. (۱۳)- ابراهیم: ۷. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۸ قبیح‌تر از آن وجود ندارد، زیرا حال مؤمن و کافر و هدایت یافته و گمراه یکسان شده است. در این حالت، بطلان شـریعت و خروج از دین است و لازم است کسی که (اضطرارا) در این موارد نفسش قطع شود، برگشته و بخشی از کلام را به بخش دیگر وصل کند؛ یـا بر انتهـای هر بخش وقف کنـد؛ یا در آخر دومی وقف نمایـد. پس هرکه چنین نکنـد، گناه کرده و تجاوز نموده و از روی نادانی افترا بسته است. نقل شـده که: حمزه و غیر او وقف بر این موارد- یعنی آنچه از قبیـح‌ها برشـمردیم- را قبیح می‌دانسته‌اند زیرا قاری امکان دوری از آن را دارد. مؤلف گویـد: این اقسام وقف بود که آن را برشـمردم و اصول و فروعش را تلخیص نمودم. پس آنها را به دقت بدان و فراگیر. و بالله التوفیق. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹

وقف و ابتدا در آیات و سوره‌های قرآن کریم

سوره حمد

سوره حمد [۱] آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف استعاذه/ الرجیم/ تام ۱ (بسمله)/ الرحیم/ اتم نسبت به موضع قبل ۴/ الدین/ تام [۲] ۵/ نستعین/ تام [۳] ۷/ انعمت علیهم/ حسن [۴] ۷/ و لا الضالین/ تام [______________________________ ۱]- اگر به منظور جدا کردن آیات و مراعات ترتیل، بر سر هریک از آیات این سوره وقف شود، نیکو است و سـنت نبوی نیز این چنین بوده است. از ام سـلمه نقل شـده: «وقتی پیـامبر صـلّی اللّه علیـه و آله [سـوره حمـد را] قرائت می‌کرد، آیه آیه قطع کرده، می‌خوانـد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» وقف می‌کرد؛ سپس می‌خوانـد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» وقف می‌کرد؛ سپس تلاوت می‌کرد: «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» و «مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» [تا انتها].» [۲]- زیرا ما بعـدش از آن بی‌نیاز است. [۳]- زیرا پایان ثنا بر خـدای عز و جل است. [۴]- تـام و کافی نیست خواه آنکه «غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ» صـفت یا بدل از «الَّذِینَ» در عبارت «صِراطَ الَّذِینَ» باشد؛ خواه آنکه «غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ» حال با تقدیر «مغضوبا علیهم» یـا اسـتثنا باشـد بـا تقـدیر «الا المغضوب علیهم». در هر دو صورت به مـا قبل تعلق دارد و از آن جـدا نمی‌شود مگر بطور غیر اختیاری. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۲۲ مؤلف گوید: آنچه وقف بر آن ناپسـند است چیزهایی از قبیل وقف بر

سر مبدل منه بدون بدل، موصوف بدون صفت، معطوف بدون عطف و مؤکد بدون تأکید می‌باشد که شبیه آن را در کتاب «الوقف و الابتداء» همراه مثال و با شرح، ذکر کرده‌ام و ذکر موضوع در آن کتاب، از تکرار آن در اینجا بی‌نیاز می‌سازد. و بالله التوفیق. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳

سوره بقره

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ ا لم [۱] (هرجا واقع شود نوع وقف بر آن مطابق همین سوره است)./ تام [۲] (قول مختار مؤلف) کافی (قول ابو حاتم) نه تام و نه کافی [۳] (قول افراد دیگر) [______________________________ ۱]- «أ لَمْ» در تمام سوره‌هایی که آمده، در شمارش کوفی، انتهای آیه است و این از آن جهت است که جمله مستقل و کلام تمامی است. [۲]- اگر اسمی برای سوره در نظر گرفته شود، یعنی «اقرأ ا لم»؛ یا به معنای «انا اللّه اعلم و اری» حمل شود. [۳]- زیرا: الف) معنایش این است که «یا محمّد ذلک الکتاب»؛ ب) گفته شده «قسم» است؛ ج) قولی هست که برای «بیدار و آگاه کردن» آمده است. بنابراین سه وجه، به خاطر بدست آمدن فایده در آن، به ما بعد تعلق دارد و لذا از آن جدا نمی‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲/ لا ریب فیه/ کافی [۱] تام [۲] (قول نافع) ۲/ هدی للمتقین/ تام [۳] کافی [۴] حسن [۵] [______________________________ ۱]- «هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» با در نظر گرفتن ضمیر «هو» مرفوع می‌شود. [۲]- «هدی» با «فیه» مرفوع می‌شود. در این صورت معنای «لا رَیْبَ»، «لا شکّ» می‌شود؛ ضمیر عاید به کتاب، به علت آشکار بودن معنی ذکر نشده است. اگر در کلام بیان می‌شد، «لا ریب فیه، فیه هدی» می‌شد. بصریون می گویند: «ان فعلت فلا بأس» یعنی «لا بأس علیک» و کوفیون می گویند: «ان زرتنی فلا براح» یعنی «لا براح لک» که ایشان خبر «لا» ی نفی جنس را حذف کرده‌اند. نظیر آن «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» و «لا حول و لا قوّة الّا باللّه» است یعنی «لا اله للعالم الّا اللّه» و «لا حول لنا و لا قوّة الّا باللّه». [۳]- اگر بعد از «الذین» مبتدای مرفوع باشد و خبر آن در عبارت «أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ» «۱» بیاید. [۴]- الف) چنانچه بنا بر مدح «هم الذین» در نظر گرفته شود و مرفوع؛ ب) اگر منصوب و تقدیر آن «اعنی الّذین» باشد. [۵]- در صورتی که «الّذین» صفت «للمتقین» و مجرور باشد. قاعده: در هرچه نظیر «الذین» در حالت وصفی بیاید سه نوع وقف ذکر شده و جایز است؛ نظیر «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ الَّذِی جَعَلَ» «۲»، «إِلَّا الْفاسِقِینَ الَّذِینَ یَنْقُضُونَ» «۳»، «بَصِیرٌ بِالْعِبادِ الَّذِینَ یَقُولُونَ» «۴»، «فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ» «۵» و مشابه‌های آن (______________________________. ۱)- آیه ۵. (۲)- بقره: آیات ۲۱ و ۲۲. (۳)- بقره: آیات ۲۶ و ۲۷. (۴)- آل عمران: آیات ۱۵ و ۱۶. (۵)- زمر: آیه ۱۷. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳/ یُنْفِقُونَ/ کافی (گفته شده) تام [۱] ۴/ مِنْ قَبْلِکَ/ کافی ۴/ یُوقِنُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۵/ الْمُفْلِحُونَ/ تام ۶/ لا یُؤْمِنُونَ/ کافی ۷/ وَ عَلی سَمْعِهِمْ/ کافی (گفته شده) تام محل وقف نیست [۲] [اختلاف قرائت ۷/ غِشاوَةٌ/ کافی [۳ [______________________________ ۱]- زیرا پایان وصف مؤمنان عرب (مسلمانان) است و بعد از آن، ابتدای بیان اوصاف مؤمنان اهل کتاب می‌باشد. [۲]- مفضل از عاصم در همین آیه، «وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ» «۱» روایت کرده است و لذا بر «سَمْعِهِمْ» نمی‌توان وقف کرد زیرا «غِشاوَةٌ» با فعلی که «خَتَمَ» بر آن دلالت دارد منصوب شده زیرا «ختم» و «جعل» در معنا یکی هستند؛ گویی می‌فرماید: «و جعل علی ابصارهم غشاوة». [۳]- بنابر قرائت «غشوة» وقف کافی است (______________________________. ۱)- زمر: آیات ۱۷ و ۱۸. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷/ عَذابٌ عَظِیمٌ/ تام ۸/ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِینَ/ کافی ۹/ وَ الَّذِینَ آمَنُوا/ کافی ۹/ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ/ کافی ۹/ وَ ما یَشْعُرُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۰/ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

[۱]/ [كافى ۱۰/ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً/ اكفى نسبت به موضع قبل ۱۰/ يَكْذِبُونَ/ كافى (گفته شده) تام [۲] ۱۱/ مُصْلِحُونَ/ كافى ۱۲/ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ/ كافى (گفته شده) تام ۱۳/ كَما آمَنَ السُّفَهاءُ/ كافى ۱۳/ وَ لكِنْ لا يَعْلَمُونَ/ اكفى نسبت به موضع قبل [____۱]- منظور از «مَرَضٌ»، «شك» است.

[۲]- زيرا پايان موضوع است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۴/ مُسْتَهْزِؤُنَ/ كافى [۱] ۱۵/ يَعْمَهُونَ/ كافى ۱۶/ مُهْتَدِينَ/ كافى ۱۷/ لا يُبْصِرُونَ/ كافى ۱۸/ فَهُمْ لا يَرْجِعُونَ/ كافى (گفته شده) تام ۱۹/ حَذَرَ الْمَوْتِ/ تام ۱۹/ بِالْكافِرِينَ/ كافى ۲۰/ قامُوا/ كافى (گفته شده) تام ۲۰/ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [۲]/ تام [____۱]- ابو حاتم شروع از آيه ۱۵ «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» و آيه ۵۴ سوره آل عمران «وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرِينَ» و نظاير آن را مكروه دانسته ولى به نظر ما، ابتدا از اين آيات، حسن است و قطع بر قبل از آن كافى است زيرا معناى استهزا و مكر از جانب خداى متعال، پاداش و جزا براى مخالفان ايشان به خاطر استهزا و مكر آنان است. گفته شده معنى، آن است كه براى آنها عذابى- به دليلى كه احساس نمى‌كنند و گمان نمى‌برند كه با آن مستحق اين عذاب شده باشند- وجود دارد. [۲]- مجاهد گويد: از اول سوره بقره، چهار آيه در وصف مؤمنان، دو آيه در وصف كافران و سيزده آيه در وصف منافقان است. در بيست آيه مذكور، موارد اتم عبارت است از: «الْمُفْلِحُونَ» «۱»، «عَظِيمٌ» «۲» و «قَدِيرٌ». (____۱)- آيه ۵. (۲)- آيه ۷. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۱/ تَتَّقُونَ/ حسن [۱] ۲۲/ وَ السَّماءَ بِناءً/ كافى ۲۲/ رِزْقاً لَكُمْ/ كافى ۲۲/ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ/ تام ۲۳/ صادِقِينَ/ تام (گفته شده) كافى ۲۵/ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ/ كافى ۲۵/ بِهِ مُتَشابِهاً/ كافى (گفته شده) تام ۲۵/ أَزْواجٌ مُطَهَّرَةٌ/ كافى ۲۵/ خالِدُونَ/ تام ۲۶/ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا/ محل وقف نيست [۲] تام (قول احمد بن موسى) ۲۵/ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا ما/ محل وقف نيست [۳] حسن (قول احمد بن جعفر دينورى و احمد بن محمد نحاس) [____۱]- ذكر آن قبلا- [در آيه ۲] به ميان آمده است. [۲]- زيرا «ما» زايده و مؤكده است و از آن شروع نمى‌شود. [۳]- زيرا «بَعُوضَةً» بدل از «مَثَلًا» است و از آن جدا نمى‌شود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۶/ فَما فَوْقَها/ كافى (گفته شده) تام ۲۶/ وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيراً/ كافى ۲۶/ إِلَّا الْفاسِقِينَ/ كافى [۱] ۲۷/ الْخاسِرُونَ/ تام ۲۸/ فَأَحْياكُمْ/ محل وقف نيست [۲] محل وقف (قول ابى حاتم) [۳] ۲۸/ تُرْجَعُونَ/ تام ۲۹/ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً/ كافى ۲۹/ سَبْعَ سَماواتٍ/ كافى (گفته شده) تام ۲۹/ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ/ تام ۳۰/ وَ نُقَدِّسُ لَكَ/ كافى (گفته شده) تام____

[۱]- ذكر آن [در آيه ۲] به ميان آمده است. [۲]- زيرا بعدش، عطف بر آن بوده و از آن جدا نمى‌شود و احتجاج ابو حاتم بر وقف آن، صحيح به نظر نمى‌رسد. [۳]- بر «فَأَحْياكُمْ» وقف مى‌شود و از «ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» آغاز مى‌شود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۳۰/ ما لا تَعْلَمُونَ [۱]/ تام ۳۱/ صادِقِينَ/ كافى ۳۲/ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۳۳/ تَكْتُمُونَ/ تام ۳۴/ الْكافِرِينَ/ كافى ۳۵/ مِنَ الظَّالِمِينَ/ كافى ۳۶/ مِمَّا كانا فِيهِ/ كافى (گفته شده) تام ۳۶/ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا/ كافى [۲] ۳۶/ إِلى حِينٍ/ كافى ۳۷/ فَتابَ عَلَيْهِ/ كافى [۳] ۳۷/ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ/ اكفى نسبت به موضع قبل [____۱]- شخصى از مجاهد در آيه «إِنِّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» نقل كرده كه: خداوند، معصيت ابليس را قبل از آنكه سرپيچى كند مى‌دانست و او را براى اين معصيت خلق كرده بود. [۲]- زيرا بعد از آن جدا بوده و خبر از اين است كه بعضى از اينان دشمن برخى ديگر هستند. [۳]- قاعده: وقف قبل از «انّ» ابتدائيه- غير از قول و قسم- در تمام قرآن كافى بوده و ابتدا از «انّ» حسن است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۳۸/ مِنْها جَمِيعاً/ كافى ۳۸/ يَحْزَنُونَ/ تام ۳۹/ خالِدُونَ/ تام ۴۰/ فَارْهَبُونِ/ كافى ۴۱/ فَاتَّقُونِ/

کافی ۴۲/ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ/ کافی ۴۳/ مَعَ الرَّاكِعِينَ/ کافی ۴۴/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ کافی ۴۵/ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ/ کافی ۴۵/ عَلَى الْخاشِعِينَ/ کافی ۴۶/ راجِعُونَ/ تام ۴۷/ عَلَى الْعالَمِينَ/ کافی ۴۸/ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ/ کافی ۴۹/ عَظِيمٌ/ کافی ۵۰/ تَنْظُرُونَ/ کافی ۵۱/ ظالِمُونَ/ کافی ۵۲/ تَشْكُرُونَ/ کافی ۵۳/ تَهْتَدُونَ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۴/ عِنْدَ بارِئِكُمْ/ کافی ۵۴/ فَتابَ عَلَيْكُمْ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۵۴/ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ/ تام ۵۵/ تَنْظُرُونَ/ کافی ۵۶/ تَشْكُرُونَ/ کافی ۵۷/ يَظْلِمُونَ/ تام ۵۸/ خَطاياكُمْ/ کافی ۵۸/ الْمُحْسِنِينَ/ کافی ۵۹/ يَفْسُقُونَ/ تام ۶۰/ مُفْسِدِينَ/ تام ۶۱/ وَ بَصَلِها/ کافی [۱] (گفته شده) تام [۲] ۶۱/ خَيْرٌ/ کافی [۳] (گفته شده) تام [۴]

[۱]- بنابراین قول که عبارت «أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ» از حضرت موسی علیه السّلام باشد زیرا زمانی که از او، آن خوراکی‌ها را تقاضا کردند، خشمگین شد. [۲]- بنابر سخن قتاده که ذکر می‌شود. [۳]- بنابر سخن قتاده یا این که «أَ تَسْتَبْدِلُونَ ... سالتم» از حضرت موسی علیه السّلام باشد. [۴]- بنابراین که عبارت «أَ تَسْتَبْدِلُونَ ... خَيْرٌ» از حضرت موسی علیه السّلام و جمله «اهْبِطُوا مِصْراً فَإِنَّ لَكُمْ ما سَأَلْتُمْ» از خداوند متعال باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۱/ فَإِنَّ لَكُمْ ما سَأَلْتُمْ [۱]/ تام [۲] ۶۱/ الذِّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ/ کافی ۶۱/ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۶۱/ بِغَيْرِ الْحَقِّ/ کافی ۶۱/ يَعْتَدُونَ/ تام ۶۲/ يَحْزَنُونَ/ تام ۶۳/ تَتَّقُونَ/ کافی ۶۴/ الْخاسِرِينَ/ کافی ۶۵/ خاسِئِينَ/ کافی ۶۶/ لِلْمُتَّقِينَ/ تام ۶۷/ الْجاهِلِينَ/ کافی

[۱]- قتاده گوید: وقتی خداوند در مدت زمان تیه (زمان سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان)، منّ و سلوی (غذای روزانه آنها در مدت تیه که با معجزه بر آنها فرستاده می‌شد) را برایشان نازل کرد و زندگی مصر را به یاد آوردند، خداوند فرمود: «أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْراً» یعنی شهری از شهرها. سپس فرمود: «فَإِنَّ لَكُمْ ما سَأَلْتُمْ». [۲]- بدون اختلاف است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۸/ وَ لا بِكْرٌ/ کافی [۱] ۶۸/ بَيْنَ ذلِكَ/ کافی ۶۸/ تُؤْمَرُونَ/ کافی ۶۹/ النَّاظِرِينَ/ کافی ۷۰/ لَمُهْتَدُونَ/ کافی ۷۱/ تُثِيرُ الْأَرْضَ/ محل وقف نیست حسن (قول محمد بن قاسم انباری) ۷۱/ وَ لا تَسْقِي الْحَرْثَ/ کافی [۲] ۷۱/ لا شِيَةَ فِيها/ کافی ۷۱/ يَفْعَلُونَ/ تام (گفته شده) کافی ۷۲/ فَادَّارَأْتُمْ فِيها/ کافی ۷۲/ تَكْتُمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۷۴/ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً/ کافی

[۱]- سپس از «عَوانٌ» آغاز می‌شود یعنی آن گاو، متوسط (بین کوچک و بزرگ) است. [۲]- سپس از «مُسَلَّمَةٌ» آغاز می‌شود یعنی آن سالم است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۴/ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ/ کافی [۱] تام [اختلاف قرائت [۲] ۷۶/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ تام ۷۷/ يُعْلِنُونَ/ کافی ۷۸/ إِلَّا يَظُنُّونَ/ کافی ۷۹/ ثَمَناً قَلِيلًا/ کافی ۷۹/ مِمَّا يَكْسِبُونَ/ کافی ۸۱/ بَلى [۳]/ کافی [۴]

[۱]- بنابر قرائت معروف، «مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» خوانده می‌شود و به «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ» متصل است. [۲]- بنابر قرائت ابن کثیر که «یعلمون» خوانده زیرا ما بعدش جدا و خبر دادن از جانب خدای عز و جل درباره این مطلب است و لذا از قبل، جداست. [۳]- اصل کلمه «بَلى نزد کوفیین، «بل» است و سپس «ی» در انتها بعنوان علامت تأنیث اضافه شده است. [۴]- زیرا نفی آن موضوعی است که پیش از آن آمده است. قاعده: وقف بر «بَلى به دلیل فوق، در همه موارد کافی است مگر آن که قسم به آن متصل گردد نظیر «قالُوا بَلى وَ رَبِّنا» «۱» و «قُلْ بَلى وَ رَبِّي» «۲» که در چنین مواردی، وقف بر «بلی» بدون قسم بعدش، صورت نمی‌گیرد.

(۱)- انعام: آیه ۳۰. (۲)- سبأ: آیه ۳.

ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۱/ هُمْ فِيها خالِدُونَ/ تام ۸۲/ هُمْ فِيها خالِدُونَ/ تام ۸۳/ لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ/ کافی [۱] ۸۳/ مُعْرِضُونَ/ کافی ۸۴/ تَشْهَدُونَ/ کافی ۸۵/ إِخْراجُهُمْ/ کافی ۸۵/ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ/ کافی ۸۵/

فِی الْحَیاهِ الـدُّنْیا/ کافی ۸۵/ إِلی أَشَـدِّ الْعَذابِ/ کافی ۸۵/ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ/ کافی [۲] تـام (قول ابی حاتم) ۸۶/ یُنْصَرُونَ/ کافی ۸۷/ بِرُوحِ الْقُدُسِ/ کافی ۸۷/ تَقْتُلُونَ/ کافی ۸۸/ یُؤْمِنُونَ/ کافی

[۱]- سـپس از «وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً» آغـاز می‌شود بـا مقـدر گرفتن «و اسـتوصوا بالوالـدین احسانـا». دلیل این تقـدیر در ادامه عبارت آمـده است («وَ قُولُوا»، «وَ أَقِیمُوا» و «آتُوا»). [۲]- هم بنـابر قرائت «تَعْمَلُونَ» و هم بنابر قرائت «یعملون». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۳۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۹/ کَفَرُوا بِهِ/ کافی ۸۹/ عَلَی الْکافِرِینَ/ کافی ۹۰/ عَلی غَضَبٍ/ کافی ۹۱/ لِما مَعَهُمْ/ کافی (گفته شـده) تام ۹۱/ إِنْ کُنْتُمْ مُـؤْمِنِینَ/ تـام ۹۲/ ظـالِمُونَ/ تام ۹۳/ وَ اسْـمَعُوا/ کافی ۹۳/ بِکُفْرِهِمْ/ کـافی ۹۳/ مُؤْمِنِینَ/ اکفی نسبت به موضع قبـل ۹۵/ بِما قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ/ کافی (گفته شده) تام ۹۶/ حَیاهٍ/ محل وقف نیست تام (قول نافع) ۹۶/ وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا/ کافی [۱] ۹۶/ أَلْفَ سَنَهٍ/ کافی ۹۶/ أَنْ یُعَمَّرَ/ کـافی

[۱]- یعنی یهودیان از مشـرکان هم حریص‌تر هسـتند؛ سپس به‌وسـیله عبارت «یَوَدُّ أَحَدُهُمْ»، خبر جدیدی درباره آنان بیان فرموده است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۶/ بِما یَعْمَلُونَ/ تام ۹۷/ لِلْمُؤْمِنِینَ/ کافی ۹۸/ لِلْکافِرِینَ/ کافی ۹۹/ إِلَّا الْفاسِقُونَ/ کافی ۱۰۰/ لا یُؤْمِنُونَ/ کافی ۱۰۱/ لا یَعْلَمُونَ/ کافی ۱۰۲/ عَلی مُلْکِ سُلَیْمانَ/ احسن نسبت به موضع بعد ۱۰۲/ وَ مـا کَفَرَ سُلَیْمانُ/ حسن تـام (قول نافع و احمـد بن جعفر دینوری) ۱۰۲/ وَ لکِنَّ الشَّیـاطِینَ کَفَرُوا/ احسن نسـبت به موضع قبل ۱۰۲/ یُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ/ محـل وقـف نیسـت [۱] کـافی [۲] ۱۰۲/ بِبابِلَ/ محـل وقـف نیسـت [۳] تـام (قـول نـافع)

[۱]- درصورتی که «ما» در عبارت بعد به معنـای «الـذی» در نظر گرفته شود و در این حـالت یـا بر «وَ اتَّبَعُوا مـا تَتْلُوا الشَّیـاطِینُ» عطف می‌شود یا بر کلمه «السِّحْرَ» در عبارت «یُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ»؛ بنابراین، عبارت فوق با عبارت بعـد، از هم جدا می‌شوند. [۲]- چنانچه «ما» در عبارت بعد، نفی باشد هرچند این نظر، دقیق نیست. [۳]- زیرا دو اسم «هارُوتَ» و «مارُوتَ» بدل از «الْمَلَکَیْنِ» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۳۹ آیه/ کلمه یـا عبـارت/ نوع وقف ۱۰۲/ هـارُوتَ وَ مـارُوتَ/ کافی ۱۰۲/ فَلا تَکْفُرْ/ کافی [۱] ۱۰۲/ وَ لا یَنْفَعُهُمْ/ کـافی ۱۰۲/ مِنْ خَلاقٍ/ کافی ۱۰۲/ یُعَلِّمُونَ/ کافی ۱۰۳/ یَعْلَمُونَ/ تام [۲] ۱۰۴/ وَ اسْمَعُوا/ تام ۱۰۴/ عَذابٌ أَلِیمٌ/ کافی ۱۰۵/ مِنْ خَیْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ/ کافی ۱۰۶/ أَوْ مِثْلِها/ کافی (گفته شده) تام ۱۰۷/ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ/ کافی ۱۰۷/ وَ لا نَصِیرٍ/ کافی ۱۰۸/ مُوسی مِنْ قَبْلُ/ کافی ۱۰۸/ سَـواءَ السَّبِیـلِ/ کـافی

[۱]- جمله «فَیَتَعَلَّمُونَ» مسـتأنفه است. سیبویه، «فهم یتعلمون» در نظر گرفته؛ مشابه آن «کُنْ فَیَکُونُ» است. [۲]- زیرا انتهای موضوع است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۴۰ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱۰۹/ مِنْ بَعْدِ إِیمانِکُمْ کُفَّاراً/ محل وقف نیست وقف می‌شود [۱] (قول نافع، احمـد بن موسـی، محمد بن عیسـی، فرّاء، ابو حاتم، دینوری و ابن انباری) تام [۲] (قول اخفش و قتبی) ۱۰۹/ لَهُمُ الْحَقُّ/ کافی ۱۰۹/ بِأَمْرِهِ/ کافی ۱۰۹/ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ/ تام ۱۱۰/ وَ آتُوا الزَّکاهَ/ کافی ۱۱۰/ عِنْدَ اللَّهِ/ کافی ۱۱۰/ بِما تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ/ تـام ۱۱۱/ تِلْکَ أَمـانِیُّهُمْ/ کـافی (گفتـه شـده) تـام ۱۱۱/ صـادِقِینَ/ کـافی [۳]

[۱]- «حَسَداً» بنـابر مفعول مطلق یا تفسیر بودن از عبـارت اول «وَدَّ کَثِیرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إِیمانِکُمْ کُفَّاراً» منصوب است. [۲]- بعـد از این عبارت، «حَسَداً» شـروع جمله جدیـدی است یعنی «یحسدونکم حسدا». [۳]- زیرا فرمـوده «بَلی مَنْ أَسْلَمَ» «۱»، رد جمله انکـاری قبـل است.

(۱)- آیـه ۱۱۲. ترجمـه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۴۱ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱۱۲/ بَلی [۱]/ کافی ۱۱۲/ یَحْزَنُونَ/ تام ۱۱۳/ یَتْلُونَ الْکِتابَ/ کافی ۱۱۳/ یَخْتَلِفُونَ/ تـام ۱۱۴/ فِی خَرابِهـا/ کافی ۱۱۴/ عَـذابٌ عَظِیمٌ/ تام ۱۱۵/ فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ/ کـافی (گفته شـده) تـام ۱۱۵/ إِنَّ اللَّهَ واسِعٌ

عَلِيمٌ/ تام ۱۱۷/ فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ/ كافی [۲] موضع وقف نیست [اختلاف قرائت [۳]
[______________________________________۱]- وقف بر «كُلا» و «بَلى را به‌طور
جداگانه در کتابی ذکر کرده‌ام. [۲]- اگر «فَيَكُونُ» جمله جدیدی به صورت «فهو یکون» در نظر گرفته شود و بر «يَقُولُ» عطف نشود. [۳]- درصورتی که طبق قرائت ابن عامر، «فَيَكُونُ» جواب امر به‌وسیله حرف «ف» باشد؛ لذا به دلیل تعلق آن به «كُنْ»، بر آن وقف نمی‌شود، زیرا «فَيَكُونُ» جواب آن است. در سوره آل عمران «۱»، سوره مریم «۲» و سوره غافر «۳» نیز مانند همین مورد وجود دارد. همچنین نصب در سوره نحل «۴» و سوره یس «۵» به دلیل عطف «فَيَكُونُ» بر «يَقُولُ» است که «أنْ» در آن عمل کرده یعنی عبارت «أنْ يَقُولَ»؛ لذا از این عبارت قطع و جدا نمی‌شوند.
(______________________________________۱)- آیه ۴۷. (۲)- آیه ۳۵. (۳)- آیه ۶۸. (۴)- آیه ۴۰. (۵)- آیه ۸۲. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۷/ فَيَكُونُ/ تام [۱] ۱۱۸/ يُوقِنُونَ/ تام ۱۱۹/ بَشِيراً وَ نَذِيراً [۲]/ کافی [۳] محل وقف نیست [۴] ۱۱۹/ أَصْحابِ الْجَحِيمِ/ تام
[______________________________________۱]- بنابر هر دو قرائت. [۲]- محمد بن کعب، از رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله روایت کرده است که فرمود: ای کاش آنچه پدر و مادرم انجام داده‌اند، احساس می‌کردم. خداوند نازل کرد: «انّا ارسلناك بالحق بشيرا و نذيرا و لا تسال عن اصحاب الجحيم». [به اعتقاد شیعه و بلکه به حکم مسلّم عقلی، این نقل و مشابه‌های آن باطل است.] [۳]- زیرا: الف) چنانچه با قرائت «و لا تسال» خوانده شود و به‌صورت «و ليست تسال» در نظر گرفته شود- یعنی «تو به خاطر ایشان مؤاخذه نمی‌شوی»- دراین‌صورت، از قبلش منقطع است. ب) با قرائت «و لا- تسال»- بنابر روایت فوق و قرائات وارد شده از نافع و یعقوب- نیز وقف کافی است. [۴]- با قرائت «و لا تسال»، درصورتی که به معنای «غیر مسؤول» در نظر گرفته شود- یعنی: تو نسبت به کارهای اصحاب جهنم مسئول نیستی- عطف بر «بَشِيراً وَ نَذِيراً» است زیرا حال از عبارت قبل و متعلق به آن است و از آن جدا نمی‌شود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲۰/ مِلَّتَهُمْ/ کافی ۱۲۰/ هُوَ الْهُدى کافی ۱۲۰/ وَ لا- نَصِيرٍ/ تام ۱۲۱/ يُؤْمِنُونَ بِهِ/ کافی ۱۲۱/ الْخاسِرُونَ/ تام ۱۲۳/ وَ لا- هُمْ يُنْصَرُونَ/ تام ۱۲۴/ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي/ کافی ۱۲۴/ الظَّالِمِينَ/ تام ۱۲۵/ وَ أَمْناً [۱]/ تام [۲] محل وقف نیست [۳] [اختلاف قرائت
[______________________________________۱]- از عمر بن خطاب روایت شده است که به رسول خدا صلّى اللّه عليه و اله عرض کردم: [چه می‌شود] اگر مقام ابراهیم را مصلی برگزینیم؟ سپس خداوند، آیه «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى» را نازل فرمود. [به اعتقاد شیعه، این نقل و مشابه‌های آن باطل و بی‌اساس است.] [۲]- بنابر قرائت «وَ اتَّخِذُوا» (که امر به برگزیدن است). [۳]- بنابر قرائت نافع و ابن عامر، «وَ اتَّخَذُوا» عطف به جمله قبل است زیرا خبر از کار مردم می‌باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲۵/ مُصَلًّى/ کافی [۱] ۱۲۵/ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ/ تام ۱۲۶/ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ [۲]/ تام [۳] ۱۲۷/ مِنَ الْبَيْتِ/ محل وقف نیست محل وقف است [۴] ۱۲۷/ وَ إِسْماعِيلُ/ کافی [۵] (گفته شده) تام [۶] ۱۲۷/ تَقَبَّلْ مِنَّا/ کافی ۱۲۷/ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ/ اکفی نسبت به موضع قبل
[______________________________________۱]- بنابر هر دو قرائت. [۲]- از مجاهد در این آیه روایت شده: حضرت ابراهیم عليه السّلام برای هر که به خدا و قیامت ایمان آورده، از خدا روزی خواست. خداوند عز و جل فرمود: «به هرکس که کفر بورزد نیز روزی می‌دهم». [۳]- زیرا سخن «قالَ وَ مَنْ كَفَرَ» و بعد از آن، از خداوند متعال است. [۴]- طبق قول کسانی که قائل هستند، دعای «رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا» فقط از حضرت اسماعیل عليه السّلام صادر شده است. [۵]- این قول نسبت به قول اول، قائل بیشتری دارد. [۶]- سپس «رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا» شروع می‌شود، به‌معنای «یقولان ربنا». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲۸/ مُسْلِمَيْنِ لَكَ/ محل وقف نیست حسن (قول ابن انباری) ۱۲۸/

أَمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ/ کافی (گفته شده) تام ۱۲۸/ وَ تُبْ عَلَیْنا/ کافی ۱۲۸/ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ/ کافی ۱۲۹/ وَ یُزَکِّیهِمْ/ کافی ۱۲۹/ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ/ تام ۱۳۰/ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ/ کافی ۱۳۲/ بَنِیهِ وَ یَعْقُوبُ/ کافی ۱۳۳/ لَهُ مُسْلِمُونَ/ تام ۱۳۴/ قَدْ خَلَتْ/ کافی ۱۳۴/ لَها ما کَسَبَتْ/ کافی ۱۳۴/ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ/ کافی ۱۳۴/ عَمَّا کانُوا یَعْمَلُونَ/ تام ۱۳۵/ تَهْتَدُوا/ تام ۱۳۵/ حَنِیفاً/ کافی ۱۳۵/ وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۳۷/ فَقَدِ اهْتَدَوْا/ کافی ۱۳۷/ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ/ تام (قول کسایی) [۱] وقف تام نیست (قول اخفش) [۲] ۱۳۸/ صِبْغَةَ اللَّهِ/ کافی ۱۳۸/ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً/ کافی ۱۳۸/ لَهُ عابِدُونَ/ تام ۱۴۰/ أَمِ اللَّهُ/ کافی ۱۴۰/ عَمَّا تَعْمَلُونَ/ تام ۱۴۱/ قَدْ خَلَتْ/ کافی ۱۴۱/ لَها ما کَسَبَتْ/ کافی ۱۴۱/ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ/ کافی ۱۴۱/ عَمَّا کانُوا یَعْمَلُونَ/ تام ۱۴۲/ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۱۴۳/ عَلَیْکُمْ شَهِیداً/ تام

[۱]- اگر «صِبْغَةَ اللَّهِ» در آیه بعد، بر حسب اغراء «۱» منصوب شود و تقدیر «الزموا صبغة الله» یعنی ملازم دین خدا باشید. [۲]- اگر «صِبْغَةَ اللَّهِ» بدل از عبارت «بَلْ مِلَّةَ إِبْراهِیمَ» «۲» باشد (۱)- اغراء یعنی متوجه ساختن مخاطب بر کار ستایش شده‌ای که ملازم آن است. (۲)- آیه ۱۳۵. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴۳/ عَلَی الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ/ تام ۱۴۳/ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ/ تام ۱۴۴/ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ/ کافی ۱۴۵/ قِبْلَةَ بَعْضٍ/ کافی ۱۴۶/ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ/ کافی ۱۴۷/ الْمُمْتَرِینَ/ تام ۱۴۸/ الْخَیْراتِ/ کافی ۱۴۸/ یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً/ کافی ۱۴۸/ قَدِیرٌ/ کافی ۱۴۹/ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ/ کافی ۱۵۰/ وَ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ/ تام [۱] غیر تام [۲] ۱۵۱/ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ/ غیر تام [۳] تام [۴]

[۱]- اگر «ک» در «کَما أَرْسَلْنا»- در آیه بعد- با سخن خداوند در جمله «أَذْکُرْکُمْ» تعلیق شود. [۲]- چنانچه «ک» در «کَما أَرْسَلْنا» با ماقبلش تعلیق شود. [۳]- درصورتی که وقف آخر آیه ۱۵۰ (به دلیل ذکر شده)، تام باشد. [۴]- درصورتی که وقف آخر آیه ۱۵۰ غیر تام باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۲/ أَذْکُرْکُمْ/ کافی ۱۵۲/ وَ لا تَکْفُرُونِ/ تام ۱۵۴/ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْواتٌ/ حسن تام (قول دینوری) [۱] ۱۵۴/ بَلْ أَحْیاءٌ/ حسن تام (قول نافع) ۱۵۵/ وَ الثَّمَراتِ/ کافی ۱۵۵/ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ/ کافی [۲] ۱۵۷/ هُمُ الْمُهْتَدُونَ/ تام ۱۵۸/ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما/ کافی ۱۵۸/ شاکِرٌ عَلِیمٌ/ تام ۱۶۰/ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ/ تام ۱۶۲/ خالِدِینَ فِیها/ صالح [حسن ۱۶۲/ وَ لا هُمْ یُنْظَرُونَ/ تام ۱۶۳/ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ/ تام ۱۶۴/ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ/ تام

[۱]- سپس از «بَلْ أَحْیاءٌ» با درنظر گرفتن «بل هم احیاء» آغاز می‌شود. [۲]- زیرا بعدش «الَّذِینَ» آمده است که [در آیه ۲ سوره بقره از آن سخن به میان آمد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۴۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۶۵/ کَحُبِّ اللَّهِ/ کافی ۱۶۵/ أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ/ تام ۱۶۵/ إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ/ محل وقف نیست [۱] محل وقف است [۲] [اختلاف قرائت ۱۶۶/ بِهِمُ الْأَسْبابُ/ کافی ۱۶۷/ مِنَ النَّارِ/ تام ۱۷۱/ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ/ تام ۱۷۳/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام ۱۷۵/ فَما أَصْبَرَهُمْ عَلَی النَّارِ/ تام ۱۷۶/ الْکِتابَ بِالْحَقِّ/ تام ۱۷۶/ بَعِیدٍ/ تام ۱۷۷/ وَ حِینَ الْبَأْسِ/ کافی (گفته شده) تام ۱۷۷/ الْمُتَّقُونَ/ تام ۱۷۸/ فِی الْقَتْلی کافی ۱۷۸/ بِالْأُنْثی کافی ۱۷۸/ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَةٌ/ کافی (گفته شده) تام ۱۷۹/ تَتَّقُونَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵۰

[۱]- طبق قرائت «وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا» زیرا «أَنَّ» (در عبارت بعد از «إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ» مفعول «یَرَی» و منصوب به‌وسیله آن می‌باشد و کفایت کننده از اسم و خبر است و وقف قبل از آن نه کافی است و نه حسن. این مذهب کوفیین بنابر قرائت «وَ لَوْ یَرَی» و «و لو تری» است. [۲]- چنانچه بنابر قرائات نافع، ابن عامر و یعقوب و یکی از وجوه روایت ابن وردان از ابو جعفر «و لو تری الذین ظلموا» خوانده شود؛ زیرا «اذا» به خاطر تکرار شدن منصوب است و تقدیر آن چنین است: «و لو تری الذین ظلموا اذ یرون العذاب تری ان القوة لله جمیعا». مذهب

بصریین این است که «تری» به‌معنی دیدن است و «یری» به‌معنی دانستن که در هر دو صورت، «أَنَّ الْقُوَّةَ» مفعول است. تقدیر جمله، برای «تری» به صورت «و لو تری الـذین ظلموا اذ یرون العـذاب لان القوهٔ لله جمیعا» [مفعول له است و برای «یری» به‌صورت «و لو لم یعلم الـذین ظلموا یومئـذ ان القوهٔ لله جمیعا» می‌باشـد، یعنی «اگر در آن روز، حقیقت قوت خدا و شدت عذابش را بفهمند». از آنجا که قرائت یعقـوب به‌صـورت «و لـو تری ... أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِیـدُ الْعَـذابِ» است، جمله «أَنَّ الْقُوَّةَ ...» از جهت لفظی از جمله قبل جـداست و جواب «لو» در ابتـدای عبارت «و لو تری الـذین ظلموا» به‌خاطر علم مخاطبان به آن محـذوف است و تقدیر آن چنین است که: «اگر در آن روز، ظالمـان را ببینی، عاقبت رسوایی را، خواهی دیـد». همچنین بنابر قرائت [ابو جعفر] «و لو یری ... ان القوهٔ للّه جمیعا و ان اللّه شدیـد العـذاب» تقـدیر جمله به‌این‌صورت است که «اگر در آن روز ظالمان بینند، زیان بر گرفتن معبودهای دروغین برایشان آشکار می‌شود». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۸۰/ إِنْ تَرَکَ خَیْراً/ محل وقف نیست [۱] (اختیار مؤلف) تام (قول نافع، محمد بن عیسـی اصبهانی و دینوری) [۲] ۱۸۱/ عَلَی الَّذِینَ یُبَدِّلُونَهُ/ کافی ۱۸۱/ سَمِیعٌ عَلِیمٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۸۲/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام ۱۸۴/ أَیَّاماً مَعْدُوداتٍ/ کافی ۱۸۴/ مِنْ أَیَّامٍ أُخَرَ/ کافی ۱۸۴/ طَعامُ مِسْـکِینٍ/ کـافی ۱۸۴/ فَهُـوَ خَیْرٌ لَـهُ/ کـافی ۱۸۴/ إِنْ کُنْتُـمْ تَعْلَمُـونَ/ کـافی [۳]

[_______________________________________ ۱]- زیرا «الْوَصِیَّةُ» متعلـق به عبـارت «کُتِبَ» می‌باشد و یعنی وصیت کردن برای شما واجب گردید. [۲]- جایز است «الْوَصِیَّةُ» از عبارت قبل جدا شود و بنابر مبتدا بودن مرفـوع شـود و خبر، محـذوف باشـد و یـا چنین در نظر گرفته شود که «و علیکم الوصیهٔ» و نـایب فاعـل «کُتِبَ»، ضـمیری باشـد که «الْوَصِیَّةُ» بر آن دلالت کند و تقدیر «کتب علیکم الایصاء» باشد. [۳]- سـپس آیه بعد «شَهْرُ رَمَضانَ» آغاز می‌شود با رفع بنابر در نظر گرفتن مبتدایی به‌صورت «المفترض علیکم شـهر رمضان» یا آن‌که «شَهْرُ رَمَضانَ» مبتدا بوده و خبر در عبارت «الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ» باشـد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۵۲ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱۸۵/ وَ الْفُرْقانِ/ تام ۱۸۵/ تَشْکُرُونَ/ تام ۱۸۶/ یَرْشُدُونَ/ تام ۱۸۷/ إِلَی اللَّیْلِ/ کافی ۱۸۷/ فِی الْمَساجِدِ/ کافی ۱۸۷/ فَلا تَقْرَبُوها/ کافی (گفته شده) تام ۱۸۷/ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ/ تام ۱۸۸/ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ/ تام ۱۸۹/ لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ/ کافی ۱۸۹/ مِنْ أَبْوابِها/ کافی ۱۸۹/ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ/ کافی ۱۹۱/ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ/ کافی ۱۹۱/ حَتَّی یُقـاتِلُوکُمْ فِیهِ/ کـافی ۱۹۲/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ کـافی ۱۹۳/ عَلَی الظَّالِمِینَ/ تـام ۱۹۴/ وَ الْحُرُمـاتُ قِصـاصٌ/ کافی ۱۹۴/ بِمِثْلِ مَا اعْتَـدی عَلَیْکُمْ/ کـافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۵۳ آیه/ کلمه یـا عبـارت/ نوع وقف ۱۹۴/ مَعَ الْمُتَّقِینَ/ کافی ۱۹۵/ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ/ کـافی ۱۹۶/ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ/ کـافی ۱۹۶/ الْهَدْیُ مَحِلَّهُ/ کافی ۱۹۶/ مِنَ الْهَدْیِ/ کافی ۱۹۶/ حاضِرِی الْمَسْجِدِ الْحَرامِ/ کافی (گفته شـده) تام ۱۹۶/ شَدِیدُ الْعِقابِ/ اتم نسبت به موضع قبل ۱۹۷/ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ/ محل وقف نیست [۱] کافی [اختلاف قرائت [۲ _______________________________________] ۱]- زیرا به‌دلیل عطف، عبارت بعـد متعلق به آن است. [۲]- چنـانچه بنـابر قرائت ابو جعفر، ابن کثیر، ابو عمرو و یعقوب «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ» قرائت شود که «لا» به معنی «لیس» می‌شود و خبر آن محذوف است؛ تقدیر عبارت به‌صورت «فلیس رفث و لا فسوق فی الحج» خواهد بود. عبارت بعد «وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ» بنابر نفی جنس و جمله جدید ابتدائیه در محل رفع است و خبر آن «فِی الْحَجِّ» است و معنی عبارت چنین می‌باشـد که «هیـچ شـکی در مورد حج نیست که در ذی الحجه واجب است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵۴ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱۹۷/ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ [۱]/ کافی [۲] ۱۹۷/ یَعْلَمْهُ اللَّهُ/ تام ۱۹۷/ التَّقْوی کافی ۱۹۷/ یا أُولِی الْأَلْبابِ [۳]/ تام ۱۹۸/ فَضْلًا مِنْ رَبِّکُمْ/ کافی ۱۹۸/ کَما هَداکُمْ/ کافی [۴] ۱۹۸/ لَمِنَ الضَّالِّینَ/ کافی ۱۹۹/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ کافی ۲۰۰/ أَشَـدَّ ذِکْراً/ کـافی ۲۰۰/ مِـنْ خَلاقٍ [۵]/ کـافی

[_______________________________________ ۱]- از ابن عبـاس در آیه «فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدالَ فِی الْحَجِّ» روایت شـده است: «الرَّفَثُ» یعنی هم‌بستری، «الفسوق» یعنی گناهان و «الجدال» یعنی با دوسـتت نزاع

کنی تا وی را خشمگین سازی. [۲]- بنابر هر دو قرائت. [۳]- این عبارت در شمارش آیات به جز شمارش مدنی اول و مکی، انتهای آیـه است. [۴]- در بعضـی از نسخ کتـاب ذکر شـده است. [۵]- ایـن عبـارت در غیر شـمارش مـدنی دوم، انتهـای آیه است. ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۰۲/ مِمَّا کَسَبُوا/ کافی (گفته شده) تام ۲۰۲/ الْحِسابِ/ تام ۲۰۳/ مَعْدُوداتٍ/ کافی ۲۰۳/ لِمَنِ اتَّقی کافی (گفته شده) تام ۲۰۳/ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ/ تام ۲۰۴/ الْخِصامِ/ کافی ۲۰۵/ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ/ تام ۲۰۵/ الْفَسادَ/ تام ۲۰۶/ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ/ کافی ۲۰۶/ الْمِهادُ/ اتم نسبت به انتهای آیه ۲۰۵ ۲۰۷/ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ/ تام ۲۰۷/ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ/ تام ۲۱۰/ الْأُمُورُ/ تام ۲۱۱/ مِنْ آیَةٍ بَیِّنَةٍ/ کافی ۲۱۱/ شَدِیدُ الْعِقابِ/ تام ۲۱۲/ مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا/ کـافی ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۵۶ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۲۱۲/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ تام ۲۱۲/ بِغَیْرِ حِسابٍ/ تام ۲۱۳/ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ/ کافی ۲۱۳/ بَغْیاً بَیْنَهُمْ/ کافی (گفته شـده) تام ۲۱۳/ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ/ تام ۲۱۳/ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۲۱۴/ مَتی نَصْرُ اللَّهِ/ کافی ۲۱۴/ قَرِیبٌ/ تام ۲۱۵/ وَ ابْنِ السَّبِیلِ/ کافی (گفته شده) تام ۲۱۵/ عَلِیمٌ/ تام ۲۱۶/ کُرْهٌ لَکُمْ/ کافی ۲۱۶/ خَیْرٌ لَکُمْ/ کافی ۲۱۶/ شَرٌّ لَکُمْ/ کافی ۲۱۶/ لا تَعْلَمُونَ/ تام ۲۱۷/ فِیهِ کَبِیرٌ/ کافی [۱______]

[۱]- عبـارت «وَ صَـدٌّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ» مبتـدا و مرفوع بوده و خبر آن «أَکْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ» است. ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۵۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۱۷/ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ/ محل وقف نیست [۱] کافی (قول ابن انباری و ابی حاتم) ۲۱۷/ أَکْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ/ کافی [۲] ۲۱۷/ مِنَ الْقَتْلِ/ کافی ۲۱۷/ إِنِ اسْتَطاعُوا/ کافی ۲۱۷/ خالِدُونَ/ تام ۲۱۸/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام ۲۱۹/ أَکْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما/ تـام (گفته شـده) کافی ۲۱۹/ قُلِ الْعَفْوَ/ تـام ۲۲۰/ فِی الـدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ/ تـام ۲۲۰/ لَهُمْ خَیْرٌ/ کـافی ۲۲۰/ فَإِخْوانُکُمْ/ کافی ۲۲۰/ مِنَ الْمُصْلِحِ/ کافی ۲۲۰/ لَأَعْنَتَکُمْ/ کافی______

[۱]- ابن انبـاری وقف بر «وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ» را حسن دانسـته- که منظور از آن کـافی است- درحالی‌که چنین نیست زیرا «وَ إِخْراجُ أَهْلِهِ مِنْهُ» عطف بر «وَ صَـدٌّ» است و خـبر آن مبتـدا بعـدش نیامـده است. [۲]- خـبر عبـارات قبـل است. ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۵۸ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۲۲۰/ عَزِیزٌ حَکِیمٌ/ تام ۲۲۱/ وَ لَوْ أَعْجَبَتْکُمْ/ کافی ۲۲۱/ وَ لَوْ أَعْجَبَکُمْ/ کافی ۲۲۱/ بِإِذْنِهِ/ کافی ۲۲۱/ یَتَذَکَّرُونَ/ تام ۲۲۲/ حَتَّی یَطْهُرْنَ [۱]/ کافی ۲۲۲/ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ [۲]/ کافی ۲۲۲/ الْمُتَطَهِّرِینَ/ تام ۲۲۳/ أَنَّی شِئْتُمْ/ کافی (گفته شده) تام ۲۲۳/ لِأَنْفُسِکُمْ/ اکفی و اتم از موضع قبل ۲۲۳/ مُلاقُوهُ/ تام ۲۲۳/ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ/ تام ۲۲۴/ سَمِیعٌ عَلِیمٌ/ تام ۲۲۵/ غَفُورٌ حَلِیمٌ/ تام ۲۲۶/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام [______۱]- یعنی از خون پـاک شونـد. [۲]- از ابن عبـاس درباره آیه «فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ» نقل شـده که گفته: در فرج. ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۵۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۲۷/ سَمِیعٌ عَلِیمٌ/ تام ۲۲۸/ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ/ کافی ۲۲۸/ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ/ کافی ۲۲۸/ إِصْلاحاً/ کافی ۲۲۸/ بِالْمَعْرُوفِ/ کافی ۲۲۸/ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ/ کافی ۲۲۸/ وَ اللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ/ تام ۲۲۹/ بِإِحْسانٍ/ کافی ۲۲۹/ فِیمَا افْتَدَتْ بِهِ/ کافی ۲۲۹/ فَلا تَعْتَدُوها/ کافی ۲۳۰/ أَنْ یُقِیما حُدُودَ اللَّهِ/ کـافی [۱] اکفی نسبت بـه قرائـت معروف [۲] [اختلاف قرائت ۲۳۱/ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ/ کافی ۲۳۱/ لِتَعْتَدُوا/ کافی ۲۳۱/ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ/ کافی [______۱]- با قرائت «یُبَیِّنُها لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ» در قسـمت بعد می‌آید. [۲]- درصورتی‌که طبق روایت مفضـل از عـاصم، «نبینهـا لقوم یعلمون» قرائت شود، زیرا عبارت «و تلک حـدود اللّه نبینهـا» ارتباطی با آن نخواهـد داشت. ترجمه المکتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۶۰ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۲۳۱/ یَعِظُکُمْ بِهِ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۲۳۲/ بِالْمَعْرُوفِ/ کافی ۲۳۲/ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ/ کافی ۲۳۲/ وَ أَطْهَرُ/ کافی (گفته شده) تام ۲۳۲/ لا تَعْلَمُونَ/ تام ۲۳۳/ إِلَّا وُسْعَها/ کافی ۲۳۳/ وَ عَلَی الْوارِثِ مِثْلُ ذلِکَ [۱]/ کافی ۲۳۳/ فَلا جُناحَ عَلَیْهِما/ کافی ۲۳۳/ ما آتَیْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ/ کـافی ۲۳۳/ بَصِیرٌ/ تـام ۲۳۴/ فِی أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ/ کـافی ۲۳۴/ خَبِیرٌ/ تـام ۲۳۵/ فِی أَنْفُسِکُمْ/ کـافی

[۱]- ابن عباس در تفسير «وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ» گفت: «آن در ضرر كردن است». از مجاهد در «وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ» روايت شده: بر وارث فرزند لازم است چنان كه بر پدرش لازم است، براى فرزند دايه (يا شير) بگيرد، او نيز چنين كند. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۳۵/ قَوْلًا مَعْرُوفاً [۱]/ كافى (گفته شده) تام ۲۳۵/ الْكِتابُ أَجَلَهُ/ كافى ۲۳۵/ فَاحْذَرُوهُ/ كافى ۲۳۵/ حَلِيمٌ/ تام ۲۳۶/ لَهُنَّ فَرِيضَةً/ كافى ۲۳۶/ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ/ كافى ۲۳۶/ عَلَى الْمُحْسِنِينَ/ تام ۲۳۷/ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى كافى ۲۳۷/ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ/ كافى ۲۳۷/ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ/ كافى ۲۳۸/ الصَّلاةِ الْوُسْطى [۲]/ كافى

[۱]- در شمارش آيات به شيوه بصرى، انتهاى آيه است. از مجاهد درباره آيه «وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا» روايت شده است: «در زمان عده خواستگارى نكنند «إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفاً» اينكه بگويد تو زيبا هستى، تو در نظر [من هستى، و نسبت به تو ميل و رغبت دارم». [۲]- از طاووس درباره «الصَّلاةِ الْوُسْطى روايت شده: نماز صبح است. از على عليه السّلام روايت شده: نماز عصر است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۳۹/ أَوْ رُكْباناً/ كافى ۲۳۹/ تَعْلَمُونَ/ كافى ۲۴۰/ غَيْرَ إِخْراجٍ/ كافى ۲۴۰/ مِنْ مَعْرُوفٍ/ كافى ۲۴۰/ عَزِيزٌ حَكِيمٌ/ تام ۲۴۲/ تَعْقِلُونَ/ تام ۲۴۳/ ثُمَّ أَحْياهُمْ/ كافى ۲۴۳/ لا يَشْكُرُونَ/ تام ۲۴۴/ سَمِيعٌ عَلِيمٌ/ تام ۲۴۵/ أَضْعافاً كَثِيرَةً/ كافى ۲۴۵/ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ/ كافى ۲۴۵/ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ/ تام ۲۴۶/ أَلَّا تُقاتِلُوا/ كافى ۲۴۶/ وَ أَبْنائِنا/ كافى ۲۴۶/ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ/ كافى (گفته شده) تام ۲۴۶/ بِالظَّالِمِينَ/ تام ۲۴۷/ مِنَ الْمالِ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۴۷/ وَ الْجِسْمِ/ كافى ۲۴۷/ مَنْ يَشاءُ/ كافى ۲۴۷/ واسِعٌ عَلِيمٌ/ تام ۲۴۸/ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ/ كافى ۲۴۸/ مُؤْمِنِينَ/ تام ۲۴۹/ غُرْفَةً بِيَدِهِ/ كافى ۲۴۹/ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ/ كافى ۲۴۹/ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ/ كافى ۲۴۹/ الصَّابِرِينَ/ تام ۲۵۰/ الْكافِرِينَ/ تام ۲۵۱/ بِإِذْنِ اللَّهِ/ كافى ۲۵۱/ مِمَّا يَشاءُ/ تام ۲۵۱/ الْعالَمِينَ/ تام ۲۵۲/ الْمُرْسَلِينَ/ تام ۲۵۳/ بِرُوحِ الْقُدُسِ/ كافى ۲۵۳/ وَ لكِنِ اخْتَلَفُوا/ كافى ۲۵۳/ ما يُرِيدُ/ تام ۲۵۴/ وَ لا شَفاعَةٌ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۵۴/ الظَّالِمُونَ/ تام ۲۵۵/ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ/ كافى ۲۵۵/ وَ ما فِي الْأَرْضِ/ كافى ۲۵۵/ بِإِذْنِهِ/ كافى ۲۵۵/ وَ ما خَلْفَهُمْ/ كافى ۲۵۵/ إِلَّا بِما شاءَ/ كافى ۲۵۵/ وَ الْأَرْضَ/ كافى ۲۵۵/ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ/ تام [۱] ۲۵۶/ مِنَ الْغَيِّ/ كافى (گفته شده) تام ۲۵۶/ لَا انْفِصامَ لَها/ كافى ۲۵۷/ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ/ كافى ۲۵۷/ خالِدُونَ/ تام ۲۵۸/ أَنْ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ/ كافى ۲۵۸/ الَّذِي كَفَرَ/ كافى ۲۵۸/ الظَّالِمِينَ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۲۵۹/ لَبِثْتَ مِائَةَ عامٍ/ كافى [۲] تام (قول ابراهيم بن عبد الرزاق)

[۱]- پايان كلام است. [۲]- قسمتى از عبارت بر قسمت ديگر معطوف است و جدا نمى‌شود و وقف بر بخشى از آن، بدون بخش ديگر، تمام نيست. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۵۹/ آيَةً لِلنَّاسِ/ تام ۲۵۹/ لَحْماً/ كافى ۲۵۹/ قَدِيرٌ/ تام ۲۶۰/ قالَ بَلى كافى ۲۶۰/ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي/ اكفى نسبت به موضع قبل ۲۶۰/ عَزِيزٌ حَكِيمٌ/ تام ۲۶۱/ مِائَةُ حَبَّةٍ/ كافى ۲۶۱/ لِمَنْ يَشاءُ/ كافى ۲۶۱/ واسِعٌ عَلِيمٌ/ تام ۲۶۲/ يَحْزَنُونَ/ تام ۲۶۲/ يَتْبَعُها أَذىً/ كافى ۲۶۳/ غَنِيٌّ حَلِيمٌ/ تام ۲۶۴/ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ/ كافى ۲۶۴/ مِمَّا كَسَبُوا/ تام ۲۶۴/ الْكافِرِينَ/ تام ۲۶۵/ فَطَلٌّ/ تام ۲۶۵/ بَصِيرٌ/ تام ۲۶۶/ فَاحْتَرَقَتْ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۶ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۶۶/ تَتَفَكَّرُونَ/ تام ۲۶۷/ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ/ كافى ۲۶۷/ غَنِيٌّ حَمِيدٌ/ تام ۲۶۸/ مِنْهُ وَ فَضْلًا/ كافى ۲۶۸/ واسِعٌ عَلِيمٌ/ تام ۲۶۹/ خَيْراً كَثِيراً/ كافى ۲۶۹/ أُولُوا الْأَلْبابِ/ تام ۲۷۰/ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ/ كافى ۲۷۰/ أَنْصارٍ/ تام ۲۷۱/ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ/ كافى [۱] موضع وقف نيست [اختلاف قرائت [۲] ۲۷۱/ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ/ تام

[۱]- بنابر روايت حفص از عاصم و قرائت ابن عامر «وَ يُكَفِّرُ» يا روايت شعبه از عاصم و قرائات ابن كثير، ابو عمرو و يعقوب «وَ نُكَفِّرُ» ادامه آيه بعد، زيرا اين عبارت از

ماقبل جدا و در واقع عطف جمله بر جمله است. [۲]- بنابر قرائت نافع، ابو جعفر، حمزه، کسائی و خلف که، «وَ نَکْفُرُ» در ادامه آیه است زیرا عطف بر محل حرف «ف» در عبارت «فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ» است و از آن جدا نمی‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۷۲/ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ/ کافی ۲۷۳/ مِنَ التَّعَفُّفِ/ کافی ۲۷۳/ إِلْحافاً/ کافی ۲۷۳/ بِهِ عَلِیمٌ/ تام ۲۷۴/ یَحْزَنُونَ/ تام ۲۷۵/ مِنَ الْمَسِّ/ کافی ۲۷۵/ مِثْلُ الرِّبا/ کافی ۲۷۵/ وَ حَرَّمَ الرِّبا/ کافی ۲۷۵/ وَ أَمْرُهُ إِلَی اللَّهِ/ کافی ۲۷۵/ خالِدُونَ/ تام ۲۷۶/ وَ یُرْبِی الصَّدَقاتِ/ کافی ۲۷۶/ أَثِیمٍ/ تام ۲۷۷/ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ/ تام ۲۷۸/ مُؤْمِنِینَ/ تام ۲۸۰/ إِلی مَیْسَرَةٍ/ کافی ۲۸۰/ تَعْلَمُونَ/ تام ۲۸۱/ لا یُظْلَمُونَ/ تام ۲۸۲/ فَاکْتُبُوهُ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۸۲/ کاتِبٌ بِالْعَدْلِ/ کافی ۲۸۲/ کَما عَلَّمَهُ اللَّهُ/ کافی ۲۸۲/ فَلْیَکْتُبْ/ کافی ۲۸۲/ شَیْئاً/ کافی ۲۸۲/ وَلِیُّهُ بِالْعَدْلِ/ کافی ۲۸۲/ الْأُخْری کافی ۲۸۲/ إِذا ما دُعُوا/ کافی ۲۸۲/ أَلَّا تَکْتُبُوها/ کافی ۲۸۲/ إِذا تَبایَعْتُمْ/ کافی ۲۸۲/ شَهِیدٌ/ کافی ۲۸۲/ فُسُوقٌ بِکُمْ/ شبیه تام ۲۸۲/ وَ یُعَلِّمُکُمُ اللَّهُ/ تام ۲۸۲/ عَلِیمٌ/ تام ۲۸۳/ مَقْبُوضَةٌ/ کافی ۲۸۳/ وَ لْیَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ/ کافی ۲۸۳/ آثِمٌ قَلْبُهُ/ کافی ۲۸۳/ عَلِیمٌ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۶۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۸۴/ بِهِ اللَّهُ/ حسن [۱] محل وقف نیست [اختلاف قرائت [۲] ۲۸۴/ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَشاءُ/ کافی [۳] ۲۸۴/ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ/ تام ۲۸۵/ وَ الْمُؤْمِنُونَ/ کافی ۲۸۵/ وَ رُسُلِهِ/ کافی [۴] محل وقف نیست [اختلاف قرائت [۵] ۲۸۵/ مِنْ رُسُلِهِ/ کافی [۶]

[____۱]- بنابر قرائات عاصم، ابو جعفر، ابن عامر و یعقوب که «فیغفر ... و یعذب ...» می‌باشد، زیرا این دو عبارت، جدید هستند. [۲]- بنابر قرائات نافع، ابو عمرو، ابن کثیر، حمزه، کسائی و خلف «فیغفر ... و یعذب ...» می‌باشد، زیرا عطف بر جواب شرط در عبارت «یُحاسِبْکُمْ بِهِ» می‌باشند از آن جدا نمی‌شوند. [۳]- بنابر هر دو قرائت. [۴]- بنابر قرائت «لا نُفَرِّقُ» در عبارت بعد. [۵]- بنابر قرائت یعقوب که «لا یفرق» ادامه آیه است، زیرا فعل به کلمه «کل» در عبارت اول «کُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ» باز می‌گردد و لذا از آن جدا نمی‌شود. [۶]- بنابر هر دو قرائت. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۸۶/ مَا اکْتَسَبَتْ/ کافی ۲۸۶/ أَوْ أَخْطَأْنا/ کافی ۲۸۶/ لَنا بِهِ/ کافی ۲۸۶/ وَ ارْحَمْنا/ کافی ۲۸۶/ أَنْتَ مَوْلانا/ وقف نیکو نیست [۱]

[____۱]- به علت وجود حرف «ف» و جایگاه آن در عبارت «فَانْصُرْنا»، زیرا بعدش را به قبل متصل می‌کند. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۱

سوره آل عمران

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ الم/ تام [۱] (قول ابی عبیده و ابن عباس و اختیار ابو اسحاق زجاج و ابو الحسن بن کیسان و غیر آنها و اختیار مؤلف) ۳/ لِما بَیْنَ یَدَیْهِ/ کافی ۴/ هُدیً لِلنَّاسِ/ کافی [۲] تام (قول ابو حاتم) ۴/ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقانَ [۳]/ تام ۵/ وَ لا فِی السَّماءِ [۴]/ کافی (گفته شده) تام ۶/ کَیْفَ یَشاءُ/ تام ۶/ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ/ اتم نسبت به موضع قبل ۷/ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ/ کافی ۷/ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ/ کافی [____۱]- زیرا از بعدش جداست. [۲]- تام نیست (زیرا ما بعد آن، عطف به آن است). [۳]- در شمارش آیات- غیر از روش کوفی- انتهای آیه است. [۴]- انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷/ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ/ تام [۱] محل وقف نیست [۲] (قول تعدادی از علما) ۷/ آمَنَّا بِهِ/ کافی ۷/ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا/ تام ۷/ أُولُوا الْأَلْبابِ/ تام ۸/ بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا/ کافی ۸/ الْوَهَّابُ/ تام [____۱]- بنابر قول کسانی که می‌گویند: «راسخان در علم، تأویل آیه را نمی‌دانند». این عقیده اکثر اهل علم، اعم از مفسران، قاریان و نحویین [اهل سنت است. آنچه در قرائت عبد الله آمده «و یقول الراسخون فی العلم» مؤید این نظر است. در این قول، «الرَّاسِخُونَ» مبتدای مرفوع و

خبر آن «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ» مى‌باشد. از طاووس روايت شد كه درباره خوارج و آنچه هنگام تلاوت قرآن به آنها مى‌رسد، نزد ابن عباس سخن به ميان آمد، گفت: «به محكم قرآن ايمان مى‌آورند و در نزد متشابهش هلاك مى‌شوند و خواند «و ما يعلم تأويله الا الله و يقول الراسخون فى العلم آمنا به». [۲]- زيرا «الرَّاسِخُونَ» عطف بر لفظ جلاله «اللَّهُ» است. از مجاهد در عبارت «وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» روايت شده است: «الراسخون فى العلم يعلمون تأويله و يقولون آمنا به». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹/ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ/ كافى ۹/ الْمِيعادَ/ تام ۱۰/ وَقُودُ النَّارِ/ كافى [۱] (قول ديگر) وقف كافى نيست [۲] ۱۱/ بِذُنُوبِهِمْ/ كافى ۱۱/ شَدِيدُ الْعِقابِ/ تام ۱۳/ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتا/ كافى ۱۳/ رَأْيَ الْعَيْنِ/ كافى ۱۳/ مَنْ يَشاءُ/ تام ۱۳/ لِأُولِي الْأَبْصارِ/ اتم نسبت به موضع قبل ۱۴/ وَ الْحَرْثِ/ كافى ۱۴/ الْحَياةِ الدُّنْيا/ كافى ۱۴/ الْمَآبِ/ تام (قول ابو حاتم) ۱۵/ بِخَيْرٍ مِنْ ذلِكُمْ/ كافى

[۱]- اگر «ك» در ابتداى آيه بعد «كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» متعلق به همان آيه محسوب شود و در تقدير «فاخذهم الله بذنوبهم كدأب آل فرعون» باشد يا آنكه منقطع از قبل و مرفوع بوده، تقديرش «فعلهم كآل فرعون» باشد. [۲]- چنانچه «كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ» به قبلش تعلق داشته باشد و در تقدير «كفروا ككفر آل فرعون» باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۵/ وَ رِضْوانٌ مِنَ اللَّهِ/ تام ۱۵/ بِالْعِبادِ/ كافى [۱] ۱۶/ ذُنُوبَنا/ كافى ۱۶/ عَذابَ النَّارِ/ كافى [۲] تام (قول ابن انبارى) حسن [۳] ۱۷/ بِالْأَسْحارِ/ تام ۱۸/ بِالْقِسْطِ/ كافى ۱۸/ الْحَكِيمُ/ تام [۴] محل وقف نيست [۵] [اختلاف قرائت

[۱]- زيرا بعد از آن «الَّذِينَ» است كه (در آيه ۲ سوره بقره) ذكر شد. [۲]- چنانچه «الصَّابِرِينَ» در آيه بعد با تقدير «اعنى» منصوب بوده يا ضمير «هم» [بنابر مدح درنظر گرفته شده و «الصَّابِرِينَ» مرفوع باشد، دراين‌صورت وقف تام نيست. [۳]- اگر «الصَّابِرِينَ» بنا بر صفت «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا» «۱»، مجرور باشد. [۴]- بنابر قرائت «إِنَّ الدِّينَ» در آيه بعد، كه از آيه ۱۸ است. [۵]- بنابر قرائت كسايى «إِنَّ الدِّينَ» در آيه بعد- كه بدل از عبارت «أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ» در آيه ۱۸ مى‌باشد- از آن قطع نمى‌شود.

(۱)- آيه ۱۵. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۹/ الْإِسْلامُ/ كافى ۱۹/ بَغْياً بَيْنَهُمْ/ كافى ۱۹/ سَرِيعُ الْحِسابِ/ كافى ۲۰/ وَ مَنِ اتَّبَعَنِ/ كافى ۲۰/ أَ أَسْلَمْتُمْ/ كافى ۲۰/ فَقَدِ اهْتَدَوْا/ كافى ۲۰/ عَلَيْكَ الْبَلاغُ/ كافى ۲۰/ بِالْعِبادِ/ تام ۲۲/ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ/ كافى ۲۲/ مِنْ ناصِرِينَ/ تام ۲۳/ مُعْرِضُونَ/ كافى ۲۴/ يَفْتَرُونَ/ كافى ۲۵/ لا رَيْبَ فِيهِ/ حسن ۲۵/ لا يُظْلَمُونَ/ تام ۲۶/ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ/ حسن [۱] ۲۶/ بِيَدِكَ الْخَيْرُ/ كافى ۲۶/ قَدِيرٌ/ تام ۲۷/ بِغَيْرِ حِسابٍ/ تام

[۱]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب.

ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۶ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۸/ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ/ تام ۲۸/ فِي شَيْ‌ءٍ/ كافى ۲۸/ مِنْهُمْ تُقاةً/ كافى ۲۸/ وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ [۱]/ كافى (گفته شده) تام ۲۹/ الْمَصِيرُ/ تام ۲۹/ يَعْلَمْهُ اللَّهُ/ تام ۲۹/ وَ ما فِي الْأَرْضِ/ كافى ۳۰/ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَراً/ وقف كافى نيست [۲] (قول ديگر) كافى [۳] ۳۰/ أَمَداً بَعِيداً/ تام ۳۰/ نَفْسَهُ/ كافى ۳۰/ بِالْعِبادِ/ تام ۳۱/ ذُنُوبَكُمْ/ كافى ۳۱/ رَحِيمٌ/ تام

[۱]- يعنى «خود او را». [۲]- چنانچه «ما» در عبارت «وَ ما عَمِلَتْ» بعد، در محل نصب، و عطف بر «ما عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ» باشد. [۳]- اگر «وَ ما عَمِلَتْ» مبتدا و مرفوع باشد و «تَوَدُّ» خبر آن باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۳۲/ الْكافِرِينَ/ تام ۳۴/ مِنْ بَعْضٍ/ كافى (گفته شده) تام ۳۶/ وَضَعْتُها أُنْثى كافى [۱] موضع وقف نيست [اختلاف قرائت [۲] ۳۷/ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ/ كافى [۳] تام [۴] ۳۷/ بِغَيْرِ حِسابٍ/ كافى ۳۸/ سَمِيعُ الدُّعاءِ/ تام ۳۹/ مِنَ الصَّالِحِينَ/ تام ۴۰/ ما يَشاءُ/ تام ۴۱/ إِلَّا رَمْزاً/ كافى (گفته شده) تام

[۱]- بنابر

قرائت «وَضَعَتْ»؛ زيرا عبارت بعد، خبر دادن از جانب خداوند بوده و جمله جديدى است. [۲]- بنابر روايت شعبه از عاصم و قرائات ابن عامر و يعقوب، «وَضَعَتْ» زيرا عبارت بعد به بخش قبل متعلق مى‌باشد و كلام واحد و متصل است. [۳]- چنانچه عبارت بعد از اين قسمت، از سخنان حضرت مريم عليها السّلام باشد. [۴]- درصورتى‌كه عبارت بعد (يعنى «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ ...»)، از خداى متعال باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۱/ وَ الْإِبْكارِ/ تام ۴۴/ نُوحِيهِ إِلَيْكَ/ كافى ۴۴/ يَكْفُلُ مَرْيَمَ/ كافى ۴۵/ فِى الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ/ كافى [۱] تام (قول ابو حاتم) ۴۵/ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ/ حسن [۲] تام (قول نافع) ۴۷/ كُنْ فَيَكُونُ/ از آيه بعد نمى‌توان آغاز كرد [۳] از آيه بعد مى‌توان آغاز كرد [اختلاف قرائت [۴] [______________________________ ۱]- زيرا عبارت بعدى، بر اين عطف شده و لذا، تام نيست. [۲]- زيرا عبارت بعدى، هرچند مبتدا و خبر جداگانه و مرفوع است، اما توضيح عبارت قبل مى‌باشد و به آن تعلق دارد؛ يعنى: «ان الله يبشرك بشرى من عنده» و سپس «بشرى» را توضيح داده كه: فرزندى است كه نامش مسيح مى‌باشد. [۳]- چنانچه آيه بعد، براساس قرائت «وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتابَ» قرائت شود، (زيرا به خبرهاى قبلى خداوند در عبارت «أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ» «۱» باز مى‌گردد و از آن جدا نمى‌شود). [۴]- بنابر قرائات حمزه، كسايى، خلف، ابن كثير، ابو عمرو و ابن عامر «و نعلمه الكتاب» در آيه بعد كه عبارت جديد است، خبر دادن خداوند از خودش است و لذا از عبارات قبل جداست. (______________________________ ۱)- آيه ۴۵. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۷۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۹/ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ/ محل وقف نيست و از بعدش نمى‌توان آغاز كرد [۱] محل وقف است و از بعدش آغاز مى‌شود [۲] ۴۹/ وَ أُحْيِ الْمَوْتى بِإِذْنِ اللَّهِ/ كافى ۴۹/ فِى بُيُوتِكُمْ/ كافى ۴۹/ مُؤْمِنِينَ/ كافى [۳] ۵۰/ وَ أَطِيعُونِ/ كافى ۵۱/ مُسْتَقِيمٌ/ تام ۵۲/ مُسْلِمُونَ/ تام ۵۳/ الشَّاهِدِينَ/ تام ۵۴/ الْماكِرِينَ [۴]/ تام [______________________________ ۱]- درصورتى‌كه عبارت بعد، «أَنِّى أَخْلُقُ لَكُمْ» قرائت شود؛ زيرا در اين صورت، در موضع جر و بدل از عبارت «بِآيَةٍ» مى‌باشد كه به موصوفش تعلق دارد. [۲]- بنابر قرائت نافع و ابو جعفر «أَنِّى أَخْلُقُ لَكُمْ» زيرا در اين صورت، از قبل قطع شده است و جمله جديدى آغاز مى‌شود. [۳]- از ابتداى آيه بعد شروع مى‌شود و معناى آن «و جئت مصدقا» مى‌باشد. [۴]- ثوبان گويد: رسول خدا صلّى اللّه عليه و اله فرمود: «لا تزال طائفة من امتى ظاهرين على الحق لا يضرهم من خالفهم حتى يأتى امر الله» يعنى: «همواره گروهى از امت من كه بر حق هستند، گزندى از جانب مخالفانشان نمى‌بينند تا زمانى كه امر الهى فرا برسد». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۵۵/ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا/ تام [۱] ۵۷/ أُجُورَهُمْ/ كافى ۵۸/ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ/ تام ۵۹/ كَمَثَلِ آدَمَ/ وقف تام و كافى نيست [۲] تام [۳] (قول ابو جعفر نحاس و يعقوب) ۵۹/ لَهُ كُنْ/ كافى ۵۹/ فَيَكُونُ/ تام ۶۰/ مِنَ الْمُمْتَرِينَ/ تام ۶۱/ عَلَى الْكاذِبِينَ/ تام ۶۲/ الْقَصَصُ الْحَقُّ/ كافى ۶۲/ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلَّا اللَّهُ/ كافى ۶۲/ الْحَكِيمُ/ كافى [______________________________ ۱]- چنانچه عبارت بعد «وَ جاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ»، در مورد حضرت رسول صلّى اللّه عليه و اله در نظر گرفته شود و تقدير «و جاعل الذين اتبعوك يا محمد صلّى اللّه عليه و اله» باشد. در اين صورت، منقطع از قبل است. حديث فوق، مؤيد اين حالت مى‌باشد. [۲]- در صورتى كه عبارت بعد، يعنى «خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ»، توضيح و تفسير مثل ذكر شده در آيه و متعلق به آن باشد، لذا از آن قطع نمى‌شود. [۳]- چنانچه جمله بعد «خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ»، خبر ديگرى از خلقش باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۶۳/ بِالْمُفْسِدِينَ/ تام ۶۴/ مُسْلِمُونَ/ تام ۶۵/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ تام ۶۶/ لا تَعْلَمُونَ/ تام ۶۷/ الْمُشْرِكِينَ/ تام ۶۸/ وَ الَّذِينَ آمَنُوا/ تام ۶۸/ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ/ تام ۶۹/ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ/ كافى ۶۹/ وَ ما يَشْعُرُونَ/ تام ۷۰/ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ/ تام ۷۱/ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ/ تام ۷۳/ هُدَى اللَّهِ/ محل وقف نيست [۱] محل وقف است [۲] [اختلاف قرائت

[____۱]- بنابر قرائت «أَنْ یُؤْتی در ادامه آیه، زیرا «أَنْ یُؤْتی مفعول «وَ لا تُؤْمِنُوا» در ابتدای آیه است و تقدیر این است که «و لا تؤمنوا لان یؤتی احد و بان یؤتی» و به دلیل همین تعلق به قبل، از آن قطع نمی‌شود. [۲]- درصورتی‌که به صورت استفهامی و طبق قرائت ابن کثیر، «آن یؤتی» قرائت شود، زیرا جمله بعد، جمله جدیدی است و مبتدای مرفوعی است که خبر آن حذف شده است، و تقدیر آن چنین است: «ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم یصدقونه» و دلیل آن، توبیخ اهل کتاب به آن کار است تا به دینی که بر آن هستند، تمسک جویند. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۳/ عِنْدَ رَبِّکُمْ/ کافی ۷۳/ عَلِیمٌ/ کافی ۷۴/ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ/ تام ۷۵/ عَلَیْهِ قائِماً/ کافی ۷۵/ فِی الْأُمِّیِّینَ سَبِیلٌ/ کافی ۷۵/ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۷۶/ بَلی کافی تام (قول ابراهیم بن سری زجاج) [۱] ۷۶/ الْمُتَّقِینَ/ تام ۷۷/ عَذابٌ أَلِیمٌ/ کافی ۷۸/ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ/ تام ۷۹/ تَدْرُسُونَ/ محل وقف نیست و از آیه بعد نیز نمی‌توان شروع کرد. [۲] محل وقف است و از آیه بعد می‌توان شروع کرد [۳] [اختلاف قرائت

[____۱]- تقدیر آن است که «بلی علیهم سبیل العذاب یکذبهم و استحلالهم». [۲]- بنابر قرائت «وَ لا یَأْمُرَکُمْ» در ابتدای آیه بعد؛ زیرا متعلق به قبل می‌باشد، عطف بر «یؤتی» در آیه قبل است که حرف «ان» در آن عمل می‌کند و تقدیر چنین است: «وَ لا یَأْمُرَکُمْ». [۳]- بنابر قرائات نافع، ابو جعفر، ابن کثیر، ابو عمرو و کسایی، «و لا یأمرکم»؛ زیرا جمله جدید، خبری است و از کلمه‌ای که «ان» در آن عمل کرده، جداست. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۰/ مُسْلِمُونَ/ تام ۸۱/ قالُوا أَقْرَرْنا/ کافی ۸۱/ مِنَ الشَّاهِدِینَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۸۲/ الْفاسِقُونَ/ کافی ۸۳/ یُرْجَعُونَ/ کافی ۸۴/ مُسْلِمُونَ/ تام ۸۶/ الْبَیِّناتُ/ کافی ۸۹/ رَحِیمٌ/ تام ۹۱/ وَ لَوِ افْتَدی بِهِ/ کافی ۹۱/ مِنْ ناصِرِینَ/ تام ۹۲/ مِمَّا تُحِبُّونَ [۱]/ کافی ۹۲/ بِهِ عَلِیمٌ/ تام ۹۳/ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْراةُ/ کافی ۹۵/ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ/ کافی ۹۵/ حَنِیفاً/ کافی ۹۵/ مِنَ الْمُشْرِکِینَ/ تام ۹۷/ فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ/ کافی [۲]

[____۱]- در شمارش آیات غیر از روش کوفی و بصری، انتهای آیه است. [۲]- از «مقام ابراهیم» شروع می‌شود و معنی «فیها مقام ابراهیم» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۷/ آمِناً/ کافی ۹۷/ سَبِیلًا/ کافی [۱] تام (قول ابن عبد الرزاق) ۹۷/ عَنِ الْعالَمِینَ/ تام [۲] ۹۸/ عَلی ما تَعْمَلُونَ/ تام ۹۹/ عَمَّا تَعْمَلُونَ/ تام ۱۰۱/ وَ فِیکُمْ رَسُولُهُ/ کافی ۱۰۱/ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۱۰۳/ وَ لا تَفَرَّقُوا/ کافی ۱۰۳/ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها/ کافی ۱۰۳/ تَهْتَدُونَ/ تام ۱۰۴/ الْمُفْلِحُونَ/ تام ۱۰۶/ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ/ کافی ۱۰۶/ تَکْفُرُونَ/ کافی ۱۰۷/ خالِدُونَ/ کافی ۱۰۸/ عَلَیْکَ بِالْحَقِّ/ کافی ۱۰۸/ لِلْعالَمِینَ/ تام

[____۱]- تام نیست، زیرا معنای عبارت بعد، آن است که: «و من کفر بالحج». [۲]- پایان موضوع است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۹/ الْأُمُورُ/ تام ۱۱۰/ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ/ کافی ۱۱۰/ خَیْراً لَهُمْ/ کافی ۱۱۱/ إِلَّا أَذیً [۱]/ کافی ۱۱۱/ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ/ کافی [۲] ۱۱۳/ لَیْسُوا سَواءً/ تام [۳] ۱۱۴/ مِنَ الصَّالِحِینَ/ وقف تام نیست [۴] تام [اختلاف قرائت [۵] ۱۱۵/ بِالْمُتَّقِینَ/ تام

[____۱]- یعنی با زبان‌ها. [۲]- زیرا عبارت بعد، مستأنفه و جدید است. [۳]- «أُمَّةٌ قائِمَةٌ» در ادامه آیه، مبتدا و مرفوع بوده است و خبر آن در جار و مجرور «مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ» می‌باشد. [۴]- اگر در آیه بعد، «وَ ما یَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَلَنْ یُکْفَرُوهُ» قرائت شود، زیرا کلام به عبارت قبل بازمی‌گردد و متصل به آن است. [۵]- درصورتی‌که در آیه بعد طبق روایت شعبه از عاصم و قرائات نافع، ابو جعفر، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر و یعقوب «و ما تفعلوا من خیر فلن تکفروه» قرائت شود، آیه قبل پایان موضوع باشد، این آیه جمله جدیدی است که به‌صورت مخاطب به کار رفته است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۶/ خالِدُونَ/ تام ۱۱۷/ فَأَهْلَکَتْهُ/

كافى ۱۱۷/ يَظْلِمُونَ/ تـام ۱۱۸/ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ/ تام ۱۱۸/ تَعْقِلُونَ/ تـام ۱۱۹/ بِغَيْظِكُمْ/ كـافى ۱۱۹/ بِذاتِ الصُّدُورِ/ تام ۱۲۰/ كَيْدُهُمْ شَيْئاً/ كافى ۱۲۰/ بما يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ/ تام ۱۲۲/ وَ اللَّهُ وَلِيُّهُما/ تام ۱۲۲/ الْمُؤْمِنُونَ/ اتم نسبت به موضع قبل ۱۲۵/ مُنْزَلِينَ بَلى كافى ۱۲۵/ مُسَوِّمِينَ/ كافى ۱۲۶/ قُلُوبُكُمْ بِهِ/ كافى ۱۲۷/ فَيَنْقَلِبُوا خائِبِينَ [۱]/ تام [۲] وقف تام نيست [۳] ۱۲۸/ ظالِمُونَ/ تام ۱۲۹/ رَحِيمٌ/ تام ۱۳۰/ تُفْلِحُونَ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۷

[۱]- انس نقل كرده است: «در روز احد، هنگامى كه دندان رباعيه حضرت رسول اكرم صلّى اللّه عليه و آله شكست و پيشانى حضرت زخمى شد، خون بر صورت ايشان جارى گرديد؛ با دست خود، خون را از صورتشان پاك كردم كه درآن‌حال مى‌فرمودند: «قومى كه صورت پيامبرشان را، كه آنها را به سوى خدا دعوت مى‌كند، با خون رنگين كردند، چگونه به موفقيت نايل خواهند شد؟» خداوند آيه ۱۲۸ اين سوره را نازل كرد. از حسن [بصرى روايت شده است: «در روز احد، صورت پيامبر را خون گرفت و از صورت خود، خون را پاك مى‌كردند و در آن حال مى‌فرمودند: «قومى كه صورت پيامبرشان را كه آنها را به سوى پروردگارشان مى‌خواند، از خون پر كردند، چگونه رستگار خواهند شد؟» پس خداوند آيه ۱۲۸ را نازل نمود. [۲]- زيرا ماجراى بدر كه در آيات قبل شروع شده بود، در اين آيه به اتمام مى‌رسد و آيه بعد در مورد جنگ احد نازل شده است. [۳]- چنانچه «أَوْ يَتُوبَ» در آيه بعد، عطف بر «لِيَقْطَعَ» در اين آيه باشد. مؤلف گويد: «أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»؛ بنابراين توضيح، به يكى از دو تقدير ذيل، منصوب مى‌شود: الف) ليس لك من الامر شئ او من ان يتوب عليهم؛ ب) حتى يتوب عليهم، چنان‌كه در شعر آمده است: «فقلت له لاتبك عينك انما نحاول ملكا او نموت فنعذر» كه تقدير «حتى نموت» مى‌باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۳۱/ لِلْكافِرِينَ/ كافى ۱۳۲/ تُرْحَمُونَ/ كـافى [۱] تـام [اختلاف قرائت [۲] ۱۳۳/ لِلْمُتَّقِينَ/ تـام ۱۳۴/ عَنِ النَّاسِ/ كـافى ۱۳۴/ الْمُحْسِنِينَ/ تام ۱۳۵/ لِذُنُوبِهِمْ/ كافى ۱۳۵/ إِلَّا اللَّهُ/ كافى ۱۳۵/ يَعْلَمُونَ/ تام ۱۳۶/ وَ نِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِينَ/ تام [۳] ۱۳۷/ الْمُكَذِّبِينَ/ تام ۱۳۸/ لِلْمُتَّقِينَ/ تام ۱۳۹/ مُؤْمِنِينَ/ تـام

[۱]- بنـابر قرائـت «وَ سارِعُوا» در آيه بعد؛ زيرا در اين صورت آيه بعد عطف بر اين آيه است. [۲]- درصورتى‌كه آيه بعد را بنابر قرائات نافع، ابو جعفر و ابن عامر، «سارِعُوا» بخوانيم؛ زيرا از قبل جدا مى‌باشد. [۳]- پايان موضوع است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۸۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۴۰/ مِنْكُمْ شُهَداءَ/ كافى (گفته شده) تام ۱۴۱/ وَ يَمْحَقَ الْكافِرِينَ/ تام [۱] ۱۴۲/ الصَّابِرِينَ/ تام ۱۴۳/ تَنْظُرُونَ/ تام ۱۴۴/ وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ/ تام ۱۴۵/ كِتاباً مُؤَجَّلًا/ تام ۱۴۵/ وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ/ تام ۱۴۶/ وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ [۲]/ محل وقف نيست [۳] كافى [۴] (قول مورد نظر مؤلف) [اختلاف قرائت ۱۴۶/ وَ مَا اسْتَكانُوا/ كافى ۱۴۸/ وَ حُسْنَ ثَوابِ الْآخِرَةِ/ كافى ۱۴۸/ الْمُحْسِنِينَ/ تام ۱۵۰/ خَيْرُ النَّاصِرِينَ/ تام ۱۵۱/ وَ مَأْواهُمُ النَّارُ/ كـافى ۱۵۱/ مَثْوَى الظَّالِمِينَ/ تـام ۱۵۲/ وَ لَقَدْ عَفا عَنْكُمْ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۰ آيه/ كلمه يـا عبارت/ نوع وقف ۱۵۲/ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ/ تام ۱۵۳/ وَ لا ما أَصابَكُمْ/ كـافى ۱۵۴/ كُلَّهُ لِلَّهِ/ كـافى ۱۵۴/ هاهُنا/ كـافى ۱۵۴/ إِلى مَضاجِعِهِمْ/ كـافى

[۱]- پايـان موضـوع اسـت. [۲]- ابو عمرو بن العلاء در آيه «و كاين من نبى قتل» نقل كرده است: «پيامبر بنابر شايعه كافران در روز احد به شهادت رسيد ولى اصحاب بعد از قتل پيامبرشان سست نشده و ضعيف نشدند و در مقابل دشمن، سر تعظيم فرود نياوردند.» از ابن عباس نقل كرده‌اند كه وى از كسانى كه «قاتل» مى‌خواندند، تعجب مى‌كرد، حال آنكه در آيه ۱۴۴ آمده است: «أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ». عكرمه در مورد آيه «و كاين من نبىّ قتل معه ربيون كثير» گفته است: «در جنگ، فقط شهادت پيامبر صلّى اللّه عليه و آله را شنيديم»؛ ربيون يعنى جموع كثيرة. [۳]- بنابر قرائت «قاتَلَ» زيرا «رِبِّيُّونَ» فاعل آن است. همچنين درصورتى‌كه «قتل» خوانده شود و فعل به «رِبِّيُّونَ» اسناد داده شود؛ گويى منظور اين است كه «قتل بعضهم فما وهن الباقون لقتل من قتل منهم و لاـ ضعفوا و لا

استکانوا». [۴]- بنابر قرائات نافع، ابن کثیر، ابو عمرو و یعقوب که «قتل» خوانده‌اند و نیز در صورتی که فعل به پیامبر اسناد داده شود یعنی «قتل النبی و معه جموع کثیرهٔ فما وهنو القتل بینهم». آیه [بنابر قولی به این سبب نازل شد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۴/ ما فِی قُلُوبِکُمْ/ کافی ۱۵۴/ بِذاتِ الصُّدُورِ/ تام ۱۵۵/ وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ/ کافی ۱۵۵/ حَلِیمٌ/ تام ۱۵۶/ فِی قُلُوبِهِمْ/ کافی ۱۵۶/ وَ اللَّهُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ/ کافی ۱۵۶/ بَصِیرٌ/ تام ۱۵۹/ لِنْتَ لَهُمْ/ کافی ۱۵۹/ مِنْ حَوْلِکَ/ کافی ۱۵۹/ وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ/ کافی ۱۵۹/ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ/ کافی ۱۵۹/ الْمُتَوَکِّلِینَ/ تام ۱۶۰/ مِنْ بَعْدِهِ/ کافی ۱۶۰/ الْمُؤْمِنُونَ/ تام ۱۶۱/ أَنْ یَغُلَّ/ کافی ۱۶۱/ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ/ تام ۱۶۲/ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ/ کافی ۱۶۳/ دَرَجاتٌ عِنْدَ اللَّهِ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۶۳/ بِما یَعْمَلُونَ/ تام ۱۶۴/ مُبِینٍ/ تام ۱۶۵/ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِکُمْ/ کافی ۱۶۵/ قَدِیرٌ/ تام ۱۶۷/ لِلْإِیمانِ/ کافی ۱۶۷/ بِما یَکْتُمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۶۹/ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْواتاً/ کافی ۱۷۱/ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ/ وقف کافی نیست [۱] کافی [۲] ۱۷۲/ أَصابَهُمُ الْقَرْحُ/ کافی (گفته شده) تام ۱۷۴/ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ/ کافی ۱۷۵/ یُخَوِّفُ أَوْلِیاءَهُ/ کافی ۱۷۵/ فَلا تَخافُوهُمْ/ کافی ۱۷۵/ مُؤْمِنِینَ/ تام

[۱]- بنابر قرائت «وَ أَنَّ اللَّهَ» در ادامه آیه؛ زیرا در این صورت عطف بر قسمت قبلی آیه می‌باشد و تقدیر «و بان الله» خواهد بود. [۲]- بنابر قرائت کسایی «و ان الله» به‌دلیل اینکه جمله جدیدی می‌باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۷۶/ عَظِیمٌ/ تام ۱۷۷/ أَلِیمٌ/ تام ۱۷۸/ خَیْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ/ کافی ۱۷۸/ مُهِینٌ/ تام ۱۷۹/ مَنْ یَشاءُ/ کافی ۱۷۹/ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ/ کافی ۱۷۹/ أَجْرٌ عَظِیمٌ/ تام ۱۸۰/ خَیْراً لَهُمْ/ کافی ۱۸۰/ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ/ کافی ۱۸۰/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ تام ۱۸۰/ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ/ تام ۱۸۳/ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ/ کافی ۱۸۴/ الْمُنِیرِ/ تام ۱۸۵/ ذائِقَةُ الْمَوْتِ/ کافی ۱۸۵/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ کافی ۱۸۵/ فَقَدْ فازَ/ کافی ۱۸۵/ الْغُرُورِ/ تام ۱۸۶/ الْأُمُورِ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۸۷/ ما یَشْتَرُونَ/ تام ۱۸۸/ مِنَ الْعَذابِ/ کافی ۱۸۸/ أَلِیمٌ/ تام ۱۸۹/ قَدِیرٌ/ تام ۱۹۳/ فَآمَنَّا/ کافی ۱۹۵/ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی کافی تام (قول ابو حاتم) ۱۹۵/ بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ/ تام ۱۹۵/ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ/ کافی ۱۹۵/ حُسْنُ الثَّوابِ/ تام ۱۹۶/ فِی الْبِلادِ [۱]/ کافی تام (قول ابو حاتم) ۱۹۷/ مَتاعٌ قَلِیلٌ [۲]/ کافی ۱۹۷/ الْمِهادُ/ اتم نسبت به قول ابو حاتم در آیه قبل ۱۹۸/ نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ/ کافی ۱۹۸/ لِلْأَبْرارِ/ تام ۱۹۹/ عِنْدَ رَبِّهِمْ/ کافی ۱۹۹/ سَرِیعُ الْحِسابِ/ تام

[۱]- انتهای آیه است. [۲]- یعنی: «آن کالای اندکی است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۵

سوره نساء

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ رِجالًا کَثِیراً وَ نِساءً/ تام (گفته شده) کافی ۱/ تساءلون به/ محل وقف نیست [۱] محل وقف است و از عبارت بعد آغاز می‌شود [۲] [اختلاف قرائت تام (قول یعقوب، اخفشن و روایت از حسن) [۳]

[۱]- بنابر قرائت مشهور «وَ الْأَرْحامَ» عطف بر قبل بوده و تقدیر آن «و اتقوا الارحام ان تقطعوها» می‌باشد. همچنین بنابر قرائت حمزه «تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ» می‌باشد که «الْأَرْحامَ» عطف بر ضمیر «ه»- در «به»- می‌باشد چنان‌که مذهب کوفیین این چنین است؛ مثلا گفته می‌شود: «اسالک بالله و الرحم». [۲]- چنانچه با قرائت حمزه «تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ» خوانده شود و «وَ الْأَرْحامَ» به معنای قسم باشد و تقدیر آن «و رب الارحام» باشد؛ چنان‌که خداوند در جاهای دیگر فرموده «وَ الطُّورِ»، «وَ التِّینِ»، «وَ الْفَجْرِ»، «وَ الشَّمْسِ» و نظایر آن به مخلوقاتی دیگر قسم یاد کرده است. از قسم می‌توان شروع کرد زیرا قسم، جمله جدیدی است. [۳]- سپس از «وَ الْأَرْحامَ» ابتدا می‌شود یعنی «و علیکم الارحام فصلوها». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ وَ الْأَرْحامَ [۱]/ کافی ۱/ عَلَیْکُمْ رَقِیباً/

اكفى نسبت به موضع قبل ۳/ أَلَّا تَعُولُوا [۲]/ كافى ۴/ هَنِيئاً مَرِيئاً/ كافى ۵/ مَعْرُوفاً/ كافى ۶/ أَنْ يَكْبَرُوا/ كافى ۶/ بِالْمَعْرُوفِ/ كافى ۶/ حَسِيباً/ تام ۷/ مَفْرُوضاً/ تام ۸/ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ/ كافى ۸/ قَوْلًا مَعْرُوفاً/ اكفى نسبت به موضع قبل ۹/ خافُوا عَلَيْهِمْ/ كافى [______________________________۱]- از عكرمه در آيه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ» روايت شده كه گفت: «تقواى خدا را پيشه كنيد و از قطع رحم پرهيز كنيد». ابراهيم در آيه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ» گفته است: «اين همان سخن است كه: اسالك بالله و الرحم». از مجاهد نيز نظير آن را نقل كرده‌اند. حسن [بصرى نيز گفته است: «اين سخن، همان قول: انشدك بالله و الرحم است». [۲]- رأس آيه است يعنى: «اينكه تمايل پيدا نكنيد». گفته شده «اينكه ستم نكنيد». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹/ سَدِيداً/ تام ۱۰/ فِي بُطُونِهِمْ ناراً/ كافى ۱۰/ سَعِيراً/ تام ۱۱/ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ/ كافى ۱۱/ ثُلُثا ما تَرَكَ/ كافى ۱۱/ فَلَهَا النِّصْفُ/ كافى ۱۱/ إِنْ كانَ لَهُ وَلَدٌ/ كافى ۱۱/ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ/ كافى ۱۱/ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ/ كافى ۱۱/ أَوْ دَيْنٍ/ تام ۱۱/ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ/ كافى ۱۱/ عَلِيماً حَكِيماً/ تام ۱۲/ تُوصُونَ بِها أَوْ دَيْنٍ/ تام ۱۲/ غَيْرَ مُضَارٍّ/ كافى ۱۲/ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ/ كافى ۱۳/ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ/ تام كافى (قول ابن انبارى) ۱۴/ مُهِينٌ/ تام [۱] [______________________________۱]- پايان موضوع است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۶/ فَأَعْرِضُوا عَنْهُما/ كافى ۱۶/ تَوَّاباً رَحِيماً/ تام ۱۷/ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ/ كافى ۱۷/ عَلِيماً حَكِيماً/ كافى ۱۸/ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ/ وقف غير تام است [۱] تام (قول اخفش و دينورى) ۱۸/ وَ هُمْ كُفَّارٌ/ وقف غير تام [۲] تام (قول دينورى و نافع) ۱۸/ عَذاباً أَلِيماً/ تام ۱۹/ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ كَرْهاً/ كافى [۳] غير كافى [۴] ۲۱/ غَلِيظاً/ تام ۲۲/ إِلَّا ما قَدْ سَلَفَ/ كافى ۲۲/ سَبِيلًا/ تام ۲۳/ مِنْ أَصْلابِكُمْ/ غير تام [۵] [______________________________۱]- زيرا «وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ» عطف بر قبلش است. [۲]- زيرا «أُولئِكَ»- در ادامه آيه- اشاره به دو گروه مذكور در ابتداى آيه است. [۳]- اگر «وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ»- در ادامه آيه- مجزوم و فعل نهى باشد. [۴]- اگر «وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ» در موضع نصب و عطف بر «أَنْ تَرِثُوا» باشد. [۵]- زيرا عبارت بعد، عطف بر عبارات قبلى است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۹۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۳/ إِلَّا ما قَدْ سَلَفَ/ كافى حسن [۱] ۲۳/ غَفُوراً رَحِيماً/ وقف غير تام [۲] تام (قول ابن انبارى) ۲۴/ إِلَّا ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ/ كافى [۳] حسن (كافى نيست) [۴] ۲۴/ كِتابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ/ تام ۲۴/ فَرِيضَةً/ كافى ۲۴/ عَلِيماً حَكِيماً/ تام [۵] [______________________________۱]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب.

[۲]- زيرا «وَ الْمُحْصَناتُ»- در ابتداى آيه بعد- عطف بر اول آيه ۲۳ بوده و معناى آن «و المحصنات ذوات الازواج الّا ان يسبين» مى‌باشد؛ يعنى: [همچنين بر شما حرام شد] زنان شوهردار مگر كنيزانى كه در جنگ با كفار به اسارت درآمده‌اند. [۳]- درصورتى‌كه «كِتابَ اللَّهِ» در جمله بعد، منصوب بنابر «اغراء» [آگاه كردن مخاطب به امرى ستايش شده براى اهميت دادن به آن باشد و معناى آن «الزموا كتاب الله»] باشد. [۴]- اگر «كِتابَ اللَّهِ» بنابر مفعول مطلق بودن، منصوب باشد. در اين صورت تقدير آن «كتب الله كتابا» مى‌باشد. [۵]- پايان موضوع است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۵/ مِنْ فَتَياتِكُمُ الْمُؤْمِناتِ/ كافى ۲۵/ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ/ كافى ۲۵/ الْعَنَتَ مِنْكُمْ/ كافى ۲۵/ خَيْرٌ لَكُمْ/ تام ۲۵/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ اتم نسبت به موضع قبل ۲۸/ ضَعِيفاً/ تام ۲۹/ عَنْ تَراضٍ مِنْكُمْ/ كافى ۳۰/ نُصْلِيهِ ناراً/ كافى ۳۰/ يَسِيراً/ تام ۳۱/ كَرِيماً/ تام ۳۲/ عَلى بَعْضٍ/ كافى ۳۲/ مِمَّا اكْتَسَبْنَ/ كافى ۳۲/ مِنْ فَضْلِهِ/ كافى (گفته شده) تام ۳۲/ عَلِيماً/ تام ۳۳/ وَ الْأَقْرَبُونَ/ كافى ۳۳/ شَهِيداً/ تام ۳۴/ مِنْ أَمْوالِهِمْ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۳۴/ بِما حَفِظَ اللَّهُ/ كافى ۳۴/ سَبِيلًا/ كافى ۳۴/ كَبِيراً/ تام ۳۵/ يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُما/ كافى ۳۵/ عَلِيماً خَبِيراً/ تام ۳۶/ وَ ابْنِ السَّبِيلِ/ كافى ۳۶/ وَ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ/ كافى ۳۷/ مِنْ فَضْلِهِ/ كافى ۳۸/ وَ لا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ/ كافى ۳۸/ فَساءَ قَرِيناً/ تام ۳۹/ وَ كانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيماً/ تام ۴۰/ أَجْراً عَظِيماً/ تام ۴۱/ شَهِيداً/

کافی ۴۲/ حَدِیثاً/ تام ۴۳/ حَتَّی تَغْتَسِلُوا/ کافی ۴۳/ وَ أَیْدِیکَمْ/ کافی ۴۳/ عَفُوًّا غَفُوراً/ تام ۴۵/ بِأَعْدائِکَمْ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۵/ وَ کَفی بِاللَّهِ نَصِیراً/ کافی [۱] غیر کافی [۲] ۴۶/ مِنَ الَّذِینَ هادُوا/ محل وقف نیست [۳] ۴۶/ وَ طَعْناً فِی الدِّینِ/ کافی ۴۶/ خَیْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ/ کافی ۴۶/ إِلَّا قَلِیلًا/ تام ۴۷/ أَصْحابَ السَّبْتِ/ کافی ۴۷/ مَفْعُولًا/ تام ۴۸/ لِمَنْ یَشاءُ/ کافی ۴۸/ عَظِیماً/ تام ۴۹/ یُزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ/ کافی ۴۹/ مَنْ یَشاءُ/ اکفی نسبت به موضع قبل

[۱]- چنانچه «مِنَ»، در آیه بعد، وابسته به مبتدای محذوفی باشد که تقدیر آن «من الذین هادوا ناس» است. [۲]- درصورتی‌که «مِنَ» وابسته به «نَصِیراً» در آیه قبل باشد و معنای آن «اکتفوا باللّه ناصرا لکم من الذین هادوا» درنظر گرفته شود. [۳]- زیرا «یُحَرِّفُونَ» طبق هر دو قول مذکور در آیه قبل، وابسته به «مِنَ الَّذِینَ هادُوا» است. طبق قول اول، صفت مبتدای محذوف و بنابر عقیده دوم، حال برای «مِنَ الَّذِینَ هادُوا» می‌باشد و درهرحال از قبل جدا نمی‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۰/ مُبِیناً/ تام ۵۲/ لَعَنَهُمُ اللَّهُ/ کافی (گفته شده) تام ۵۲/ نَصِیراً/ کافی ۵۳/ نَقِیراً/ کافی ۵۴/ عَظِیماً/ کافی ۵۵/ مَنْ صَدَّ عَنْهُ/ کافی ۵۵/ سَعِیراً/ تام ۵۶/ لِیَذُوقُوا الْعَذابَ/ کافی (گفته شده) تام ۵۶/ عَزِیزاً حَکِیماً/ تام ۵۷/ ظِلًّا ظَلِیلًا/ تام ۵۸/ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ/ کافی (گفته شده) تام ۵۸/ یَعِظُکُمْ بِهِ/ کافی ۵۸/ بَصِیراً/ تام ۵۹/ تَأْوِیلًا/ تام ۶۰/ ضَلالًا بَعِیداً/ کافی ۶۱/ صُدُوداً/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۲/ وَ تَوْفِیقاً/ کافی ۶۳/ قَوْلًا بَلِیغاً/ تام ۶۴/ بِإِذْنِ اللَّهِ/ کافی ۶۶/ إِلَّا قَلِیلٌ مِنْهُمْ/ کافی ۶۸/ صِراطاً مُسْتَقِیماً/ تام ۶۹/ وَ الصَّالِحِینَ/ کافی ۷۰/ عَلِیماً/ تام ۷۱/ جَمِیعاً/ تام (گفته شده) کافی [۱] ۷۳/ یا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ/ وقف کافی نیست [۲] ۷۳/ عَظِیماً/ تام ۷۴/ عَظِیماً/ تام ۷۵/ الظَّالِمِ أَهْلُها/ کافی ۷۵/ نَصِیراً/ تام ۷۶/ فِی سَبِیلِ الطَّاغُوتِ/ کافی ۷۶/ ضَعِیفاً/ تام

[۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- زیرا حرف «ف» در «فَأَفُوزَ» جواب «یا لَیْتَنِی» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۷/ فَتِیلًا/ تام [۱] ۷۸/ مُشَیَّدَةٍ/ کافی ۷۸/ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ/ کافی ۷۸/ حَدِیثاً/ تام [۱] ۷۹/ فَمِنْ نَفْسِکَ [۲]/ کافی ۷۹/ لِلنَّاسِ رَسُولًا/ کافی ۷۹/ شَهِیداً/ تام ۸۰/ حَفِیظاً/ تام ۸۱/ وَکِیلًا/ تام ۸۲/ کَثِیراً/ تام ۸۳/ إِلَّا قَلِیلًا/ تام ۸۴/ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ/ کافی ۸۴/ بَأْسَ الَّذِینَ کَفَرُوا/ کافی ۸۴/ وَ أَشَدُّ تَنْکِیلًا/ تام ۸۵/ کِفْلٌ مِنْها/ کافی تام [۳]

[۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- یعنی «به خاطر گناه خودت، ای انسان!». [۳]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۵/ مُقِیتاً [۱]/ تام ۸۶/ أَوْ رُدُّوها/ کافی ۸۶/ حَسِیباً/ تام ۸۷/ لا رَیْبَ فِیهِ/ کافی ۸۷/ حَدِیثاً/ تام ۸۸/ بِما کَسَبُوا/ کافی ۸۸/ مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ/ کافی ۸۹/ فَتَکُونُونَ سَواءً/ کافی ۸۹/ حَیْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ/ کافی ۹۰/ أَوْ جاؤُکُمْ/ محل وقف نیست کافی (قول محمد بن یزید) [۲] ۹۰/ فَلَقاتَلُوکُمْ/ کافی ۹۱/ أُرْکِسُوا فِیها/ کافی ۹۱/ مُبِیناً/ تام ۹۲/ إِلَّا خَطَأً/ کافی ۹۲/ إِلَّا أَنْ یَصَّدَّقُوا/ کافی ۹۲/ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ/ کافی

[۱]- یعنی «مقتدرا». [۲]- زیرا اعتقاد داشته است که «حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ» معنی دعایی دارد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۲/ وَ تَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ/ کافی ۹۲/ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ/ کافی ۹۲/ عَلِیماً حَکِیماً/ تام ۹۳/ عَظِیماً/ تام ۹۴/ فَتَبَیَّنُوا/ کافی ۹۴/ مَغانِمُ کَثِیرَةٌ/ کافی ۹۴/ عَلَیْکُمْ فَتَبَیَّنُوا/ کافی ۹۴/ خَبِیراً/ تام ۹۵/ الْحُسْنی کافی ۹۶/ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً/ کافی ۹۶/ رَحِیماً/ تام ۹۷/ فَتُهاجِرُوا فِیها/ کافی ۹۷/ وَ ساءَتْ مَصِیراً/ کافی ۹۹/ عَفُوًّا غَفُوراً/ تام ۱۰۰/ کَثِیراً وَ سَعَةً/ کافی ۱۰۰/ رَحِیماً/ تام ۱۰۱/ أَنْ یَفْتِنَکُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا/ کافی ۱۰۱/ عَدُوًّا مُبِیناً/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۲/ حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ/ کافی ۱۰۲/ مَیْلَةً واحِدَةً/ کافی ۱۰۲/ وَ خُذُوا حِذْرَکُمْ/ کافی ۱۰۳/ وَ عَلی جُنُوبِکُمْ/ کافی ۱۰۳/ فَأَقِیمُوا الصَّلاةَ/ کافی ۱۰۳/ کِتاباً

مَوْقُوتاً/ تام ۱۰۴/ عَلِيماً حَكِيماً/ تام ۱۰۵/ بِما أَراكَ اللَّهُ/ كافى ۱۰۵/ خَصِيماً/ تام ۱۰۶/ رَحِيماً/ كافى ۱۰۷/ أَثِيماً/ كافى ۱۰۸/ مُحِيطاً/ كافى ۱۰۹/ وَكِيلًا/ كافى ۱۱۰/ رَحِيماً/ كافى ۱۱۱/ حَكِيماً/ كافى ۱۱۲/ مُبِيناً/ كافى ۱۱۳/ مِنْ شَيْءٍ/ كافى ۱۱۴/ بَيْنَ النَّاسِ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۰۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۱۴/ عَظِيماً/ تام ۱۱۵/ وَ ساءَتْ مَصِيراً/ تام ۱۱۶/ لِمَنْ يَشاءُ/ كافى ۱۱۶/ بَعِيداً/ تام ۱۱۸/ لَعَنَهُ اللَّهُ/ كافى ۱۱۹/ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ [۱]/ كافى ۱۲۰/ يَعِدُهُمْ وَ يُمَنِّيهِمْ/ كافى ۱۲۰/ إِلَّا غُرُوراً/ اكفى نسبت به موضع قبل ۱۲۱/ مَحِيصاً/ تام ۱۲۲/ قِيلًا/ تام ۱۲۳/ وَ لا أَمانِيِّ أَهْلِ الْكِتابِ [۲]/ تام (نظر مؤلف) [۳] كافى (قول ابن انبارى و غير او) ۱۲۳/ وَ لا نَصِيراً/ تام ۱۲۴/ نَقِيراً/ تام ۱۲۵/ حَنِيفاً/ تام ۱۲۵/ خَلِيلًا/ تام ۱۲۶/ مُحِيطاً/ تام ۱۲۷/ بِالْقِسْطِ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۲۷/ بِهِ عَلِيماً/ تام ۱۲۸/ وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ/ كافى ۱۲۸/ الشُّحَّ/ كافى ۱۲۹/ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ/ كافى ۱۲۹/ كَالْمُعَلَّقَةِ/ كافى

[۱]- عكرمه در مورد آيه «وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ» گفته است: «منظور خواجه كردن مردان است». همچنين، سعيد بن جبير گفته است: «منظور دين الهى است». [۲]- از ابو بكر نقل شده است: «هنگامى كه پيش پيامبر صلّى اللّه عليه و آله بودم، اين آيه نازل شد كه «مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَ لا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصِيراً». به پيامبر عرض كردم: «يا رسول الله! ما كار ناپسند انجام مى‌دهيم، آيا به سبب هر كار زشتى كه انجام داديم جزا داده مى‌شويم»؟ حضرت فرمود: «اى ابو بكر! تو و همنشينان و دوستانت به اين سبب، در دنيا مجازات داده مى‌شويد تا خداوند عز و جل را درحالى ملاقات كنيد كه گناهى نداريد؛ اما اين گناهان براى ديگران جمع مى‌شود تا در روز قيامت با آن مجازات شوند». از ابو هريره نيز نقل شده است: وقتى «مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ» نازل شد، بر مسلمانان دشوار آمد و لذا به پيامبر صلّى اللّه عليه و آله شكايت كردند». آن حضرت فرمود: «نيت خود را پاك كرده، در راه صحيح گام برداريد چرا كه تيغى كه به بدن مؤمن فرو رود و يا آسيبى كه به او رسد، كفاره لغزش‌هايش خواهد بود. [۳]- زيرا پايان موضوع بوده و عبارت بعد، كلام جديد و جدا از آن است و به همه مردم برمى‌گردد. حديث مسند فوق نيز آن را تأييد مى‌كند. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۳۰/ مِنْ سَعَتِهِ/ كافى ۱۳۰/ واسِعاً حَكِيماً/ تام ۱۳۱/ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ/ كافى (گفته شده) تام ۱۳۱/ وَ ما فِي الْأَرْضِ/ كافى ۱۳۱/ وَكِيلًا/ تام ۱۳۳/ وَ يَأْتِ بِآخَرِينَ/ كافى ۱۳۳/ قَدِيراً/ تام ۱۳۴/ ثَوابُ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ/ كافى ۱۳۴/ بَصِيراً/ تام ۱۳۵/ أَوْلى بِهِما/ كافى ۱۳۵/ أَنْ تَعْدِلُوا/ كافى ۱۳۵/ خَبِيراً/ تام ۱۳۶/ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ/ تام ۱۳۶/ ضَلالًا بَعِيداً/ تام ۱۳۷/ وَ لا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا/ تام ۱۳۸/ أَلِيماً/ كافى ۱۳۹/ لِلَّهِ جَمِيعاً/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۴۰/ إِذاً مِثْلُهُمْ/ تام ۱۴۰/ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً/ كافى ۱۴۱/ سَبِيلًا/ تام كافى [۱] ۱۴۲/ إِلَّا قَلِيلًا/ كافى ۱۴۳/ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذلِكَ/ غير تام [۲] تام (قول مجهول) ۱۴۳/ وَ لا إِلى هؤُلاءِ/ كافى ۱۴۳/ سَبِيلًا/ تام ۱۴۴/ مُبِيناً/ تام ۱۴۶/ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ/ كافى ۱۴۶/ أَجْراً عَظِيماً/ تام

[۱]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب. [۲]- زيرا عبارت بعد متصل به آن و آشكار كننده آن مى‌باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۴۷/ شاكِراً عَلِيماً/ كافى [۱] (گفته شده) تام [۲] [اختلاف قرائت غير كافى [اختلاف قرائت [۳] ۱۴۸/ مِنَ الْقَوْلِ/ محل وقف نيست تام (بنابر قول مجاهد)

[۱]- «إِلَّا مَنْ ظُلِمَ» در آيه بعد، استثناى منقطع است ولى استثنا از عبارت «ما يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ» نهى است و تقدير آن، اين است: ولى هركه مورد ستم واقع شد مى‌تواند بگويد: فلان شخص به من ظلم نمود. مجاهد، آن را در مورد مهمانى دانسته است؛ يعنى وقتى شخصى مهمان كسى شود ولى وى، از او پذيرايى نكند. از مجاهد در مورد آيه «لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ» نقل شده است كه گفت: «در مورد مهمانى است. وقتى كه بر شخصى مهمان شدى اما او تو را پذيرايى نكرد تو حق دارى آنچه را نسبت به

تو روا داشته است، بیان کنی». [۲]- بنابر قرائت ضحاک و زید بن اسلم «إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» و نیز در قرائت مشهور اگر استثنای منقطع به معنای «و لکن» باشد، وقف بر «عَلِیماً» تام خواهد بود. [۳]- بنابر قرائت ضحاک و زید بن اسلم به صورت «إِلَّا مَنْ ظُلِمَ» چنانچه استثنا از عبارت «ما یَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذابِکُمْ إِنْ شَکَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ» باشد. ضحاک می‌گفت که این آیه از مثال‌های تقدیم و تأخیر است و گویی فرموده است: «ما یفعل الله بعذابکم ان شکرتم و آمنتم الا من ظلم». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴۸/ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ/ کافی [۱] ۱۴۸/ عَلِیماً/ تام ۱۴۹/ قَدِیراً/ تام ۱۵۰/ سَبِیلًا/ تام ۱۵۱/ هُمُ الْکافِرُونَ حَقًّا/ کافی (گفته شده) تام ۱۵۱/ مُهِیناً/ تام ۱۵۲/ غَفُوراً رَحِیماً/ تام ۱۵۵/ إِلَّا قَلِیلًا/ کافی [۲] ۱۵۶/ عَظِیماً/ کافی ۱۵۷/ عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ/ محل وقف نیست [۳] (گفته شده) محل وقف است [۴]

[____۱]- بنابر هر دو قرائت مذکور. [۲]- از آیه ۱۵۵ تا ۱۶۱ وقف تام وجود ندارد و جواب محذوف است. اخفش، تقدیر آن را چنین دانسته است: «فَبِما نَقْضِهِمْ مِیثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ». همچنین علت حذف جواب، علم مخاطبان نسبت به آن می‌باشد. [۳]- زیرا «رَسُولَ اللَّهِ» بدل از «عِیسَی» و منصوب است. [۴]- از عبارت «رَسُولَ اللَّهِ» آغاز می‌شود و تقدیر آن «اعنی رسول اللّه» است. نباید «انه رسول اللّه» در نظر گرفته شود که منصوب نباشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۷/ رَسُولَ اللَّهِ/ کافی ۱۵۷/ شُبِّهَ لَهُمْ/ کافی ۱۵۷/ وَ ما قَتَلُوهُ/ محل وقف نیست تام [۱] (قول احمد بن موسی لؤلؤی) ۱۵۷/ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ/ محل وقف نیست تام [۲] (قول علمای نحو) ۱۵۷/ إِلَّا اتِّباعَ الظَّنِّ/ کافی تام (قول بعضی از مفسران) ۱۵۷/ یَقِیناً [۳]/ کافی [۴] (اختیار مولف)

[____۱]- تقدیر «و ما قتلوه یقینا» این است که «یقینا لیرفعنه اللّه»، اما جواب حذف شده و به دلیل وجود عبارت «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ» از آن جواب بی‌نیاز شده است. همچنین گفته شده معنای آن «یقینا انهم لم یقتلوه» است و لذا ضمیر «ه» در «وَ ما قَتَلُوهُ» به حضرت عیسی علیه السّلام برمی‌گردد؛ اما این قول، وجه صحیحی ندارد. همچنین گفته شده ضمیر به چیزی که برایشان مشتبه شد بازمی‌گردد. اما بهتر آن است که ضمیر، به «الظَّنِّ» برمی‌گردد و تقدیر «و ما قتلوا ظنّهم یقینا» است که خود آنها هم مردد شدند که مقتول عیسی یا شخص دیگری غیر از اوست. [۲]- زیرا «إِلَّا»- در ادامه آیه- استثنا از «ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ» نمی‌باشد. [۳]- انتهای آیه است. [۴]- «یَقِیناً» صفت مصدر محذوف است که مفعول مطلق بوده و تقدیر آن «و ما علموه علما یقینا» می‌باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۸/ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ/ کافی ۱۵۸/ عَزِیزاً حَکِیماً/ کافی ۱۵۹/ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً/ کافی ۱۶۰/ کَثِیراً/ کافی ۱۶۱/ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ/ کافی ۱۶۱/ عَذاباً أَلِیماً/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۶۲/ أَجْراً عَظِیماً/ تام ۱۶۳/ مِنْ بَعْدِهِ/ کافی ۱۶۳/ وَ سُلَیْمانَ/ کافی ۱۶۳/ وَ آتَیْنا داوُدَ زَبُوراً/ کافی ۱۶۴/ لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَیْکَ/ کافی (گفته شده) تام ۱۶۵/ بَعْدَ الرُّسُلِ/ کافی ۱۶۶/ شَهِیداً/ تام ۱۶۷/ بَعِیداً/ تام ۱۶۹/ أَبَداً/ کافی ۱۶۹/ یَسِیراً/ تام ۱۷۰/ عَلِیماً حَکِیماً/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۷۱/ إِلَّا الْحَقَّ/ کافی ۱۷۱/ وَ رُوحٌ مِنْهُ [۱]/ تام [۲] (گفته شده) کافی ۱۷۱/ وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ/ کافی تام (قول نافع، دینوری، قبتی و اخفش) ۱۷۱/ انْتَهُوا خَیْراً لَکُمْ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۷۱/ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ/ کافی ۱۷۱/ وَ ما فِی الْأَرْضِ/ کافی ۱۷۱/ وَکِیلًا/ تام ۱۷۲/ وَ لَا الْمَلائِکَةُ الْمُقَرَّبُونَ/ کافی ۱۷۲/ جَمِیعاً [۳]/ کافی ۱۷۳/ مِنْ فَضْلِهِ/ کافی ۱۷۳/ نَصِیراً/ تام ۱۷۵/ مُسْتَقِیماً/ تام ۱۷۶/ لَها وَلَدٌ/ کافی [____۱]- معنای آن «زندگی» است. البته «رحمت» هم گفته شده است. [۲]- زیرا پایان موضوع است. [۳]- انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۷۶/ مِمَّا تَرَکَ/ کافی ۱۷۶/ حَظِّ الْأُنْثَیَیْنِ/ کافی ۱۷۶/ أَنْ تَضِلُّوا [۱]/ کافی

[____۱]- معنای آن «لئلّا تضلّوا» است؛ یعنی «تا اینکه گمراه نشوید». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۱۹

سوره مائده

آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱/ أَوْفُوا بِالْعُقُودِ [۱]/ تام ۱/ أَنْتُمْ حُرُمٌ/ کافی ۱/ ما یُرِیدُ/ تام ۲/ وَ رِضْواناً/ کافی ۲/ فَاصْطادُوا/ کافی ۲/ أَنْ تَعْتَدُوا/ کافی ۲/ عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ/ کافی ۲/ شَدِیدُ الْعِقابِ/ تام ۳/ ذلِکُمْ فِسْقٌ/ تام ۳/ وَ اخْشَوْنِ/ کافی ۳/ دِیناً/ کافی ۴/ مِنَ الْجَوارِحِ مُکَلِّبِینَ/ کـافی ۴/ مِمَّا عَلَّمَکُمُ اللَّهُ/ کـافی ۴/ عَلَیْهِ/ کـافی ۴/ سَرِیعُ الْحِسـابِ/ تام ۵/ وَ لا مُتَّخِذِی أَخْدانٍ/ کافی ۵/ مِنَ الْخاسِرِینَ/ تـام [______ ۱]- در شـمارش آیات، غیر از روش کوفی، انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶/ وَ أَیْدِیکُمْ مِنْهُ/ کافی ۷/ سَمِعْنا وَ أَطَعْنا/ کافی ۷/ بِذاتِ الصُّدُورِ/ تام ۸/ عَلی أَلَّا تَعْدِلُوا/ کافی ۸/ لِلتَّقْوی کافی ۸/ بِما تَعْمَلُونَ/ تام ۹/ أَجْرٌ عَظِیمٌ/ تام ۱۰/ أَصْحابُ الْجَحِیمِ/ تام ۱۱/ أَیْدِیَهُمْ عَنْکُمْ/ کافی ۱۱/ الْمُؤْمِنُونَ/ تام ۱۲/ نَقِیباً/ کافی ۱۲/ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ/ کافی ۱۲/ سَواءَ السَّبِیلِ/ تام ۱۳/ لَعَنَّاهُمْ/ حسن ۱۳/ قاسِیَةً/ حسن ۱۳/ إِلَّا قَلِیلًا مِنْهُمْ/ کافی ۱۳/ الْمُحْسِنِینَ/ تام ۱۴/ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴/ یَصْنَعُونَ/ تام ۱۵/ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثِیرٍ [۱]/ تام (گفته شده) کافی ۱۵/ وَ کِتابٌ مُبِینٌ/ کافی ۱۶/ سُبُلَ السَّلامِ/ کافی ۱۶/ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ/ کافی ۱۶/ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۱۷/ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً/ تام ۱۷/ وَ ما بَیْنَهُما/ تام ۱۷/ قَدِیرٌ/ تام ۱۸/ مِمَّنْ خَلَقَ/ تـام (قول نافع) ۱۸/ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَشاءُ/ تام ۱۸/ وَ ما بَیْنَهُما/ تام ۱۸/ وَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ/ اتم نسبت به موضع قبل ۱۹/ بَشِیرٌ وَ نَذِیرٌ/ تام ۱۹/ قَدِیرٌ/ اتم نسبت به موضع قبل ۲۰/ وَ جَعَلَکُمْ مُلُوکاً/ غیر تام تـام [۲] (قـول نـافع، ابی مالـک و سـعید بـن جـبیر) [______۱]- در شمارش آیات- غیر از روش کوفی- انتهای آیه است. [۲]- درصورتی که عبارت بعدی، برای مسلمانان درنظر گرفته شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۲ آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۲۱/ الَّتِی کَتَبَ اللَّهُ لَکُمْ/ کافی ۲۲/ حَتَّی یَخْرُجُوا مِنْها/ کافی ۲۲/ فَإِنَّا داخِلُونَ/ کافی ۲۳/ فَإِنَّکُمْ غالِبُونَ [۱]/ کافی ۲۳/ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ/ کافی تام [۲] ۲۵/ إِلَّا نَفْسِی/ محل وقف نیست [۳] تام [۴] (قول احمد بن موسی لؤلؤی) ۲۵/ وَ أَخِی/ کـافی [______ ۱]- در شمارش بصری انتهای آیه است. [۲]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. [۳]- زیرا «وَ أَخِی» عطف بر «إِلَّا نَفْسِی» یا «أَمْلِکُ» می‌باشد و تقدیر «لا املک انا و اخی الا انفسنا» است و بیشتر اهل تأویل، قائل به این قول هستند. [۴]- بـا این تعبیر که از «وَ أَخِی» آغاز شود و معنای آن: «و اخی لا یملک الا نفسه» باشد. از کلبی درمورد «إِنِّی لا أَمْلِکُ إِلَّا نَفْسِی وَ أَخِی» نقل شده است: «یعنی من فقط صاحب وجود خودم هستم و برادرم مالک نفس خودش است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۲۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۶/ فَإِنَّها مُحَرَّمَةٌ عَلَیْهِمْ/ محل وقف است [۱] (قول مختار مؤلف، عکرمه، قتاده، نـافع، یعقوب، اخفش و ابو حـاتم) ۲۶/ أَرْبَعِینَ سَنَةً/ محـل وقف نیست (گفته شـده) محـل وقف (تام) است [۲] ۲۶/ فَإِنَّها ... یَتِیهُونَ فِی الْأَرْضِ/ (بر «علیهم» و «سنهٔ» وقف نمی‌شود و وقف بر «الارض») کـافی اسـت [۳] (قـول ابـن عبـاس، ربیـع، سـدی، ابـن عبـد الرزاق و قـول مختـار بـن جریر طبری) [______۱]- درصورتی که قائل باشیم تحریم ورود به سرزمین مقدس، دائمی بوده و سرگردانی چهل سال طول کشیده است. بـا عنـایت به این قول، کلمه «أَرْبَعِینَ» به وسیله «یَتِیهُونَ» منصوب می‌شود. کلبی گفته است: وقتی بنی اسرائیل گفتنـد: «هرگز داخل آن سرزمین نمی‌شویم»، خداونـد فرمود: «آن سرزمین برای همیشه بر ایشان حرام است» بااین‌حال فقط چهل سال در زمین سرگردان شدند». وی می گوید: «هیچ‌یک از افرادی که بـا موسی علیه السّلام بودنـد داخل نشدنـد و تمـام ایشان در بیابان مردنـد مگر دو نفر: یوشع بن نون و کالب یوفنا». [۲]- سپس از «یَتِیهُونَ» جمله جدیـدی آغاز می‌شود. [۳]- با این توجه که تحریم ورود به سرزمین مقدس و سرگردانی در بیابان، چهل سال بوده

است. دراین‌صورت، «أَرْبَعِينَ» برای توضیح و تفسیر «مُحَرَّمَةٌ» منصوب شده است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۶/ الْفاسِقِينَ/ تام ۲۷/ قالَ لَأَقْتُلَنَّكَ/ کافی ۲۷/ مِنَ الْمُتَّقِينَ/ کافی ۲۸/ لِأَقْتُلَكَ/ کافی ۲۸/ رَبَّ الْعالَمِينَ/ کافی ۲۹/ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ/ کافی ۲۹/ جَزاءُ الظَّالِمِينَ/ کافی ۳۰/ مِنَ الْخاسِرِينَ/ کافی ۳۱/ سَوْأَةَ أَخِيهِ/ کافی ۳۱/ مِنَ النَّادِمِينَ/ کافی غیر کافی [۱] (قول نافع) ۳۲/ مِنْ أَجْلِ ذلِكَ/ محل وقف نیست [۲] (قول ضحاک و مؤلف) تام (قول نافع)

[____ ۱]- نافع، «مِنْ أَجْلِ ذلِكَ»، در ابتدای آیه ۳۲ را متعلق به «النَّادِمِينَ» یا «فَأَصْبَحَ» می‌داند و بنابراین وقف آخر آیه ۳۱ کافی نیست. [۲]- زیرا «مِنْ أَجْلِ ذلِكَ» متعلق به «كَتَبْنا»- در ادامه آیه- می‌باشد و لذا از آن جدا نمی‌شود و تقدیر آن «من اجل قتل قابیل هابیل کتبنا علی بنی اسرائیل» می‌باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۲/ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً/ تام ۳۲/ لَمُسْرِفُونَ/ تام ۳۳/ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ/ کافی ۳۳/ خِزْيٌ فِي الدُّنْيا/ کافی ۳۳/ عَذابٌ عَظِيمٌ/ کافی ۳۴/ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ/ کافی ۳۴/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام ۳۵/ تُفْلِحُونَ/ تام ۳۶/ ما تُقُبِّلَ مِنْهُمْ/ کافی ۳۷/ بِخارِجِينَ مِنْها/ کافی ۳۷/ عَذابٌ مُقِيمٌ/ تام ۳۸/ نَكالًا مِنَ اللَّهِ/ کافی ۳۸/ عَزِيزٌ حَكِيمٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۳۹/ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ/ کافی ۳۹/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام ۴۰/ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ/ کافی ۴۰/ قَدِيرٌ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۱/ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ/ کافی [۱] (قول مختار مؤلف) وقف کافی نیست [۲] ۴۱/ وَ مِنَ الَّذِينَ هادُوا/ محل وقف نیست (قول مؤلف) کافی [۳] (بنابر قول دوم در قسمت اول آیه) ۴۱/ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ [۴]/ کافی ۴۱/ لَمْ يَأْتُوكَ/ کافی ۴۱/ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ/ کافی ۴۱/ فَاحْذَرُوا/ کافی ۴۱/ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً/ کافی ۴۱/ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ/ کافی

[____ ۱]- اگر «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ» مبتدا و مرفوع باشد و خبر آن «وَ مِنَ الَّذِينَ هادُوا» باشد. [۲]- چنانچه «سَمَّاعُونَ» خبر و مرفوع باشد و مبتدای آن ضمیر «هم» در نظر گرفته شود و «وَ مِنَ الَّذِينَ هادُوا» عطف بر «مِنَ الَّذِينَ قالُوا» باشد. دراین‌صورت تقدیر «من الذین هادوا قوم سماعون» خواهد شد. [۳]- اگر «قُلُوبُهُمْ» محل وقف نباشد. [۴]- معنا این است که: «یسمعون لیکذبوا» [می‌شنوند برای اینکه تکذیب کنند] درحالی که آنچه می‌شنوند حق است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۱/ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۴۱/ عَذابٌ عَظِيمٌ/ اکفی نسبت به هر دو موضع قبل [۱] ۴۲/ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ/ کافی ۴۲/ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ/ کافی ۴۲/ بِالْقِسْطِ/ کافی ۴۲/ الْمُقْسِطِينَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۴۳/ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ/ کافی ۴۳/ بِالْمُؤْمِنِينَ/ تام ۴۴/ عَلَيْهِ شُهَداءَ/ کافی ۴۴/ وَ اخْشَوْنِ/ کافی ۴۴/ ثَمَناً قَلِيلًا/ کافی ۴۴/ الْكافِرُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۴۵/ أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ/ محل وقف نیست [۲] کافی [۳] [اختلاف قرائت

[____ ۱]- سپس از «سَمَّاعُونَ» آیه بعد آغاز می‌شود و تقدیر «هم سماعون» است. [۲]- بنابر قرائت «وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ ... وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ» زیرا در اسامی بعد «العین- الانف ... الجروح» حرف «ان» عمل کرده و عطف به یکدیگر هستند. تمام این موارد در تورات بر بنی اسرائیل مقرر شده است. [۳]- بنابر قرائت کسائی به‌صورت «وَ الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفُ بِالْأَنْفِ ... وَ الْجُرُوحُ قِصاصٌ» زیرا این عبارات جدا از قبل بوده و از آنچه در تورات بر آنها مقرر شده است، نیستند. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۵/ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ/ محل وقف نیست [۱] کافی [۲] [اختلاف قرائت ۴۵/ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ/ کافی ۴۵/ الظَّالِمُونَ/ تام ۴۶/ لِلْمُتَّقِينَ/ کافی [۳] حسن [۴] ۴۷/ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ/ کافی

[____ ۱]- زیرا «وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ» عطف بر آن است. [۲]- درصورتی که بنابر قرائت ابن کثیر، ابو جعفر، ابو عمرو و ابن عامر آیه به صورت «وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ ... وَ الْجُرُوحُ قِصاصٌ» خوانده شود، شروع از «وَ الْجُرُوحُ قِصاصٌ» خواهد بود، زیرا «أَنَّ» در «الْجُرُوحَ» عمل نمی‌کند. [۳]- بنابر قرائت «وَ لْيَحْكُمْ»

در آیه بعد، زیرا امر جدیدی از سوی خداوند می‌باشد. [۴]- بنابر قرائت حمزه در آیه بعد «وَ لِيَحْكُمْ» كه لام به معنای «لكی» است و به «وَ آتَيْناهُ الْإِنْجِيلَ» تعلق دارد و تقدير آن «كی يحكم اهله بما فيه من حكم الله» می‌باشد. همچنین گفته شده است كه تقدير «وَ لْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ» يا «انزلناه عليهم» می‌باشد، نمی‌توان از آیه بعد آغاز نمود؛ البته ابتدا از آیه بعد به جهت اینكه «لْيَحْكُمْ» به فعل محذوفی تعلق دارد، حسن نیز می‌تواند باشد زيرا «أَنْزَلَ» به فعل محذوف دلالت دارد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۲۹ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۷/ الْفاسِقُونَ/ تام ۴۸/ شِرْعَةً وَ مِنْهاجاً [۱]/ (كافى) ۴۸/ فِي ما آتاكُمْ/ كافى ۴۸/ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۴۹/ إِلَيْكَ/ كافى ۴۹/ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ/ كافى ۴۹/ لَفاسِقُونَ/ محل وقف نیست [۲] وقف كافى بوده و از آیه بعد می‌توان آغاز كرد [۳] ۵۰/ يُوقِنُونَ/ تام ۵۱/ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ/ كافى ۵۱/ أَوْلِياءُ بَعْضٍ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۵۱/ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ/ اكفى نسبت به دو موضع قبل

[۱]- يعنى دين و روش. [۲]- بنابر قرائت «يَبْغُونَ» در آیه بعد، زيرا اين عبارت به «وَ إِنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ لَفاسِقُونَ»- در آیه ۴۹- باز می‌گردد و از آن جدا نمی‌شود. [۳]- بنابر قرائت ابن عامر به‌صورت «تبغون» در آیه بعد؛ زيرا جمله جديد خطابى و تقدير آن «قل لهم افحكم الجاهلية تبغون» می‌باشد و جدا از قبل است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۰ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۵۱/ الظَّالِمِينَ/ اكفى نسبت به موضع قبل [۱] ۵۲/ نادِمِينَ/ محل وقف است [۲] محل وقف نيست [۳] [اختلاف قرائت ۵۳/ خاسِرِينَ/ تام ۵۴/ لَوْمَةَ لائِمٍ/ كافى ۵۴/ عَلِيمٌ/ تام ۵۵/ راكِعُونَ/ تام ۵۶/ الْغالِبُونَ/ تام ۵۷/ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِياءَ/ كافى ۵۷/ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۵۸/ لا يَعْقِلُونَ/ تام [۴]

[۱]- بنابر بعضى از نسخه‌های كتاب. [۲]- بنابر قرائت «وَ يَقُولُ» و همچنين قرائات نافع، ابو جعفر، ابن كثير و ابن عامر به صورت «يَقُولُ» در آیه بعد، زيرا آیه ۵۳ جمله جديدى است. [۳]- بنابر قرائت ابو عمرو و يعقوب به‌صورت «وَ يَقُولَ» در آیه بعد؛ زيرا «وَ يَقُولَ» عطف بر «أَنْ يَأْتِيَ» در آیه ۵۲ می‌باشد و تقدير آن «فعسى ان يأتى اللّه بالفتح و يقول الذين آمنوا» است. [۴]- بنابر بعضى از نسخه‌های كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۱ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۶۰/ عِنْدَ اللَّهِ/ كافى [۱] غير كافى [۲] ۶۳/ يَصْنَعُونَ/ تام ۶۴/ كَيْفَ يَشاءُ/ كافى ۶۴/ الْمُفْسِدِينَ/ تام ۶۶/ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ/ كافى ۶۶/ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ/ كافى ۶۶/ ساءَ ما يَعْمَلُونَ/ تام ۶۷/ مِنَ النَّاسِ/ كافى ۶۷/ الْكافِرِينَ/ تام [۳] ۶۸/ مِنْ رَبِّكُمْ/ كافى ۶۸/ الْكافِرِينَ/ تام ۶۹/ يَحْزَنُونَ/ تام ۷۰/ رُسُلًا/ كافى

[۱]- اگر «مِنْ»، در عبارت بعد، خبر مرفوع ضمير محذوف باشد و تقدير آن «هو من لعنه الله» درنظر گرفته شود. [۲]- اگر «مَنْ» در عبارت بعد، [بدل از «شر» در قسمت قبلى آیه و] تابع باشد. [۳]- در بعضى از نسخه‌های كتاب به‌جای تام، اكفى نسبت به موضع قبل ذكر شده است و قولى هم در مورد تام بودن آن آمده است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۲ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۷۱/ كَثِيرٌ مِنْهُمْ/ كافى ۷۱/ بَصِيرٌ بِما يَعْمَلُونَ/ تام ۷۲/ وَ مَأْواهُ النَّارُ/ كافى ۷۲/ مِنْ أَنْصارٍ/ تام ۷۳/ إِلَّا إِلهٌ واحِدٌ/ كافى ۷۴/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام ۷۵/ يَأْكُلانِ الطَّعامَ/ كافى ۷۵/ أَنَّى يُؤْفَكُونَ/ تام ۷۶/ الْعَلِيمُ/ تام ۷۷/ السَّبِيلِ/ تام ۷۸/ يَعْتَدُونَ/ تام ۷۹/ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ/ كافى ۷۹/ يَفْعَلُونَ/ كافى ۸۰/ خالِدُونَ/ كافى ۸۱/ فاسِقُونَ/ كافى ۸۲/ لا يَسْتَكْبِرُونَ/ كافى ۸۳/ الشَّاهِدِينَ/ كافى ۸۴/ الصَّالِحِينَ/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۳ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۸۵/ الْمُحْسِنِينَ/ كافى ۸۶/ الْجَحِيمِ/ تام ۸۷/ الْمُعْتَدِينَ/ كافى ۸۸/ مُؤْمِنُونَ/ تام ۸۹/ وَ احْفَظُوا أَيْمانَكُمْ/ كافى ۸۹/ تَشْكُرُونَ/ تام ۹۰/ تُفْلِحُونَ/ تام ۹۱/ مُنْتَهُونَ/ تام ۹۲/ وَ احْذَرُوا/ كافى ۹۲/ الْمُبِينُ/ تام ۹۳/ الْمُحْسِنِينَ/ تام ۹۴/ بِالْغَيْبِ/ كافى ۹۴/ أَلِيمٌ/ تام ۹۵/ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ/ كافى ۹۵/ ذُو انْتِقامٍ/ تام ۹۶/ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ/ كافى ۹۶/ وَ لِلسَّيَّارَةِ/ كافى ۹۶/ ما دُمْتُمْ حُرُماً/ كافى ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۴ آیه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹۶/ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ/ تام ۹۷/ وَ الْقَلائِدَ/ كافى ۹۷/ عَلِيمٌ/ تام ۹۸/ رَحِيمٌ/ تام ۹۹/ إِلَّا الْبَلاغُ/ كافى ۹۹/ تَكْتُمُونَ/ تام ۱۰۰/ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ/ كافى

۱۰۰/ تُفْلِحُونَ/ تام ۱۰۱/ عَفَا اللَّهُ عَنْها/ کافی ۱۰۱/ حَلِیمٌ/ تام ۱۰۲/ کافِرِینَ/ تام ۱۰۳/ لا یَعْقِلُونَ/ تام ۱۰۴/ وَ لا یَهْتَدُونَ/ تام ۱۰۵/ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ/ کافی ۱۰۵/ تَعْمَلُونَ/ تام ۱۰۶/ مُصِیبَةُ الْمَوْتِ/ تام ۱۰۷/ لَمِنَ الظَّالِمِینَ/ کافی ۱۰۸/ بَعْدَ أَیْمانِهِمْ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۸/ وَ اسْمَعُوا/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۰۸/ الْفاسِقِینَ [۱]/ تام ۱۰۹/ لا عِلْمَ لَنا/ کافی ۱۰۹/ عَلَّامُ الْغُیُوبِ/ تام ۱۱۰/ وَ کَهْلًا/ کافی ۱۱۰/ سِحْرٌ مُبِینٌ/ تام ۱۱۱/ مُسْلِمُونَ/ تام ۱۱۲/ مُؤْمِنِینَ/ کافی ۱۱۳/ مِنَ الشَّاهِدِینَ/ کافی ۱۱۴/ خَیْرُ الرَّازِقِینَ/ کافی ۱۱۵/ مِنَ الْعالَمِینَ/ تام ۱۱۶/ ما لَیْسَ لِی/ محل وقف نیست [۲] (گفته شده) می‌توان وقف نمود و از بعدش شروع کرد [۳] ۱۱۶/ الْغُیُوبِ/ تام ۱۱۷/ الرَّقِیبَ عَلَیْهِمْ/ کافی ۱۱۷/ شَهِیدٌ/ تام ۱۱۸/ الْحَکِیمُ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۹/ صِدْقُهُمْ/ کافی ۱۱۹/ وَ رَضُوا عَنْهُ/ کافی ۱۱۹/ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ/ تام ۱۲۰/ وَ ما فِیهِنَّ/ کافی ۱۲۰/ قَدِیرٌ/ تام

[۱]- عامل ناصب در ظرف «یَوْمَ»- در ابتدای آیه ۱۰۹- فعل مضمری نظیر «اتقوا»، «احذروا» یا «اذکروا» می‌باشد. [۲]- زیرا «بِحَقٍّ»، توضیح دهنده «لِی» در همین عبارت است و معنای آن این است که «حق من نیست که این حرف را بزنم». [۳]- توجیه آن، این‌گونه است که «ب» در «بِحَقٍّ» به «فَقَدْ عَلِمْتَهُ» برمی‌گردد با این تقدیر که «ان کنت قلته فقد علمته بحقّ» که این توجیه اشتباه است زیرا تقدیر گرفتن تأخیر انداختن «بِحَقٍّ» از موارد مجاز [غیر حقیقت است و استعمال نمی‌شود مگر اینکه اشاره یا توفیقی نسبت به آن شده یا دلیل قاطعی داشته باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۷

سوره انعام

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ یَعْدِلُونَ/ تام ۲/ ثُمَّ قَضی أَجَلًا [۱]/ کافی ۲/ وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ [۲]/- ۲/ تَمْتَرُونَ/ تام ۳/ وَ هُوَ اللَّهُ/ وقف تام نیست (گفته شده) تام ۳/ فِی السَّماواتِ/ وقف تام نیست (گفته شده) تام ۳/ تَکْسِبُونَ/ تام [۳] (قول مؤلّف و ابن عباس) ۴/ مُعْرِضِینَ/ کافی ۵/ یَسْتَهْزِؤُنَ/ کافی ۶/ بِذُنُوبِهِمْ/ کافی

[۱]- یعنی اجل فرزند آدم در دنیا.

[۲]- یعنی زمان برانگیخته شدن او [در آخرت . قتاده گوید: «ثُمَّ قَضی أَجَلًا» یعنی مرگ. «وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ» یعنی بین مرگ تا برانگیخته شدن. [۳]- زیرا بنابر تقدیم و تأخیر عبارت، معنی چنین است: «و هو اللّه یعلم سرّکم و جهرکم فی السّماوات و فی الارض»؛ همچنین گفته شده معنی این است: «و هو المعبود فی السماوات و فی الارض»؛ و نیز گفته شده: «هو المنفرد فی التّدبیر فیهنّ». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶/ قَرْناً آخَرِینَ/ کافی ۷/ سِحْرٌ مُبِینٌ/ کافی ۸/ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ/ کافی ۹/ ما یَلْبِسُونَ/ کافی ۱۰/ یَسْتَهْزِؤُنَ/ کافی ۱۱/ عاقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ/ کافی ۱۲/ قُلْ لِلَّهِ/ کافی [۱] ۱۲/ الرَّحْمَةَ/ کافی ۱۲/ لا رَیْبَ فِیهِ/ تام [۲] (قول مختار مؤلّف) وقف غیر تام و غیر کافی [۳] ۱۲/ لا یُؤْمِنُونَ/ تام ۱۳/ الْعَلِیمُ/ تام ۱۴/ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ/ کافی ۱۴/ وَ لا یُطْعَمُ/ کافی ۱۴/ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ/ کافی

[۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- چنانچه «الَّذِینَ خَسِرُوا» در ادامه آیه، مبتدا و مرفوع باشد و خبر آن «فَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ» باشد. [۳]- اگر «الَّذِینَ خَسِرُوا» تابع [صفت و مجرور] «عاقِبَةُ الْمُکَذِّبِینَ» در آیه قبل باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۳۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴/ مِنَ الْمُشْرِکِینَ/ تام ۱۵/ یَوْمٍ عَظِیمٍ/ تام ۱۶/ فَقَدْ رَحِمَهُ/ کافی ۱۶/ الْفَوْزُ الْمُبِینُ/ تام ۱۷/ قَدِیرٌ/ تام ۱۸/ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ/ تام ۱۹/ قُلِ اللَّهُ/ کافی ۱۹/ شَهِیدٌ بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ/ کافی ۱۹/ وَ مَنْ بَلَغَ [۱]/ کافی [۲] (گفته شده) تام ۱۹/ لا أَشْهَدُ/ کافی ۱۹/ مِمَّا تُشْرِکُونَ/ تام ۲۰/ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمُ/ کافی (گفته شده) تام ۲۰/ لا یُؤْمِنُونَ/ تام [۳]

[____۱]- معنی این است: «و هرکس قرآن به او برسد». [۲]- ابتدا از عبارت بعدی «أ إِنَّکُمْ لَتَشْهَدُونَ» صحیح است و وقف بر «لَتَشْهَدُونَ» و ابتدا از بعد آن- یعنی «أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْری - صحیح نمی‌باشد. [۳]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۱/ أَوْ کَذَّبَ بِآیاتِهِ/ کافی ۲۵/ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً/ کافی ۲۵/ لا یُؤْمِنُوا بِها/ کافی ۲۶/ وَ ما یَشْعُرُونَ/ تام ۲۷/ عَلَی النَّارِ/ کافی [۱] (گفته شده) حسن [۲] ۲۹/ وَ ما نَحْنُ بِمَبْعُوثِینَ/ تام [۳] ۳۰/ تَکْفُرُونَ/ تام ۳۱/ ما یَزِرُونَ/ تام ۳۲/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ تام ۳۳/ یَجْحَدُونَ/ تام ۳۴/ الْمُرْسَلِینَ/ تام ۳۵/ فَتَأْتِیَهُمْ بِآیَةٍ/ کافی ۳۵/ مِنَ الْجاهِلِینَ/ تام ۳۶/ یَسْمَعُونَ/ کافی (گفته شده) تام ۳۶/ یُرْجَعُونَ/ تام ۳۷/ لا یَعْلَمُونَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۸/ أَمْثالُکُمْ/ کافی [______________________________________۱]- جواب آن، محذوف است. [۲]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. [۳]- گروهی بدون داشتن آشنایی و علم، وقف بر این مورد را انکار کرده‌اند؛ موارد زیر نیز از این دست است: إِنَّکُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ «۱»، و إِنَّکُمْ لَسارِقُونَ «۲»، فَإِنَّ مَصِیرَکُمْ إِلَی النَّارِ «۳»، وَ لَنْ تُفْلِحُوا إِذاً أَبَداً «۴»، وَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً «۵»، وَ إِنَّ عَلَیْکَ لَعْنَتِی إِلی یَوْمِ الدِّینِ «۶»، لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْکُمْ أَجْمَعِینَ «۷»، وَ لَأُصَلِّبَنَّکُمْ أَجْمَعِینَ «۸»، فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ «۹»، فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزاؤُکُمْ جَزاءً مَوْفُوراً «۱۰»، وَ لَتَعْلَمُنَّ أَیُّنا أَشَدُّ عَذاباً وَ أَبْقی «۱۱». دلیل این انکار را به خاطر قبح و زشتی لفظ دانسته‌اند ولی آن‌گونه که آنها گمان کرده‌اند نیست، زیرا نقل قول توسّط خداوند از جانب گوینده سخن بوده و وعیدی است که به کفّار داده و لذا وقف و وصل آن یکسان است [با این توضیح که هرچند وقف تام باشد، اشکال ندارد به عبارت بعدی وصل و در جای مناسب دیگری وقف شود].

(____۱)- نساء: ۱۴۰. (۲)- یوسف: ۷۰.

(۳)- ابراهیم: ۳۰. (۴)- کهف: ۲۰. (۵)- بقره: ۱۱۶. (۶)- ص: ۷۸. (۷)- اعراف: ۱۸. (۸)- شعراء: ۴۹. (۹)- غافر: ۷۶. (۱۰)- اسراء: ۶۳. (۱۱)- طه: ۷۱. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۹/ فِی الظُّلُماتِ/ تام ۳۹/ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ/ اتم نسبت به موضع قبل ۴۱/ ما تُشْرِکُونَ/ تام ۴۵/ رَبِّ الْعالَمِینَ/ تام ۴۶/ یَأْتِیکُمْ بِهِ/ کافی (گفته شده) تام ۴۶/ یَصْدِفُونَ/ تام ۴۷/ الظَّالِمُونَ/ تام ۴۸/ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ/ تام ۴۹/ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ/ تام ۵۰/ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَّ/ کافی ۵۰/ أَ فَلا تَتَفَکَّرُونَ/ تام ۵۱/ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ/ تام ۵۲/ مِنَ الظَّالِمِینَ/ کافی [۱] ۵۴/ سَلامٌ عَلَیْکُمْ/ تام [۲] [____۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب، وقف کافی است [که به‌نظر می‌رسد به صواب نزدیکتر باشد]. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۴/ الرَّحْمَةَ/ کافی است و تام نیست [۱] محل وقف نیست [۲] وقف غیر تام و غیر کافی [اختلاف قرائت [۳] ۵۴/ وَ أَصْلَحَ/ محل وقف نیست [۴] [____۱]- بنابر قرائت «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» در ادامه آیه، درصورتی‌که برای «أَنَّهُ» مبتدایی درنظر بگیریم و جمله به‌صورت «هی انّه» در تقدیر گرفته شود. همچنین بنابر قرائت ابن کثیر، حمزه، کسایی، ابو عمرو و روایت خلف به صورت «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» صحیح است درصورتی‌که «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» جمله جدیدی باشد. [۲]- بنابر قرائت «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» در ادامه آیه، چنانچه «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» بدل از «الرَّحْمَةَ» باشد که درآن‌صورت از آن جدا نمی‌شود. [۳]- بنابر قرائت «أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ» در ادامه آیه، درصورتی‌که «أَنَّهُ» تفسیر «الرَّحْمَةَ» یا «کَتَبَ» در عبارت قبل به معنی «قال» باشد [یعنی «انّه ....» مقول قول فعل «قال» باشد] زیرا دراین‌صورت جمله بعد، متعلق به «الرَّحْمَةَ» است. [۴]- بنابر هر دو قرائت یعنی «فَأَنَّهُ» و «فَإِنَّهُ»؛ زیرا بعد از فاء جواب شرط واقع شده، یا برای تکرار [«انّ» در عبارت قبل مفتوح شده یا بنابر مقدّر گرفتن مبتدا به کار رفته باشد که تقدیرش این‌چنین است «فالّذی له» یا «فامره انّ اللّه غفور رحیم له» یا خبر مقدّری دارد

به‌صورت «فله انّه غفور رحیم» یعنی «فله غفرانه» زیرا فاء متّصل به «انّ» در هر دو قرائت، جواب «من» است و بین شرط و جوابش فاصله نمی‌افتد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۴/ غَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام ۵۵/ الْمُجْرِمِینَ/ تام ۵۶/ الْمُهْتَدِینَ/ تام ۵۷/ عَلی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّی/ کافی ۵۷/ وَ کَذَّبْتُمْ بِهِ/ کافی ۵۷/ ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ/ کافی ۵۷/ وَ هُوَ خَیْرُ الْفاصِلِینَ/ تام [۱] ۵۸/ بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ [۱]/ کافی (گفته شده) تام ۵۸/ بِالظَّالِمِینَ/ تام [۱] ۵۹/ مُبِینٍ/ تام [۱] ۶۰/ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ/ تام [۱] ۶۱/ وَ هُمْ لا یُفَرِّطُونَ/ تام [۱] ۶۲/ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ/ کافی ۶۲/ أَلا لَهُ الْحُکْمُ/ کافی ۶۵/ بَأْسَ بَعْضٍ/ کافی ۶۶/ بِوَکِیلٍ [۲]/ تام

[۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- انتهای آیه در شمارش کوفی است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۷/ مُسْتَقَرٌّ/ کافی [۱] ۶۷/ تَعْلَمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۶۹/ یَتَّقُونَ/ کافی ۷۰/ وَ لا شَفِیعٌ/ کافی ۷۰/ لا یُؤْخَذْ مِنْها/ کافی ۷۰/ بِما کَسَبُوا/ کافی ۷۰/ یَکْفُرُونَ [۲]/ تام ۷۱/ فِی الْأَرْضِ حَیْرانَ/ تام ۷۱/ إِلَی الْهُدَی ائْتِنا [۳]/ کافی ۷۱/ هُوَ الْهُدی کافی ۷۱/ لِرَبِّ الْعالَمِینَ/ کافی ۷۲/ وَ اتَّقُوهُ/ کافی ۷۲/ تُحْشَرُونَ/ کافی ۷۳/ بِالْحَقِّ/ کافی

[۱]- سپس از «وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» شروع می‌شود که عبارت تهدیدآمیزی (برای کافران) است. [۲]- در بعضی از نسخه‌ها، وقف این موضع کافی ذکر شده که ناصحیح است. [۳]- یعنی «از ما پیروی کن». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۳/ وَ یَوْمَ یَقُولُ کُنْ فَیَکُونُ/ کافی [۱] ۷۳/ قَوْلُهُ الْحَقُّ/ کافی ۷۳/ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ/ کافی [۲] وقف غیر کافی [۳] ۷۳/ وَ الشَّهادَةِ/ کافی ۷۳/ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ/ تام ۷۴/ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ/ کافی ۷۵/ وَ الْأَرْضِ/ کافی [۴] ۷۵/ مِنَ الْمُوقِنِینَ/ کافی ۷۶/ الْآفِلِینَ/ کافی

[۱]- «یَوْمَ» با تقدیر اذکر منصوب است. [۲]- وقف درصورتی کافی است که «عالِمُ الْغَیْبِ» در ادامه آیه، خبر مرفوع و تقدیر جمله «هو عالم الغیب» باشد. [۳]- چنانچه «عالِمُ الْغَیْبِ» صفت برای «وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ»، در ابتدای همین آیه باشد. [۴]- از «وَ لِیَکُونَ مِنَ الْمُوقِنِینَ» آغاز می‌شود و تقدیر آن «و لیکون من الموقنین بربّه» می‌باشد و لام [که در این‌جا معنای «تا اینکه» دارد] متعلّق به فعل مقدّری بعد از خود می‌باشد، که عبارت ابتدای آیه- یعنی «وَ کَذلِکَ نُرِی إِبْراهِیمَ»- بر آن دلالت دارد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۷/ الضَّالِّینَ/ کافی ۷۸/ مِمَّا تُشْرِکُونَ/ کافی ۷۹/ مِنَ الْمُشْرِکِینَ/ کافی ۸۰/ شَیْئاً/ کافی ۸۰/ عِلْماً/ کافی ۸۰/ أَ فَلا تَتَذَکَّرُونَ/ کافی ۸۱/ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ/ کافی ۸۲/ مُهْتَدُونَ/ تام ۸۳/ مَنْ نَشاءُ/ کافی ۸۵/ وَ إِلْیاسَ/ کافی ۸۵/ الصَّالِحِینَ/ کافی ۸۷/ مُسْتَقِیمٍ/ کافی ۸۸/ مِنْ عِبادِهِ/ کافی ۸۸/ یَعْمَلُونَ/ کافی ۸۹/ وَ النُّبُوَّةَ/ کافی ۹۰/ فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ [۱]/ تام ۹۰/ لِلْعالَمِینَ/ تام ۹۱/ وَ هُدیً لِلنَّاسِ/ محل وقف نیست [۲] محل وقف است [۳] [اختلاف قرائت ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۸

[۱]- ابو عمرو دانی گوید: «قرّاء و علمای نحو، قطع تلاوت بر تمامی موارد «هاء سکت» را در قرآن کریم می‌پسندند، نظیر «لَمْ یَتَسَنَّهْ» «۱»، «مالِیَهْ» «۲»، «سُلْطانِیَهْ» «۳»، «ما هِیَهْ» «۴» و موارد مشابه دیگر؛ زیرا «هاء سکت» برای رساندن معنی وقف و همچنین برای حفظ فتحه قبلش می‌آید. اگر این فایده [حفظ علامت حرف قبل نبود، به آن (هاء سکت) نیاز نبود و آورده نمی‌شد. حال‌که چنین است، قطع [وقف در تمام مواضع آن لازم می‌باشد. هریک از قرّاء که «هاء سکت» را وصل نموده، هاء را به قصد [نشان دادن حالت وقف، بر آن کلمه، تلفّظ و قرائت کرده است [وقتی وصل می‌شود نیاز به «هاء» نیست. از طرف دیگر، حذف آن مخالف با سیاهه رسم الخط است نقل شده ابو عمرو بصری می‌خواند: «و ما ادراک ما هیه» «۵» و بر آن وقف می‌کرد. از ابو عبید نیز روایت شده است که در تمام این موارد به دلیل همین فایده، وقف بر «هاء سکت» نزد من خوشایندتر است. [۲]- بنابر قرائت «تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا»؛ زیرا این عبارت، مخاطب و متّصل به عبارت خطابی قبل- یعنی «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتابَ»- می‌باشد و از آن جدا نمی‌شود. [۳]- بنابر قرائت ابن

کثیر و ابو عمرو «یجعلونه قراطیس یبدونها و یخفون کثیرا» صحیح است زیرا این عبارت جمله خبری جدا از قبل بوده و از آن منقطع است (_______________. ۱)- بقره: ۲۵۹. (۲)- حاقّه: ۲۸. (۳)- حاقّه: ۲۹. (۴)- قارعه: ۱۰. (۵)- قارعه: ۱۰. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۴۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۱/ قُلِ اللَّهُ/ کافی ۹۱/ یَلْعَبُونَ/ تام ۹۲/ یُحافِظُونَ/ تام ۹۳/ ما أَنْزَلَ اللَّهُ/ کافی ۹۴/ وَراءَ ظُهُورِکُمْ/ کافی ۹۴/ تَزْعُمُونَ/ تام ۹۵/ وَ النَّوی کافی ۹۵/ مِنَ الْحَیِّ/ کافی ۹۵/ تُؤْفَکُونَ/ کافی ۹۶/ حُسْباناً/ کافی ۹۶/ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ/ تام ۹۷/ وَ الْبَحْرِ/ کافی ۹۷/ یَعْلَمُونَ/ تام ۹۸/ وَ مُسْتَوْدَعٌ [۱]/ کافی [_______________ ۱]- از ابن عون نقل شده است که از ابراهیم نخعی در شب وفاتش سؤال شد: معنای «المستقر و المستودع» چیست؟ او گفت: «المستقر» آن چیزی است که در رحم مادر است و «المستودع» آن است که در صلب پدر است. از ابن مسعود در مورد آیه «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ» نقل شده است: «مستقر در آن جهان و مستودع آن در زمین یعنی قبر است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۸/ یَعْلَمُونَ/ تام ۹۹/ خَضِراً/ کافی [۱] ۹۹/ دانِیَةٌ/ محل وقف نیست [۲] محل وقف است [۳] [اختلاف قرائت ۹۹/ وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ/ کافی ۹۹/ وَ یَنْعِهِ/ کافی (گفته شده) تام ۹۹/ یُؤْمِنُونَ/ تام ۱۰۰/ شُرَکاءَ الْجِنَّ/ کافی ۱۰۲/ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ/ کافی ۱۰۲/ فَاعْبُدُوهُ/ کافی [_______________ ۱]- در بعضی از نسخه‌های کتاب آمده است. [۲]- بنابر قرائت «وَ جَنَّاتٍ» در ادامه آیه؛ زیرا «جَنَّاتٍ» منصوب و عطف بر «خَضِراً» است و لذا از معطوف علیه جدا نمی‌شود. [۳]- بنابر قرائت «وَ جَنَّاتٍ» صحیح است؛ زیرا عبارت «وَ جَنَّاتٍ» و بعدش جمله جدیدی است که «جَنَّاتٍ» مبتدای مرفوع و خبر آن مقدّر می‌باشد و تقدیر جمله، چنین است: «و هناک جنّات» یا «لهم جنات». [این قرائت، در قرائات شاذّ است . ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۳/ الْخَبِیرُ/ تام ۱۰۴/ بِحَفِیظٍ/ کافی ۱۰۵/ یَعْلَمُونَ/ کافی ۱۰۶/ الْمُشْرِکِینَ/ کافی ۱۰۷/ بِوَکِیلٍ/ کافی ۱۰۸/ یَعْمَلُونَ/ کافی ۱۰۹/ وَ ما یُشْعِرُکُمْ [۱]/ محل وقف نیست [۲] می‌توان وقف کرد و از بعدش آغاز نمود (قول ابن الانباری و النّحاس) [۳] تام [۴] [اختلاف قرائت ۱۰۹/ لا یُؤْمِنُونَ/ کافی [۵] ۱۱۰/ یَعْمَهُونَ/ کافی [۵] ۱۱۱/ یَجْهَلُونَ/ کافی [۵] ۱۱۲/ وَ ما یَفْتَرُونَ/ کافی [۵] ۱۱۳/ مُقْتَرِفُونَ/ کافی [۵] ۱۱۴/ مُفَصَّلًا/ کافی ۱۱۴/ مِنَ الْمُمْتَرِینَ/ تام ۱۱۵/ لِکَلِماتِهِ/ کافی [_______________ ۱]- قنبل نقل کرده است: «از احمد بن محمد قوّاس شنیدم که می‌گفت: هرجا ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۲ نفسمان قطع شود وقف می‌کنیم مگر سه جا که بر وقف آن تعمّد داریم: ۱- در آیه ۷ سوره آل عمران «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ»؛ سپس از «وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» شروع می‌کنیم. ۲- در آیه ۱۰۹ سوره انعام «وَ ما یُشْعِرُکُمْ»؛ سپس از «أَنَّها إِذا جاءَتْ» آغاز می‌کنیم. ۳- در آیه ۱۰۳ سوره نحل «بَشَرٌ»، سپس از «لِسانُ الَّذِی» شروع می‌کنیم. از قواس، مورد چهارمی را نیز ذکر کرده‌اند که وقف بر «مِنْ مَرْقَدِنا» و شروع از «هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ» «۱» است [_______________. ۲]- بنابر قرائت «أَنَّها» در ادامه آیه؛ چه آنکه برای «أَنَّها» کلمه «لعلّها» در تقدیر گرفته شود یا «لا» در «لا یُؤْمِنُونَ» زائده باشد و تقدیر آن به‌صورت «و ما یشعرکم انّها اذا جاءت لا یؤمنون [او یؤمنون »- که معنای آن «انّها لو جاءت لم یؤمنوا»- است؛ در هر دو صورت به قبل تعلّق دارد و از آن جدا نمی‌شود. [۳]- درصورتی‌که «أَنَّها» به معنای «لعلّها» باشد، وقف را مجاز دانسته‌اند، زیرا در آن، معنای ایجاب است. [یعنی مانند حالت قبل نیست که دو شکل داشته باشد (یا ایمان می‌آورند یا ایمان نمی‌آورند) بلکه می‌فرماید ایمان نمی‌آورند]. [۴]- بنابر قرائت ابن کثیر، ابو عمرو، یعقوب، خلف و یکی از طرق روایت شعبه از عاصم «إِنَّها» در ادامه آیه صحیح است؛ زیرا تقدیر جمله قبل «و ما یشعرکم ایمانهم» است سپس جمله بعدی آغاز و چنین پاسخ داده می‌شود: «إِنَّها ...» لذا جمله بعد از آن جدا می‌باشد. [۵]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

(____۱)- يس: ۵۲. ترجمـه المكتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۵۳ آيه/ كلمه يـا عبارت/ نوع وقف ۱۱۵/ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ/ تـام ۱۱۷/ بِالْمُهْتَدِينَ/ تام ۱۱۸/ مُؤْمِنِينَ/ كافى ۱۱۹/ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ/ كافى [۱] (گفته شده) تام ۱۱۹/ بِالْمُعْتَدِينَ/ كافى ۱۲۰/ وَ باطِنَهُ/ كافى ۱۲۰/ يَقْتَرِفُونَ/ كافى ۱۲۱/ لَفِسْقٌ/ كافى ۱۲۱/ لَمُشْرِكُونَ/ كافى ۱۲۲/ لَيْسَ بِخارِجٍ مِنْها/ كافى ۱۲۲/ يَعْمَلُونَ/ كافى ۱۲۳/ وَ ما يَشْعُرُونَ/ كافى ۱۲۴/ رُسُلُ اللَّهِ/ كـافى ۱۲۴/ رِسـالَتَهُ/ اكفى نسـبت بـه موضـع قبـل ۱۲۴/ يَمْكُرُونَ/ تـام ۱۲۵/ فِي السَّمـاءِ/ كـافى (گفتـه شـده) تـام [____۱]- بنابر بعضـى از نسخه‌هاى كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۵۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۲۵/ لا يُؤْمِنُونَ/ تام [۱] ۱۲۶/ يَذَّكَّرُونَ/ كافى ۱۲۷/ يَعْمَلُونَ/ محل وقف نيست [۲] محل وقف است [۳] [اختلاف قرائت ۱۲۸/ حَكِيمٌ عَلِيمٌ/ كافى ۱۲۹/ يَكْسِبُونَ/ تام ۱۳۰/ أَنْفُسِنا/ كافى ۱۳۰/ كـافِرِينَ/ كافى [____۱]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب. [۲]- بنابر قرائت «وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ» در ابتـداى آيه بعد، زيرا خبر دادن از اسم خداوند متعال- در آيه ۱۲۷ يعنى «وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ»- است؛ لـذا آيه بعد متعلق به اين آيه است و از آن جدا نمى‌شود. [۳]- بنابر روايت شعبه از عاصم و قرائات نافع، ابـو جعفر، ابن كـثير، ابو عمرو، ابن عـامر، حمزه، كسـائى و خلف و روايت رويس از يعقوب به‌صورت «و يوم نحشـرهم» در آيه بعد صحيـح است؛ زيرا جمله اخبارى جـدايى از خداوند است. (لفظ جمع آن جهت تعظيم است و لذا از قبل جداست). ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۵۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۳۲/ مِمَّا عَمِلُوا/ محل وقف نيست [۱] مى‌توان وقف كرد و از بعدش شـروع نمود [۲] [اختلاف قرائت ۱۳۲/ عَمَّا يَعْمَلُونَ/ تـام ۱۳۳/ آخَرِينَ/ تـام ۱۳۴/ لَآتٍ/ كافى ۱۳۴/ بِمُعْجِزِينَ/ تـام ۱۳۵/ إِنِّي عامِلٌ/ كافى [۳] ۱۳۵/ الظَّالِمُونَ/ تـام ۱۳۶/ إِلى شُرَكائِهِمْ/ كافى ۱۳۶/ مـا يَحْكُمُونَ/ تام ۱۳۷/ دِينَهُمْ/ كـافى ۱۳۷/ مـا فَعَلُوهُ/ كافى [____۱]- بنـابر قرائت «بغافـل عما يعملون» در ادامه آيه؛ زيرا قسـمت قبل و بعد اين آيه، بر سياق غايب است و هيچ قسمت از آن، از جزء ديگر جدا نمى‌شود. [۲]- بنابر قرائت ابن عامر به‌صورت «بغافل عما تعملون»؛ زيرا قسمت بعد آيه، جمله مجزاى خطابى است و معناى آن «قل ذلك يا محمد لهم» است و جدا از قبل. [۳]- از «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»- بنابر تهـديد- آغاز مى‌شود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۶ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۳۷/ يَفْتَرُونَ/ تام ۱۳۸/ افْتِراءً عَلَيْهِ/ كافى ۱۳۸/ يَفْتَرُونَ/ تام ۱۳۹/ شُرَكاءُ/ كافى ۱۳۹/ وَصْفَهُمْ/ كافى ۱۳۹/ حَكِيمٌ عَلِيمٌ/ تام ۱۴۰/ عَلَى اللَّهِ/ كافى ۱۴۰/ مُهْتَدِينَ/ تام ۱۴۱/ وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ/ كافى ۱۴۲/ حَمُولَةً وَ فَرْشاً [۱]/ كافى ۱۴۲/ عَدُوٌّ مُبِينٌ/ كافى [۲] (قـول كسـايى، فراء و على بـن سـليمان اخفش) وقـف غير كـافى [۳] (قـول ابـو اسـحاق زجـاج و ديگران) [____۱]- از ابو اسحاق، ذيل آيه «حَمُولَةً وَ فَرْشاً» نقـل شـده است: «الحمولـۀ» يعنى چهارپـايى كه طـاقت حمـل چيزى را دارد و «الفرش» يعنى شتران كم سن و سـال. [۲]- اگر «ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ» در آيه بعد، به تقدير «انشا» (بنابر قول كسائى يا فرّاء) يا «كلوا لحم» (بنابر قول اخفش) منصوب باشد. [۳]- اگر «ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ» بدل از «حَمُولَةً وَ فَرْشاً»، در آيه ۱۴۲ باشـد (بنابر قول زجاج) يا بدل از «ما» در عبارت «مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ»- در آيه ۱۴۲- باشد؛ كه در هر دو حالت، آيه بعـد متعلق به اين آيه است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۱۵۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۴۴/ بِهذا/ كافى ۱۴۴/ بِغَيْرِ عِلْمٍ/ كـافى ۱۴۴/ الظَّالِمِينَ/ تام ۱۴۵/ رِجْسٌ/ كافى ۱۴۵/ أَوْ فِسْقاً [۱]/- ۱۴۵/ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ/ كـافى ۱۴۵/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام [۲] ۱۴۶/ بِعَظْمٍ/ كافى ۱۴۶/ لَصادِقُونَ/ تام ۱۴۷/ الْمُجْرِمِينَ/ تام ۱۴۸/ مِنْ شَيْءٍ/ كافى ۱۴۸/ بَأْسَنا/ كافى ۱۴۸/ تَخْرُصُـونَ/ تـام ۱۴۹/ أَجْمَعِيـنَ/ تـام ۱۵۰/ مَعَهُـمْ/ كـافى [____۱]- عبـارت «أَوْ فِسْقاً» عطف بر «أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ» مى‌باشـد و تقـدير آن بنـابر تـأخير، عبـارت «او لحم خنزير او فسقا فانه رجس» مى‌باشـد. [۲]- بنابر بعضـى از نسخه‌هاى

کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۰/ بِالْآخِرَةِ/ کافی ۱۵۰/ یَعْدِلُونَ/ تام ۱۵۱/ إِحْساناً/ کافی ۱۵۱/ إِلَّا بِالْحَقِّ/ کافی ۱۵۲/ أَوْفُوا/ کافی ۱۵۲/ تَذَکَّرُونَ/ محل وقف نیست [۱] تام [۲] [اختلاف قرائت ۱۵۳/ فَاتَّبِعُوهُ/ کافی ۱۵۳/ عَنْ سَبِیلِهِ/ کافی ۱۵۴/ وَ رَحْمَةً/ کافی ۱۵۴/ یُؤْمِنُونَ/ تام ۱۵۷/ وَ رَحْمَةٌ/ کافی

[۱]- بنابر قرائت «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً» در آیه بعد؛ زیرا عطف به آیه ۱۵۲ و متعلق به آن است و از آن جدا نمی‌شود خواه آنکه عطف بر «ما» در عبارت «قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ» بوده و تقدیر آن «و اتل ما حرم و اتل انّ هذا» می‌باشد یا عطف بر ضمیر «هاء» در عبارت «وَصَّاکُمْ بِهِ» بوده و تقدیر آن «وصاکم به و بان هذا» باشد. [۲]- بنابر قرائات حمزه، کسائی و خلف به صورت «و ان هذا صراطی مستقیما» در آیه بعد؛ زیرا این جمله جدیدی است و جدا از قبل. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۵۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۷/ وَ صَدَفَ عَنْها/ کافی ۱۵۷/ یَصْدِفُونَ/ تام ۱۵۸/ بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ/ کافی ۱۵۸/ خَیْراً [۱]/ کافی (گفته شده) تام ۱۵۸/ مُنْتَظِرُونَ/ تام ۱۵۹/ یَفْعَلُونَ/ تام ۱۶۰/ لا یُظْلَمُونَ/ تام ۱۶۱/ مُسْتَقِیم/ حسن ۱۶۱/ مِنَ الْمُشْرِکِینَ/ تام ۱۶۲/ رَبِّ الْعالَمِینَ/ حسن ۱۶۳/ لا شَرِیکَ لَهُ/ کافی تام (قول الدّینوری) ۱۶۳/ أُمِرْتُ/ کافی تام (قول الدّینوری) ۱۶۳/ الْمُسْلِمِینَ/ تام ۱۶۴/ وَ هُوَ رَبُّ کُلِّ شَیْءٍ/ کافی

[۱]- عبید بن عمیر در مورد آیه ۱۵۸، از عبارت «یَوْمَ یَأْتِی» تا «خَیْراً» گفته است: «منظور طلوع خورشید از مغرب آن است». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۶۴/ إِلَّا عَلَیْها/ کافی ۱۶۴/ وِزْرَ أُخْری کافی ۱۶۴/ تَخْتَلِفُونَ/ تام ۱۶۵/ فِی ما آتاکُمْ/ کافی ۱۶۵/ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۱

سوره اعراف

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ المص/ تام [۱] (قول ابن عباس) (گفته شده) کافی [۲] ۲/ حَرَجٌ مِنْهُ/ محل وقف نیست کافی (قول ابو حاتم و ابن عبد الرزاق) ۲/ لِلْمُؤْمِنِینَ/ تام ۳/ أَوْلِیاءَ/ تام ۳/ تَذَکَّرُونَ/ اتم نسبت به موضع قبل ۷/ بِعِلْمٍ/ کافی ۷/ غائِبِینَ/ تام ۸/ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ/ کافی ۸/ الْمُفْلِحُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۹/ یَظْلِمُونَ/ تام ۱۰/ فِیها مَعایِشَ/ کافی ۱۰/ تَشْکُرُونَ/ تام ۱۱/ مِنَ السَّاجِدِینَ/ کافی

[۱]- معنای آن نزد ابن عباس «انا اللّه اعلم و افصل» است. [۲]- زیرا آیه بعد، [خبر مبتدای محذوف می‌باشد] تقدیرش «هذا کتاب» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲/ مِنْ طِینٍ/ کافی ۱۳/ مِنَ الصَّاغِرِینَ/ کافی ۱۴/ یُبْعَثُونَ/ کافی ۱۵/ مِنَ الْمُنْظَرِینَ/ کافی ۱۶/ الْمُسْتَقِیمَ/ کافی ۱۷/ شَمائِلِهِمْ/ کافی ۱۷/ شاکِرِینَ/ کافی ۱۸/ مَدْحُوراً/ کافی تام (قول ابو حاتم و ابن عبد الرزاق) ۱۸/ أَجْمَعِینَ/ تام ۲۰/ مِنْ سَوْآتِهِما/ کافی (گفته شده) تام ۲۲/ بِغُرُورٍ/ کافی ۲۴/ قالَ اهْبِطُوا/ کافی ۲۴/ عَدُوٌّ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۲۴/ إِلی حِینٍ/ اکفی نسبت به دو موضع قبل ۲۵/ وَ مِنْها تُخْرَجُونَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۶/ وَ رِیشاً/ محل وقف (کافی) است [۱] محل وقف نیست [۲] [اختلاف قرائت ۲۶/ ذلِکَ خَیْرٌ/ کافی [۳] ۲۶/ یَذَّکَّرُونَ/ تام ۲۷/ لا تَرَوْنَهُمْ/ کافی ۲۸/ أَمَرَنا بِها/ کافی ۲۸/ بِالْفَحْشاءِ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۲۸/ ما لا تَعْلَمُونَ/ تام

[۱]- زیرا عبارت بعد مبتدا و مرفوع می‌باشد؛ «ذلِکَ» نعت [عطف بیان است و «لِباسُ» و «خَیْرٌ» خبر است. همچنین تقدیر عبارت، این است که «لباس التقوی المشار الیه خیر لمن اخذ به من الکسوة و الاثاث». و لباس تقوی یعنی «حیا و شرم»؛ لذا این عبارت، جدا از قبل خواهد بود. [۲]- بنابر قرائات نافع، ابو جعفر، ابن عامر و کسائی، در عبارت بعد، به‌صورت «و لباس التقوی» محل وقف نیست زیرا عطف به «لِباساً» در ابتدای جمله می‌باشد و از آن جدا نمی‌شود. [۳]- بنابر هر دو قرائت مذکور. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن،

ص: ۱۶۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۹/ تَعُودُونَ [۱]/ تام [۲] (قول مختار مؤلف) کافی [۳] ۳۰/ الضَّلالَةُ/ کافی [۴]

[۱]- انتهای آیه، در شمارش آیات به شیوه کوفی است. [۲]- درصورتی‌که «فَرِیقاً»- در آیه بعد- منصوب به وسیله فعل «هَدی باشد و تقدیر آن «هدی فریقا و اضلّ فریقا» درنظر گرفته شود. حدیث مسند صحت این قول را تأیید می‌کند که از ابن عباس از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله روایت شده است که «انکم محشورون حفاة عراة غرلا» [شما درحالی محشور می‌شوید که بدون کفش و لباس و تمایلات جنسی هستید] سپس قرائت کرد: «کَما بَدَأْنا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِیدُهُ وَعْداً عَلَیْنا إِنَّا کُنَّا فاعِلِینَ» «۱». [۳]- چنانچه «فَرِیقاً»، منصوب به فعل «تَعُودُونَ» باشد، که تقدیر آن: «تعودون فریقین: فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة» است یعنی درحال هدایت و گمراهی بازمی گردید. روایت تفسیری نیز دراین‌مورد رسیده است. از مجاهد در مورد این آیه نقل شده: «آن شقاوت و سعادت است». از ابو العالیة در مورد «کَما بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ» نقل شده است: مردم به همان علم و آگاهی الهی که در مورد آنها بود بازگشتند. آیا نمی‌بینی که خداوند فرموده است: فَرِیقاً هَدی وَ فَرِیقاً حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلالَةُ. [این روایت، با تفسیر مجاهد هماهنگی دارد]. [۴]- بنابر هر دو وجه فوق الذکر.

(۱)- انبیاء: ۱۰۴. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۰/ مُهْتَدُونَ/ تام ۳۲/ الْحَیاةِ الدُّنْیا/ محل وقف نیست [۱] محل وقف است [۲] [اختلاف قرائت ۳۲/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ کافی [۳] ۳۳/ ما لا تَعْلَمُونَ/ تام [۴] ۳۴/ وَ لا یَسْتَقْدِمُونَ/ تام ۳۵/ یَحْزَنُونَ/ تام ۳۶/ خالِدُونَ/ تام ۳۷/ أَوْ کَذَّبَ بِآیاتِهِ/ کافی

[۱]- زیرا ادامه آیه، «خالِصَةً»، متعلق به «لِلَّذِینَ آمَنُوا» و حال برای آن است. همچنین تقدیر آن «هی مستقرة للذین آمنوا فی حال خلوصها یوم القیامة و ان شرکهم فیها غیرهم من الکفار فی الحیاة الدنیا» است و لذا از آن جدا نمی‌شود. [۲]- بنابر قرائت نافع، «خالِصَةٌ» می‌توان بر کلمه «الدُّنْیا» وقف کرد زیرا ادامه آیه، جدا بوده و خبری برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن «قل هی للذین آمنوا و لغیرهم فی الحیاة الدنیا و هی خالصة للمؤمنین یوم القیامة» می‌باشد. [۳]- بنابر هر دو قرائت. [۴]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۷/ کافِرِینَ/ کافی ۳۸/ فِی النَّارِ/ کافی ۳۸/ مِنَ النَّارِ [۱]/ کافی ۳۸/ لا تَعْلَمُونَ/ تام [۲] ۳۹/ مِنْ فَضْلٍ/ کافی ۳۹/ تَکْسِبُونَ/ تام ۴۰/ فِی سَمِّ الْخِیاطِ/ کافی ۴۱/ غَواشٍ/ کافی ۴۱/ الظَّالِمِینَ/ تام ۴۳/ بِالْحَقِّ/ کافی ۴۳/ تَعْمَلُونَ/ تام (گفته شده) کافی [۳] ۴۴/ قالُوا نَعَمْ/ کافی ۴۴/ الظَّالِمِینَ/ کافی ۴۵/ کافِرُونَ/ کافی

[۱]- انتهای آیه، در شمارش آیات به شیوه‌های مدنی اول، مدنی دوم و مکی است. [۲]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب [۳]- بنابر نسخه‌ای از کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۶/ حِجابٌ/ کافی ۴۶/ بِسِیماهُمْ/ کافی ۴۶/ أَنْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ/ کافی ۴۶/ لَمْ یَدْخُلُوها [۱]/ کافی کافی نیست [۲] ۴۶/ وَ هُمْ یَطْمَعُونَ/ کافی ۴۷/ الظَّالِمِینَ/ کافی ۴۸/ تَسْتَکْبِرُونَ/ کافی ۴۹/ بِرَحْمَةٍ/ کافی (گفته شده) تام [۳] ۴۹/ الْجَنَّةَ/ کافی [۴]

[۱]- معنی این است که «داخل نمی‌شوند درحالی‌که آنها طمع وارد شدن به بهشت دارند»؛ لذا جحد (نفی) بر دخول تعلق می‌گیرد. [۲]- چنانچه جحد (نفی) به طمع، متعلق باشد و تقدیر آن، این باشد: «دخلوها و هم لا یطمعون فی دخولها» [با حالت طمع داخل آن نمی‌شوند]. [۳]- تفسیر روایت شده از یحیی بن سلام بر این قول دلالت می‌کند؛ او گوید: «در اینجا سخن فرشتگان پایان می‌پذیرد و سپس خداوند می‌فرماید «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» [داخل بهشت شوید]». [۴]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۹/ تَحْزَنُونَ/ تام ۵۰/ عَلَی الْکافِرِینَ/ کافی [۱] غیر کافی [۲] (حسن) ۵۱/ الْحَیاةُ الدُّنْیا/

کافی ۵۱/ یَجْحَدُونَ/ تام ۵۲/ یُؤْمِنُونَ/ تام ۵۳/ تَأْوِیلَهُ/ کافی ۵۳/ کُنَّا نَعْمَلُ/ کافی ۵۳/ یَفْتَرُونَ/ تام ۵۴/ عَلَی الْعَرْشِ/ کافی ۵۴/ حَثِیثاً/ محـــــل وقـــــف نیســـــت [۳] محـــــل وقـــــف اســـــت [۴] [اختلاف قرائت

[____۱]- اگر «الَّذِینَ اتَّخَذُوا» در آیه بعد، منصوب و تقدیر آن «اعنی» باشد؛ یا «الَّذِینَ اتَّخَذُوا» در موضع رفع و تقدیر آن «هم الذین» باشد. [۲]- درصورتی‌که «الَّذِینَ» صفت «الْکافِرِینَ» باشد. [۳]- زیرا کلمات بعد «وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ» عطف بر قبل بوده و از آن جدا نمی‌شود. [۴]- بنابر قرائت ابن عامر در کلمات بعد به صورت «وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۶۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۴/ بِأَمْرِهِ/ کافی [۱] تام [۲] (قول ابن انباری) ۵۴/ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ/ کافی ۵۴/ رَبُّ الْعالَمِینَ/ تام ۵۵/ وَ خُفْیَةً/ کافی ۵۵/ الْمُعْتَدِینَ/ تام ۵۶/ خَوْفاً وَ طَمَعاً/ کافی ۵۶/ مِنَ الْمُحْسِنِینَ/ تام ۵۷/ الثَّمَراتِ/ کافی ۵۷/ تَذَکَّرُونَ/ تام ۵۸/ بِإِذْنِ رَبِّهِ/ کافی [۳] ۵۸/ إِلَّا نَکِداً [۴]/ کافی ۵۸/ یَشْکُرُونَ/ تام ۵۹/ غَیْرُهُ/ کافی ۵۹/ یَوْمٍ عَظِیمٍ/ کافی

[____۱]- بنابر هر دو قرائت. [۲]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. [۳]- بنابر نسخه‌ای از کتاب. [۴]- «نکد» یعنی «کم و اندک». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۰/ ضَلالٍ مُبِینٍ/ کافی ۶۱/ الْعالَمِینَ/ کافی ۶۲/ لا تَعْلَمُونَ/ کافی ۶۳/ تُرْحَمُونَ/ کافی ۶۴/ قَوْماً عَمِینَ/ تام ۶۵/ أَ فَلا تَتَّقُونَ/ کافی ۶۶/ مِنَ الْکاذِبِینَ/ کافی ۶۷/ رَبِّ الْعالَمِینَ/ کافی ۶۸/ ناصِحٌ أَمِینٌ/ کافی ۶۹/ تُفْلِحُونَ/ کافی ۷۰/ مِنَ الصَّادِقِینَ/ کافی ۷۱/ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ/ کافی ۷۲/ کَذَّبُوا بِآیاتِنا/ کافی ۷۲/ مُؤْمِنِینَ/ تام ۷۳/ مِنْ رَبِّکُمْ/ کافی ۷۳/ فِی أَرْضِ اللَّهِ/ کافی ۷۳/ عَذابٌ أَلِیمٌ/ کافی ۷۴/ بُیُوتاً/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۴/ مُفْسِدِینَ/ کافی ۷۵/ مُؤْمِنُونَ/ کافی ۷۶/ کافِرُونَ/ کافی ۷۷/ مِنَ الْمُرْسَلِینَ/ کافی ۷۸/ جاثِمِینَ/ کافی ۷۹/ النَّاصِحِینَ/ تام ۸۰/ مِنَ الْعالَمِینَ/ کافی ۸۱/ مُسْرِفُونَ/ کافی ۸۲/ یَتَطَهَّرُونَ/ کافی ۸۳/ الْغابِرِینَ/ کافی ۸۴/ الْمُجْرِمِینَ/ کافی ۸۵/ وَ الْمِیزانَ/ کافی ۸۵/ مُؤْمِنِینَ/ کافی ۸۶/ عِوَجاً/ اکفی نسبت به موضع قبل ۸۶/ فَکَثَّرَکُمْ/ کافی ۸۶/ الْمُفْسِدِینَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۸۹/ عِلْماً/ کافی ۸۹/ تَوَکَّلْنا/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۹/ خَیْرُ الْفاتِحِینَ/ تام ۹۱/ جاثِمِینَ/ تام ۹۲/ کَأَنْ لَمْ یَغْنَوْا فِیهَا/ کافی ۹۲/ الْخاسِرِینَ/ کافی ۹۳/ کافِرِینَ/ تام ۹۵/ حَتَّی عَفَوْا/ کافی ۹۵/ بَغْتَةً/ کافی ۹۵/ لا یَشْعُرُونَ/ کافی ۹۶/ یَکْسِبُونَ/ کافی ۹۷/ نائِمُونَ/ کافی ۹۸/ یَلْعَبُونَ/ کافی ۹۹/ أَ فَأَمِنُوا مَکْرَ اللَّهِ/ کافی ۹۹/ الْخاسِرُونَ/ تام ۱۰۰/ بِذُنُوبِهِمْ/ کافی ۱۰۰/ فَهُمْ لا یَسْمَعُونَ/ کافی ۱۰۱/ مِنْ أَنْبائِها/ کافی ۱۰۱/ مِنْ قَبْلُ/ کافی ۱۰۱/ الْکافِرِینَ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۲/ مِنْ عَهْدٍ/ کافی ۱۰۲/ لَفاسِقِینَ/ تام ۱۰۳/ فَظَلَمُوا بِها/ کافی ۱۰۳/ الْمُفْسِدِینَ/ تام ۱۰۵/ إِلَّا الْحَقَّ/ کافی ۱۰۵/ بَنِی إِسْرائِیلَ [۱]/ کافی ۱۰۶/ مِنَ الصَّادِقِینَ/ کافی ۱۰۷/ ثُعْبانٌ مُبِینٌ/ کافی ۱۰۸/ لِلنَّاظِرِینَ/ کافی ۱۰۹/ لَساحِرٌ عَلِیمٌ/ کافی ۱۱۰/ مِنْ أَرْضِکُمْ/ کافی [۲] ۱۱۰/ تَأْمُرُونَ/ کافی ۱۱۱/ حاشِرِینَ/ کافی ۱۱۲/ عَلِیمٍ/ کافی ۱۱۳/ الْغالِبِینَ/ کافی ۱۱۴/ لَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ/ کافی ۱۱۵/ نَحْنُ الْمُلْقِینَ/ کافی

[____۱]- انتهای آیه است. [۲]- زیرا ادامه آیه، سخن فرعون است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۶/ أَلْقُوا/ کافی ۱۱۶/ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ/ کافی ۱۱۶/ بِسِحْرٍ عَظِیمٍ/ کافی ۱۱۷/ یَأْفِکُونَ/ کافی ۱۱۸/ کانُوا یَعْمَلُونَ/ کافی ۱۱۹/ صاغِرِینَ/ کافی ۱۲۰/ ساجِدِینَ/ کافی ۱۲۱/ الْعالَمِینَ/ کافی ۱۲۲/ وَ هارُونَ/ کافی ۱۲۳/ أَهْلَها/ کافی ۱۲۳/ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ/ کافی ۱۲۴/ أَجْمَعِینَ/ کافی ۱۲۵/ مُنْقَلِبُونَ/ کافی ۱۲۶/ لَمَّا جاءَتْنا/ کافی ۱۲۶/ صَبْراً/ کافی ۱۲۶/ مُسْلِمِینَ/ تام ۱۲۷/ وَ یَذَرَکَ وَ آلِهَتَکَ/ کافی ۱۲۸/ مِنْ عِبادِهِ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲۸/ لِلْمُتَّقِینَ/ تام ۱۲۹/ ما جِئْتَنا/ کافی ۱۲۹/ تَعْمَلُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۳۱/ هذِهِ/ کافی ۱۳۱/ وَ مَنْ مَعَهُ/ کافی ۱۳۱/ لا یَعْلَمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۳۲/

بِمُؤْمِنِينَ/ کافی [۱] ۱۳۳/ مُجْرِمِينَ/ کافی [۱] ۱۳۴/ بَنِي إِسْرائِيلَ/ کافی [۱] ۱۳۵/ يَنْكُثُونَ/ کافی [۱] ۱۳۶/ غافِلِينَ/ کافی ۱۳۷/ بارَكْنا فِيها/ کافی ۱۳۷/ بِما صَبَرُوا/ کافی ۱۳۷/ يَعْرِشُونَ/ کافی ۱۳۸/ عَلى أَصْنامٍ لَهُمْ/ کافی ۱۳۸/ تَجْهَلُونَ/ کافی ۱۳۹/ ما كانُوا يَعْمَلُونَ/ کافی [۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴۰/ عَلَى الْعالَمِينَ/ کافی [۱] محل وقف نیست [۲] [اختلاف قرائت ۱۴۱/ سُوءَ الْعَذابِ/ کافی ۱۴۱/ عَظِيمٌ/ تام ۱۴۲/ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً/ کافی ۱۴۲/ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ/ تام ۱۴۴/ مِنَ الشَّاكِرِينَ/ تام ۱۴۵/ بِأَحْسَنِها/ کافی ۱۴۵/ دارَ الْفاسِقِينَ/ کافی ۱۴۶/ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا/ کافی ۱۴۶/ غافِلِينَ/ کافی ۱۴۷/ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ/ کافی ۱۴۷/ ما كانُوا يَعْمَلُونَ/ تام [۱]- می‌توان از آیه بعد آغاز نمود زیرا سخن موسی علیه السّلام در آیه ۱۴۰ به اتمام می‌رسد. [۲]- بنابر قرائت ابن عامر در آیه بعد به صورت «و اذ انجاکم»؛ زیرا آیه بعد، ادامه کلام حضرت موسی علیه السّلام می‌باشد که از خداوند متعال خبر داده است و به دنبال آیه «قالَ أ غَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلهاً» می‌باشد و از آن جدا نمی‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴۸/ لَهُ خُوارٌ/ کافی ۱۵۰/ أَمْرَ رَبِّكُمْ/ کافی ۱۵۰/ يَقْتُلُونَنِي/ کافی ۱۵۰/ الظَّالِمِينَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۵۱/ فِي رَحْمَتِكَ/ کافی ۱۵۱/ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ/ تام ۱۵۲/ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا/ تام [۱] کافی [۲] ۱۵۲/ الْمُفْتَرِينَ [۳]/ تام ۱۵۳/ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام ۱۵۴/ يَرْهَبُونَ/ تام ۱۵۵/ وَ إِيَّايَ/ کافی ۱۵۵/ وَ ارْحَمْنا/ کافی ۱۵۵/ خَيْرُ الْغافِرِينَ/ کافی [۱]- درصورتی تام است که تا این قسمت، سخن موسی علیه السّلام باشد- که خداوند آن را نقل نموده- و ادامه آیه کلام الهی باشد. این قول، با سیاق آیات مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد. [۲]- چنانچه تمام آیه سخن خداوند متعال باشد. [۳]- سفیان در مورد این عبارت گوید: «تمام بدعت‌گذاران ذلیل هستند». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۵۶/ إِنَّا هُدْنا إِلَيْكَ/ کافی ۱۵۶/ مَنْ أَشاءُ/ کافی ۱۵۷/ فِي التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِيلِ/ کافی ۱۵۷/ كانَتْ عَلَيْهِمْ/ کافی ۱۵۷/ هُمُ الْمُفْلِحُونَ/ تام ۱۵۸/ يُحيِي وَ يُمِيتُ/ کافی ۱۵۸/ تَهْتَدُونَ/ تام ۱۵۹/ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ/ تام ۱۶۰/ أَسْباطاً أُمَماً/ کافی ۱۶۰/ مَشْرَبَهُمْ/ کافی ۱۶۰/ يَظْلِمُونَ/ کافی ۱۶۱/ خَطِيئاتِكُمْ/ کافی ۱۶۲/ بِما كانُوا يَظْلِمُونَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۶۳/ لا تَأْتِيهِمْ/ کافی (گفته شده) تام ۱۶۳/ يَفْسُقُونَ/ کافی ۱۶۴/ عَذاباً شَدِيداً/ کافی ۱۶۴/ يَتَّقُونَ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۷۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۶۵/ يَفْسُقُونَ/ کافی ۱۶۶/ خاسِئِينَ/ کافی ۱۶۷/ سُوءَ الْعَذابِ/ کافی ۱۶۷/ رَحِيمٌ/ کافی ۱۶۸/ أُمَماً/ کافی ۱۶۸/ دُونَ ذلِكَ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۶۸/ يَرْجِعُونَ/ کافی ۱۶۹/ يَأْخُذُوهُ/ کافی ۱۶۹/ إِلَّا الْحَقَّ/ کافی ۱۶۹/ وَ دَرَسُوا ما فِيهِ/ کافی ۱۶۹/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ کافی ۱۷۰/ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ/ کافی ۱۷۰/ الْمُصْلِحِينَ/ تام ۱۷۱/ تَتَّقُونَ/ تام ۱۷۲/ قالُوا بَلى تام [۱] (قول مختار مؤلف، نافع، محمد بن عیسی، قتبی و دینوری) وقف تام نیست [۲] [اختلاف قرائت ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۰ [۱]- زیرا «أَنْ تَقُولُوا» به «شَهِدْنا» تعلق دارد. بنابر اینکه این وقف تام باشد. «شَهِدْنا» سخن فرشتگان است درزمانی‌که خداوند پشت آدم را لمس کرد و فرزندانش را از او خارج کرد و فرمود: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: بله؛ و به بندگی خدا اقرار نمودند. سپس به فرشتگان فرمود: شاهد باشید. آنها نیز گفتند: گواه هستیم. این عقیده مجاهد، ضحاک و سدی است. همچنین از کلبی نقل شده است که گفت: خداوند پشت آدم را لمس نموده و تمام مخلوقات که خالق آنها خواهد بود را بیرون آورده، فرمود: آیا پروردگارتان نیستم؟ گفتند: بله؛ و سپس به فرشتگان فرمود: گواهی دهید. آنها هم گفتند: شاهدیم. حسن [بصری گوید: سپس تمام آنها را به صلب آدم بازگرداند. گفته شده است: «شَهِدْنا» سخن خدا و فرشتگان است و معنایش این است که بر اقرار شما انسان‌ها، [نسبت به توحید] گواهیم. این نظر ابو

مالك است كه از سدى هم نقل شده است. به عقيده كوفيان «أَنْ تَقُولُوا» يعنى: تا اينكه نگوييد. به عقيده بصريان يعنى: به اين دليل كه خوددارى كنيد از اينكه بگوييد. [۲]- بنابر قرائت ابو عمرو به‌صورت «ان يقولوا»، وقف بر «بَلى تام نيست؛ زيرا اين عبارت به عبارت «وَ أَشْهَدَهُمْ» تعلق دارد. (قول ابن انبارى نيز چنين است). ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۷۲/ شَهِدْنا/ محل وقف نيست كافى [۱] (قول احمد بن موسى، ابو حاتم، اخفش و ابن عبد الرزاق) ۱۷۴/ يَرْجِعُونَ/ تام ۱۷۶/ وَ اتَّبَعَ هَواهُ/ كافى ۱۷۶/ يَلْهَثْ/ كافى ۱۷۶/ بِآياتِنا/ كافى ۱۷۶/ يَتَفَكَّرُونَ/ تام ۱۷۷/ يَظْلِمُونَ/ تام ۱۷۸/ هُمُ الْخاسِرُونَ/ تام ۱۷۹/ وَ الْإِنْسِ/ كافى ۱۷۹/ بَلْ هُمْ أَضَلُّ/ كافى ۱۷۹/ هُمُ الْغافِلُونَ/ تام [____۱]- بنابر طبق اين عقيده، «شَهِدْنا»

سخن فرزندان آدم و معناى آن چنين است: گواهى داديم تو پروردگار و معبود مايى. اين نظر ابى بن كعب و ابن عباس است چنان‌كه از ابن عباس نقل شده است: خداوند، آدم را در هند به زمين فرستاد. سپس پشت وى را لمس نمود و تمام انسان‌هايى كه تا روز قيامت خلق خواهد كرد را از او خارج كرد. سپس فرمود: آيا من پروردگار شما نيستم؟ گفتند: بله بر اين گواهيم. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۸۰/ فَادْعُوهُ بِها/ كافى ۱۸۰/ أَسْمائِهِ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۱۸۰/ يَعْمَلُونَ/ تام ۱۸۱/ يَعْدِلُونَ/ تام ۱۸۳/ وَ أُمْلِي لَهُمْ/ كافى ۱۸۳/ مَتِينٌ/ تام ۱۸۴/ أَ وَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا/ تام ۱۸۴/ مِنْ جِنَّةٍ/ كافى ۱۸۴/ نَذِيرٌ مُبِينٌ/ تام ۱۸۵/ أَجَلُهُمْ/ كافى ۱۸۵/ يُؤْمِنُونَ/ تام ۱۸۶/ فَلا هادِيَ لَهُ/ محل وقف (كافى) است [۱] محل وقف نيست [۲] [اختلاف قرائت [____۱]- بنابر قرائات

عاصم، ابو عمرو و يعقوب در ادامه آيه به‌صورت «وَ يَذَرُهُمْ» و همچنين قرائات نافع، ابو جعفر، ابن كثير و ابن عامر به‌صورت «و نذرهم» مى‌توان بر «فَلا هادِيَ لَهُ» وقف و از ادامه آيه شروع كرد، چون ادامه آيه جمله كامل و جديدى است كه عطف بر جمله كامل اول شده است. البته طبق قرائت «و نذرهم» شروع از ادامه آيه بهتر است زيرا دراين‌صورت جدا از قبل است ولى «وَ يَذَرُهُمْ» به نام خداوند در اول آيه بازمى‌گردد. [۲]- بنابر قرائات حمزه، كسائى و خلف به‌صورت «وَ يَذَرُهُمْ»، عبارت «فَلا هادِيَ لَهُ» محل وقف نيست زيرا ادامه آيه، عطف بر محل «ف» در «فَلا هادِيَ لَهُ» است و از آن جدا نمى‌شود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۸۷/ إِلَّا هُوَ/ كافى ۱۸۷/ إِلَّا بَغْتَةً/ كافى ۱۸۷/ حَفِيٌّ عَنْها [۱]/ كافى ۱۸۷/ عِنْدَ اللَّهِ/ كافى ۱۸۷/ لا يَعْلَمُونَ/ تام ۱۸۸/ ما شاءَ اللَّهُ/ كافى ۱۸۸/ وَ ما مَسَّنِيَ السُّوءُ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۱۸۸/ يُؤْمِنُونَ/ تام ۱۸۹/ لِيَسْكُنَ إِلَيْها/ كافى ۱۸۹/ فَمَرَّتْ بِهِ/ كافى ۱۹۰/ فِيما آتاهُما/ تام [۲] (قول مؤلف) كافى (قول ديگران) ۱۹۰/ عَمَّا يُشْرِكُونَ [۳]/ كافى [____۱]- معناى آن «يسئلونك عنها

كانك حفى بهم» است. مجاهد گفته است: «كانك عالم بها». [۲]- زيرا اينجا پايان ماجراى آدم و حواست و موضوع بعدى جدا از آن است. [۳]- منظور، مشركان عرب است. قتاده درمورد «جَعَلا لَهُ شُرَكاءَ فِيما آتاهُما» گفته است: آن فرزند، شريك پدر و مادرش در اطاعت ابليس بود از آن‌جهت كه نامش را عبد الحارث نهادند ولى در بندگى شيطان، شريك نبودند. سپس گويد: قصه آدم و حوا تمام شد. «فَتَعالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» يعنى مشركان از فرزندان حضرت آدم عليه السّلام. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۹۲/ يَنْصُرُونَ/ تام ۱۹۳/ لا يَتَّبِعُوكُمْ/ كافى ۱۹۳/ صامِتُونَ/ تام ۱۹۴/ صادِقِينَ/ تام ۱۹۵/ يَسْمَعُونَ بِها/ كافى ۱۹۵/ فَلا تُنْظِرُونِ/ تام ۱۹۶/ نَزَّلَ الْكِتابَ/ كافى ۱۹۶/ الصَّالِحِينَ/ تام ۱۹۷/ يَنْصُرُونَ/ تام ۱۹۸/ لا يَسْمَعُوا/ كافى ۱۹۸/ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ/ تام ۲۰۰/ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ/ كافى ۲۰۰/ سَمِيعٌ عَلِيمٌ/ تام ۲۰۱/ مُبْصِرُونَ/ تام ۲۰۲/ ثُمَّ لا يُقْصِرُونَ/ كافى ۲۰۳/ لَوْ لا اجْتَبَيْتَها/ كافى ۲۰۳/ مِنْ رَبِّي/ كافى ۲۰۳/ يُؤْمِنُونَ/ تام ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۰۴/ تُرْحَمُونَ/ تام ۲۰۵/ الْغافِلِينَ/ كافى ۲۰۶/ يَسْجُدُونَ/ تام [۱] [____۱]- بنابر نسخه‌اى از كتاب. ترجمه

المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۷

سوره انفال

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ وَ الرَّسُولِ/ کافی ۱/ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ/ تام ۳/ یُنْفِقُونَ/ کافی ۴/ حَقًّا/ کافی ۴/ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ/ کافی ۵/ بِالْحَقِّ [۱]/ حسن ۶/ وَ هُمْ یَنْظُرُونَ/ تام ۷/ تَکُونُ لَکُمْ/ کافی ۸/ الْمُجْرِمُونَ/ کافی ۱۰/ عَزِیزٌ حَکِیمٌ/ کافی ۱۱/ الْأَقْدامَ/ کافی ۱۲/ فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا/ کافی ۱۲/ کُلَّ بَنانٍ/ کافی ۱۳/ وَ رَسُولَهُ/ کافی ۱۴/ فَذُوقُوهُ/ کافی [۲] [_______________ ۱]- جواب «کَما أَخْرَجَکَ رَبُّکَ مِنْ بَیْتِکَ بِالْحَقِّ» در ادامه آیه است یعنی عبارت «وَ إِنَّ فَرِیقاً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ لَکارِهُونَ». [۲]- سپس، از ادامه آیه می‌توان آغاز کرد و فعل «اعلموا» را در تقدیر گرفت. (این نظر فرّاء است) ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۴/ عَذابَ النَّارِ/ تام ۱۶/ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ/ کافی ۱۶/ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۸/ کَیْدِ الْکافِرِینَ/ تام ۱۹/ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ/ کافی ۱۹/ وَ لَوْ کَثُرَتْ/ محل وقف کافی نیست [۱] کافی [۲] [اختلاف قرائت ۱۹/ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ/ تام ۲۰/ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ/ کافی ۲۳/ لَأَسْمَعَهُمْ/ کافی ۲۳/ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ/ تام ۲۴/ لِما یُحْیِیکُمْ/ کافی ۲۴/ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ/ کافی ۲۵/ خَاصَّةً/ کافی [_______________ ۱]- به جهت تعلق داشتن ادامه آیه به جملات قبل، وقف بر «وَ لَوْ کَثُرَتْ» و شروع از «وَ أَنَّ اللَّهَ» صحیح نیست، زیرا تقدیر آن چنین است: «و لو کثرت و لان الله مع المؤمنین». [زیرا خدا خود امر کرده است . [۲]- اگر ادامه آیه- طبق روایت شعبه و قرائات ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، کسائی، خلف و یعقوب- به‌صورت «وَ أَنَّ اللَّهَ» قرائت شود، زیرا جمله بعد جداست. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۸۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۵/ شَدِیدُ الْعِقابِ/ کافی ۲۶/ تَشْکُرُونَ/ تام ۲۸/ أَجْرٌ عَظِیمٌ/ تام ۲۹/ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ/ کافی ۲۹/ الْعَظِیمِ/ تام ۳۰/ أَوْ یُخْرِجُوکَ/ کافی ۳۰/ خَیْرُ الْماکِرِینَ/ تام ۳۳/ وَ أَنْتَ فِیهِمْ/ کافی [۱] تام [۲] (قول ضحاک) ۳۳/ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ/ کافی ۳۴/ وَ ما کانُوا أَوْلِیاءَهُ/ کافی (گفته شده) تام ۳۴/ لا یَعْلَمُونَ/ تام ۳۵/ وَ تَصْدِیَةً/ کافی ۳۵/ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ/ تام ۳۶/ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ/ کافی [_______________ ۱]- بنابراین که ضمیر در «وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ» به کفار بازگردد. [۲]- ضحاک گفته ضمیر در ادامه آیه، به مؤمنان بازمی‌گردد. البته ضمیر «لِیُعَذِّبَهُمْ» در ابتدای آیه، طبق نظر مشهور به کافران بازمی‌گردد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۶/ ثُمَّ یُغْلَبُونَ [۱]/ کافی ۳۷/ فِی جَهَنَّمَ/ کافی ۳۷/ هُمُ الْخاسِرُونَ/ تام ۳۹/ کُلُّهُ لِلَّهِ/ کافی ۴۰/ مَوْلاکُمْ/ کافی ۴۰/ وَ نِعْمَ النَّصِیرُ/ تام ۴۱/ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعانِ/ کافی ۴۱/ قَدِیرٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۴۲/ مَنْ هَلَکَ عَنْ بَیِّنَةٍ/ محل وقف تام نیست [۲] تام (قول ابن عبد الرّزاق) ۴۳/ عَنْ بَیِّنَةٍ/ تام ۴۳/ وَ لکِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ/ کافی ۴۴/ کانَ مَفْعُولًا/ کافی ۴۴/ تُرْجَعُ الْأُمُورُ/ تام ۴۷/ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ/ کافی ۴۸/ ما لا تَرَوْنَ/ کافی [_______________ ۱]- در شمارش آیات، به شیوه‌های بصری و شامی، انتهای آیه است. [۲]- وقف تام نیست، زیرا ادامه آیه «وَ یَحْیی مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَةٍ» عطف بر عبارت قبل است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۹/ دِینُهُمْ/ تام [۱] ۴۹/ حَکِیمٌ/ تام ۵۰/ الَّذِینَ کَفَرُوا/ محل وقف نیست تام [۲] (قول نافع) ۵۰/ وَ أَدْبارَهُمْ/ کافی ۵۲/ کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ/ حسن تام (قول نافع) ۵۲/ مِنْ قَبْلِهِمْ/ حسن تام (قول دینوری) ۵۳/ ما بِأَنْفُسِهِمْ/ کافی ۵۸/ عَلی سَواءٍ/ کافی ۵۹/ سَبَقُوا/ کافی [۳] محل وقف نیست [۴] [_______________ ۱]- زیرا ادامه آیه سخن خداوند متعال است. [۲]- طبق عقیده نافع، ادامه آیه مبتدا و خبر جداگانه‌ای است و معنای بخش اول آیه، «اذ یتوفی الله الذین کفروا» می‌باشد؛ البته عقیده علمای گذشته این‌طور نبوده است. [۳]- ادامه آیه، جمله جدیدی است. [۴]- بنابر قرائت ابن عامر در ادامه آیه،

«انهم»، [بر «سَبَقُوا» نمی‌توان وقف کرد و] از ادامه آیه نباید آغاز کرد زیرا متعلق به قبل بوده، تقدیر آن «لانهم لا یعجزون» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۹/ لا یُعْجِزُونَ/ تام ۶۰/ لا تَعْلَمُونَهُمُ/ محل وقف نیست تام (قول محمد بن عیسی) ۶۰/ یَعْلَمُهُمْ/ کافی (گفته شده) تام [۱] ۶۳/ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ/ کافی ۶۳/ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ [۲]/ اکفی نسبت به موضع قبل ۶۳/ حَکِیمٌ/ تام ۶۴/ حَسْبُکَ اللَّهُ/ کافی [۳] غیر کافی [۴]

[۱]- طبق عقیده محمد بن عیسی که وقف بر «لا تَعْلَمُونَهُمُ» را تام می‌دانست، وقف بر «یَعْلَمُهُمْ»- نسبت به آن- اتمّ است. [۲]- عبد الله [بن مسعود] درمورد این آیه گوید: «منظور عاشقان خداست». [۳]- درصورت‌های زیر، وقف کافی است: - «وَ مَنِ اتَّبَعَکَ» مبتدا و در موضع رفع و تقدیر آن «و من اتبعک من المؤمنین کذلک» باشد. - «وَ مَنِ اتَّبَعَکَ» در محل نصب و تقدیر آن «یکفیک الله و یکفی من اتبعک» باشد. [۴]- در حالتی که «وَ مَنِ اتَّبَعَکَ»، عطف بر نام خداوند باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۴/ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ/ تام ۶۶/ بِإِذْنِ اللَّهِ/ کافی ۶۶/ مَعَ الصَّابِرِینَ/ تام ۶۹/ رَحِیمٌ/ تام ۷۰/ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ/ کافی ۷۱/ فَأَمْکَنَ مِنْهُمْ/ کافی ۷۱/ حَکِیمٌ/ تام ۷۲/ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ/ کافی ۷۲/ حَتَّی یُهاجِرُوا/ تام (قول نافع) ۷۲/ بَصِیرٌ/ کافی [۱] ۷۳/ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ/ کافی ۷۳/ وَ فَسادٌ کَبِیرٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۷۴/ حَقًّا/ کافی ۷۴/ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ/ کافی ۷۵/ فَأُولئِکَ مِنْکُمْ/ کافی تام (قول احمد بن موسی) ۷۵/ فِی کِتابِ اللَّهِ/ کافی ۷۵/ عَلِیمٌ/ تام [۱]

[۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۵

سوره توبه

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ مِنَ الْمُشْرِکِینَ [۱]/ کافی ۲/ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ/ کافی ۲/ مُخْزِی الْکافِرِینَ/ اکفی نسبت به دو موضع قبل ۳/ وَ رَسُولِهِ/ کافی ۳/ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ/ کافی ۴/ الْمُتَّقِینَ/ تام ۵/ رَحِیمٌ/ تام ۶/ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ/ کافی ۶/ لا یَعْلَمُونَ/ کافی ۷/ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ/ کافی ۷/ فَاسْتَقِیمُوا لَهُمْ/ کافی ۷/ الْمُتَّقِینَ/ کافی ۸/ إِلًّا وَ لا ذِمَّةً/ کافی ۸/ فاسِقُونَ/ کافی ۹/ عَنْ سَبِیلِهِ/ کافی ۹/ ما کانُوا یَعْمَلُونَ/ کافی ۱۰/ إِلًّا وَ لا ذِمَّةً/ کافی

[۱]- انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰/ هُمُ الْمُعْتَدُونَ/ کافی ۱۱/ فِی الدِّینِ/ تام ۱۱/ یَعْلَمُونَ/ کافی ۱۲/ یَنْتَهُونَ/ کافی ۱۳/ أَوَّلَ مَرَّةٍ/ کافی ۱۳/ أَ تَخْشَوْنَهُمْ/ کافی ۱۳/ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ/ کافی ۱۴/ مُؤْمِنِینَ/ کافی ۱۵/ غَیْظَ قُلُوبِهِمْ/ کافی (گفته شده) تام ۱۵/ عَلی مَنْ یَشاءُ/ کافی ۱۵/ حَکِیمٌ/ کافی ۱۶/ وَلِیجَةً/ کافی ۱۶/ بِما تَعْمَلُونَ/ کافی ۱۷/ هُمْ خالِدُونَ/ کافی ۱۸/ مِنَ الْمُهْتَدِینَ/ کافی ۱۹/ عِنْدَ اللَّهِ/ کافی ۱۹/ الظَّالِمِینَ/ کافی ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۰/ هُمُ الْفائِزُونَ/ کافی ۲۱/ نَعِیمٌ مُقِیمٌ/ کافی ۲۲/ أَبَداً/ کافی ۲۲/ أَجْرٌ عَظِیمٌ/ تام ۲۳/ عَلَی الْإِیمانِ/ کافی ۲۳/ هُمُ الظَّالِمُونَ/ تام ۲۴/ حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ/ کافی ۲۴/ الْفاسِقِینَ/ تام ۲۷/ عَلی مَنْ یَشاءُ/ کافی ۲۷/ رَحِیمٌ/ تام [۱] ۲۸/ إِنْ شاءَ/ کافی (گفته شده) تام ۲۸/ حَکِیمٌ/ تام ۲۹/ وَ هُمْ صاغِرُونَ/ تام ۳۱/ وَ الْمَسِیحَ ابْنَ مَرْیَمَ/ کافی ۳۱/ إِلهاً واحِداً/ کافی ۳۳/ الْمُشْرِکُونَ/ تام ۳۴/ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ/ تام

[۱]- بنابر اکثر نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۵/ ما کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ/ تام ۳۶/ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ/ کافی ۳۶/ أَنْفُسَکُمْ/ کافی ۳۶/ مَعَ الْمُتَّقِینَ/ تام ۳۷/ ما حَرَّمَ اللَّهُ/ کافی ۳۷/ سُوءُ أَعْمالِهِمْ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۳۷/ الْکافِرِینَ/ تام ۳۸/ مِنَ الْآخِرَةِ/ کافی ۳۸/ إِلَّا قَلِیلٌ/ تام ۳۹/ وَ لا تَضُرُّوهُ شَیْئاً/ کافی ۳۹/ قَدِیرٌ/ تام ۴۰/ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا/

کافی ۴۰/ عَلَيْهِ/ کافی [۱] (قول مختار مؤلف) وقف کافی نیست [۲]
[۱]- اگر ضمیر در «عَلَيْهِ» به ابو بکر متعلق باشد، وقف کافی است. از سعید بن جبیر نقل شده است که درمورد این آیه گفت: « [آرامش بر ابو بکر نازل شد زیرا آرامش همواره با پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است». [۲]- اگر ضمیر در «عَلَيْهِ» به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بازگردد، وقف بر آن کافی نخواهد بود؛ البته [بنابر آنچه در بعضی از نسخه‌های کتاب آمده و قول تمام علما] ضمیر در «أَيَّدَهُ» به آن حضرت بازمی گردد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۱۹۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۰/ السُّفْلى کافی محل وقف کافی نیست [۱] [اختلاف قرائت ۴۰/ هِيَ الْعُلْيا/ کافی [۲] ۴۰/ حَكِيمٌ/ تام ۴۳/ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ/ کافی [۳] ۴۳/ وَ تَعْلَمَ الْكاذِبِينَ/ تام ۴۴/ وَ أَنْفُسِهِمْ/ کافی ۴۷/ سَمَّاعُونَ لَهُمْ/ کافی ۴۸/ وَ هُمْ كارِهُونَ/ تام ۴۹/ وَ لا تَفْتِنِّي/ کافی ۴۹/ سَقَطُوا/ اکفی نسبت به موضع قبل ۴۹/ بِالْكافِرِينَ/ اکفی نسبت به دو موضع قبل [۱]- بنابر قرائت یعقوب در ادامه آیه، «وَ كَلِمَةُ اللَّهِ»، وقف بر «السُّفْلى کافی نخواهد بود زیرا دومی عطف بر اولی است. [۲]- وقف بر آن، بنابر هر دو قرائت کافی خواهد بود. [۳]- هنگامی است که این عبارت، شروع کلام باشد، چنان‌که گفته می‌شود: «اعزّک الله! ا لیس کان کذا و کذا؟»، یعنی: «خدا عزیزت گرداند! آیا چنین و چنان نبود؟». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۱/ هُوَ مَوْلانا/ کافی (گفته شده) تام ۵۱/ الْمُؤْمِنُونَ/ اکفی و اتم نسبت به موضع قبل ۵۲/ مُتَرَبِّصُونَ/ کافی ۵۳/ فاسِقِينَ/ کافی ۵۴/ وَ هُمْ كارِهُونَ/ کافی ۵۵/ وَ لا أَوْلادُهُمْ/ کافی [۱] (قول حسن) غیر کافی [۲] (قول ابن عباس) ۵۵/ كافِرُونَ/ کافی ۵۶/ يَفْرَقُونَ/ کافی ۵۷/ وَ هُمْ يَجْمَحُونَ/ تام ۵۸/ إِذا هُمْ يَسْخَطُونَ/ کافی [۳] ۵۹/ راغِبُونَ/ تام ۶۰/ مِنَ اللَّهِ/ کافی
[۱]- درصورتی که منظور از عذاب در آیه، انفاق از روی اجبار- در دنیا- باشد. [۲]- چنانچه منظور از عذاب، عذاب آخرت باشد و تقدیر آن، «فلا تعجبک اموالهم و لا اولادهم فی الحیاة الدنیا انما یرید الله لیعذبهم بها فی الآخرة» باشد؛ در این حالت «فِي الْحَياةِ الدُّنْيا» متصل به تعجب ابتدای آیه است. [۳]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۰/ حَكِيمٌ/ تام ۶۱/ هُوَ أُذُنٌ/ کافی ۶۱/ مِنْكُمْ/ تام ۶۱/ عَذابٌ أَلِيمٌ/ اتم نسبت به موضع قبل ۶۲/ مُؤْمِنِينَ/ کافی ۶۳/ خالِداً فِيها/ کافی ۶۳/ ذلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ/ کافی ۶۴/ تَحْذَرُونَ/ کافی ۶۵/ نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ/ کافی ۶۶/ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤُنَ/ کافی ۶۶/ لا تَعْتَذِرُوا/ حسن تام [۱] (قول نافع) ۶۶/ كانُوا مُجْرِمِينَ/ تام ۶۷/ فَنَسِيَهُمْ/ کافی ۶۷/ هُمُ الْفاسِقُونَ/ تام ۶۸/ هِيَ حَسْبُهُمْ/ کافی ۶۸/ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ/ کافی
[۱]- محمد بن عیسی هم گفته است: «گروهی عقیده دارند می‌توان بر این کلمه وقف کرد»؛ معنای سخن نافع «لا تعتذروا بقولکم انا کنا نخوض و نلعب» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۸/ عَذابٌ مُقِيمٌ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۷۰/ يَظْلِمُونَ/ تام ۷۱/ حَكِيمٌ/ تام ۷۲/ عَدْنٍ/ کافی ۷۲/ أَكْبَرُ/ تام ۷۲/ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ/ اتم نسبت به موضع قبل ۷۳/ جَهَنَّمُ/ کافی ۷۳/ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ/ تام ۷۴/ ما قالُوا/ کافی ۷۴/ بِما لَمْ يَنالُوا/ کافی ۷۴/ مِنْ فَضْلِهِ/ کافی ۷۴/ خَيْراً لَهُمْ/ کافی ۷۴/ وَ الْآخِرَةِ/ کافی ۷۴/ وَ لا نَصِيرٍ/ تام ۷۸/ عَلَّامُ الْغُيُوبِ/ تام ۷۹/ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ/ کافی ۷۹/ عَذابٌ أَلِيمٌ/ تام ۸۰/ الْفاسِقِينَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۱/ فِي الْحَرِّ/ کافی ۸۱/ لَوْ كانُوا يَفْقَهُونَ/ کافی ۸۲/ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ/ کافی ۸۳/ مَعَ الْخالِفِينَ/ کافی ۸۴/ وَ هُمْ فاسِقُونَ/ کافی ۸۵/ وَ أَوْلادُهُمْ/ کافی [۱] (قول حسن) غیر کافی [۱] (قول ابن عباس) ۸۵/ وَ هُمْ كافِرُونَ/ تام ۸۷/ مَعَ الْخَوالِفِ/ کافی ۸۷/ فَهُمْ لا يَفْقَهُونَ/ تام ۸۹/ ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ/ تام ۹۰/ وَ رَسُولَهُ/ کافی ۹۰/ عَذابٌ أَلِيمٌ/ تام ۹۱/ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ/ کافی ۹۱/ مِنْ سَبِيلٍ/ کافی ۹۱/ رَحِيمٌ/ تام [۲]
[۱]- به پاورقی آیه ۵۵ همین سوره

رجوع شود. [۲]- زیرا آیه بعد، درمورد عرباض بن ساریهٔ و یارانش نازل شده است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۴ ۹۲/ ما یُنْفِقُونَ [۱]/ تام ۹۳/ مَعَ الْخَوالِفِ/ کافی ۹۴/ لَنْ نُؤْمِنَ لَکُمْ/ کافی ۹۴/ وَ رَسُولُهُ/ کافی ۹۶/ عَنِ الْقَوْمِ الْفاسِقِینَ/ تام ۹۷/ حَکِیمٌ/ تام ۹۸/ بِکُمُ الدَّوائِرَ/ کافی ۹۸/ دائِرَةُ السَّوْءِ/ کافی ۹۸/ عَلِیمٌ/ تام ۹۹/ وَ صَلَواتِ الرَّسُولِ/ کافی ۹۹/ قُرْبَةٌ لَهُمْ/ کافی ۹۹/ فِی رَحْمَتِهِ/ کافی ۹۹/ رَحِیمٌ/ تام ۱۰۰/ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ/ تام ۱۰۱/ عَذابٍ عَظِیمٍ/ تام [____ ۱]- از عبد الرحمن بن عمرو سلمی و حجر کلامی نقل می‌کنند: «بر عرباض بن ساریهٔ وارد شدیم. او از جمله افرادی است که آیه «وَ لا عَلَی الَّذِینَ إِذا ما أَتَوْکَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لا أَجِدُ ما أَحْمِلُکُمْ عَلَیْهِ ...» در مورد ایشان نازل شد. در آن حال او مریض بود». سپس بقیه سخن ایشان را نقل می‌کنند. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۲/ رَحِیمٌ/ تام ۱۰۳/ سَکَنٌ لَهُمْ/ کافی ۱۰۳/ عَلِیمٌ/ تام ۱۰۴/ الرَّحِیمُ/ تام ۱۰۵/ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ/ تام ۱۰۶/ حَکِیمٌ/ کافی [۱] تام [۲] [اختلاف قرائت ۱۰۷/ لَکاذِبُونَ/ تام ۱۰۸/ لا تَقُمْ فِیهِ أَبَداً/ کافی (گفته شده) تام ۱۰۸/ أَنْ تَقُومَ فِیهِ/ کافی ۱۰۸/ أَنْ یَتَطَهَّرُوا/ کافی ۱۰۸/ الْمُطَّهِّرِینَ/ اکفی نسبت به موضع قبل [____ ۱]- بنابراینکه آیه بعد، «وَ الَّذِینَ اتَّخَذُوا»، عطف بر عبارات قبلی و معنای آن چنین باشد: «و منهم الذین اتخذوا مسجدا ضرارا». [۲]- بنابر قرائات نافع، ابو جعفر و ابن عامر در آیه بعد «الَّذِینَ اتَّخَذُوا»، [بدون واو] وقف در انتهای آیه ۱۰۶ تام است، زیرا «الَّذِینَ» مبتدا و خبر آن «لا یَزالُ بُنْیانُهُمُ» است؛ البته خبر آن را «لا تَقُمْ فِیهِ أَبَداً» یا محذوف و با تقدیر «ینتقم منهم» و یا «یعذّبون» نیز گفته‌اند. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۹/ فِی نارِ جَهَنَّمَ/ کافی ۱۰۹/ الظَّالِمِینَ/ تام ۱۱۰/ قُلُوبِهِمْ/ کافی ۱۱۰/ حَکِیمٌ/ تام ۱۱۱/ وَ الْقُرْآنِ/ کافی ۱۱۱/ بایَعْتُمْ بِهِ/ کافی ۱۱۱/ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ/ تام [۱] کافی [۲] ۱۱۲/ لِحُدُودِ اللَّهِ/ کافی ۱۱۲/ الْمُؤْمِنِینَ/ تام ۱۱۴/ تَبَرَّأَ مِنْهُ/ کافی ۱۱۴/ لَأَوَّاهٌ حَلِیمٌ/ تام ۱۱۵/ ما یَتَّقُونَ/ کافی ۱۱۵/ عَلِیمٌ/ کافی ۱۱۶/ وَ لا نَصِیرٍ/ کافی ۱۱۷/ ثُمَّ تابَ عَلَیْهِمْ/ کافی ۱۱۸/ لِیَتُوبُوا/ کافی [____ ۱]- سپس از «التَّائِبُونَ» آغاز می‌شود و تقدیر آن «هم التّائبون» است. [۲]- بنابر نسخه‌ای از کتاب. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۸/ الرَّحِیمُ/ تام ۱۱۹/ مَعَ الصَّادِقِینَ/ تام ۱۲۰/ عَنْ نَفْسِهِ/ کافی ۱۲۰/ عَمَلٌ صالِحٌ/ کافی ۱۲۱/ إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ/ کافی [۱] تام [۲] (قول ابو حاتم) ۱۲۱/ ما کانُوا یَعْمَلُونَ/ تام ۱۲۲/ یَحْذَرُونَ/ تام ۱۲۳/ غِلْظَةً/ کافی ۱۲۳/ مَعَ الْمُتَّقِینَ/ تام [____ ۱]- زیرا حرف لام در ادامه آیه «لِیَجْزِیَهُمُ اللَّهُ» به معنای «تا اینکه» است و لذا متعلق به قسمت قبلی آیه- «إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ» می‌باشد و وقف در اینجا تام نیست. [۲]- ابو حاتم گفته است: لام در «لِیَجْزِیَهُمُ اللَّهُ»، لام قسم است و اصل آن «لیجزینّهم الله» بوده است، ولی نون حذف شده و [به همین علت در چنین مواردی لام مکسور می‌شود. علمای عربی اجماع دارند که آنچه او گفته خطاست؛ این سخن نه طبق کاربرد لغت است و نه مطابق قواعد. از ابو الحسن بن کیانی شنیده شده است که در این مورد بر ابو حاتم اشکال می‌گرفت و نظر خودش این بود که لام به معنای «تا اینکه» است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲۵/ وَ هُمْ کافِرُونَ/ محل وقف اختیاری نیست [۱] محل وقف است [۲] [اختلاف قرائت ۱۲۷/ ثُمَّ انْصَرَفُوا/ کافی [۳] غیر کافی [۴] ۱۲۷/ لا یَفْقَهُونَ/ تام ۱۲۸/ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ/ محل وقف نیست [۵] کافی [۶] (قول احمد بن موسی و اخفش) ۱۲۸/ رَحِیمٌ/ تام [____ ۱]- زیرا عبارت آیه بعد به کافران برمی‌گردد. [۲]- بنابر قرائات حمزه و یعقوب در ابتدای آیه بعد «ا و لا ترون»، می‌توان بر آیه ۱۲۵ وقف کرد زیرا جمله بعد خطاب جدیدی است. [۳]- این درصورتی است که ادامه آیه- یعنی «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ»- دعایی باشد. از حسن نقل شده است که «ثُمَّ انْصَرَفُوا» یعنی «عزموا علی الکفر» [بنابر کفر گذاشتند] و «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» دعایی است. [۴]- درصورتی که ادامه آیه، «صَرَفَ اللَّهُ

قُلُوبَهُمْ»، خبر در نظر گرفته شود. [۵]- به نظر می‌رسد که تمام کلام، به‌هم متصل باشد. [۶]- درصورتی وقف کافی خواهد بود، که کلام در عبارت «حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ» قطع شود و مربوط به اهل مکر باشد و سپس از «بِالْمُؤْمِنِینَ» سخن جدیدی آغاز شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۰۹

سوره یونس

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ الر (هرجا واقع شود، نوع وقف بر آن مطابق همین سوره است)/ تام [۱] (قول مختار مؤلف) (گفته شده) کافی ۱/ الْکِتابِ الْحَکِیمِ/ تام ۲/ قَدَمَ صِدْقٍ [۲] عِنْدَ رَبِّهِمْ/ کافی تام (قول ابو حاتم) ۲/ لَساحِرٌ مُبِینٌ/ تام ۳/ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ/ کافی ۳/ فَاعْبُدُوهُ/ کافی ۴/ جَمِیعاً/ کافی ۴/ حَقًّا/ کافی ۴/ یُعِیدُهُ/ کافی [۳] ۴/ بِالْقِسْطِ/ اکفی نسبت به موضع قبل

[۱]- بنابر قول ابن عباس که معنای «الر» نزد او «انا الله اری» می‌باشد. [۲]- از زید بن اسلم نقل شده: منظور از «قَدَمَ صِدْقٍ» [در این آیه حضرت محمد صلّی اللّه علیه و آله است. [۳]- تام نیست زیرا عبارت بعد از لام به معنای «تا اینکه» است و متعلق به قبل خواهد بود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴/ بِما کانُوا یَکْفُرُونَ/ تام ۵/ وَ الْحِسابَ/ کافی ۵/ بِالْحَقِّ/ غیر کافی [۱] کافی [۲] [اختلاف قرائت ۵/ یَعْلَمُونَ/ تام ۶/ یَتَّقُونَ/ تام ۸/ یَکْسِبُونَ/ تام ۹/ بِإِیمانِهِمْ/ کافی (گفته شده) تام ۱۰/ سَلامٌ/ کافی ۱۰/ رَبِّ الْعالَمِینَ/ تام ۱۱/ أَجَلُهُمْ/ کافی ۱۱/ یَعْمَهُونَ/ تام

[۱]- بنابر قرائت مشهور، «یُفَصِّلُ»- در ادامه آیه- به نام خداوند در «ما خَلَقَ اللَّهُ» بازمی‌گردد و لذا از آن جدا نمی‌شود. [۲]- بنابر روایت شعبه از عاصم و قرائات نافع، ابو جعفر، ابن عامر، حمزه، کسائی و خلف در ادامه آیه به‌صورت «نفصل» وقف کافی خواهد بود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۲/ ضُرَّهُ مَرَّ/ محل وقف نیست [۱] (گفته شده) می‌توان وقف کرد [۲] ۱۲/ مَسَّهُ/ کافی ۱۲/ ما کانُوا یَعْمَلُونَ/ تام ۱۴/ کَیْفَ تَعْمَلُونَ/ تام ۱۵/ أَوْ بَدِّلْهُ/ کافی ۱۵/ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَّ/ کافی ۱۵/ عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۱۶/ ما تَلَوْتُهُ عَلَیْکُمْ/ محل وقف نیست [۳] محل وقف است [۴] [اختلاف قرائت

[۱]- قول ابو حاتم است. [۲]- این قول مورد اعتنا نیست. [۳]- بنابر قرائت مشهور «وَ لا أَدْراکُمْ بِهِ» زیرا دراین‌صورت فعل منفی، عطف بر «ما تَلَوْتُهُ عَلَیْکُمْ» و متعلق به تلاوت می‌باشد و همچنین همراه آن در نفی است لذا از آن جدا نمی‌شود. [۴]- بنابر روایت قنبل و یکی از طرق روایت بزی از ابن کثیر که «و لادراکم به» خوانده، می‌توان از آن ابتدا کرد زیرا خبر جدیدی نسبت به واقع شدن فهم نسبت به قرآن از جانب خداوند برای آنهاست و لذا از فعل نفی قبلی جدا می‌باشد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۶/ وَ لا أَدْراکُمْ بِهِ/ صالح [۱] ۱۶/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ تام ۱۷/ أَوْ کَذَّبَ بِآیاتِهِ/ کافی ۱۷/ الْمُجْرِمُونَ/ تام ۱۸/ عِنْدَ اللَّهِ/ کافی ۱۸/ عَمَّا یُشْرِکُونَ/ تام ۱۹/ فَاخْتَلَفُوا/ کافی ۱۹/ یَخْتَلِفُونَ/ تام ۲۰/ لِلَّهِ/ کافی ۲۰/ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ/ تام ۲۱/ أَسْرَعُ مَکْراً/ کافی ۲۱/ ما تَمْکُرُونَ/ کافی ۲۲/ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ/ کافی ۲۳/ بِغَیْرِ الْحَقِّ/ کافی

[۱]- بنابر هر دو قرائت در آن کلمه. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۳/ عَلی أَنْفُسِکُمْ/ محل وقف نیست [۱] کافی [۲] [اختلاف قرائت ۲۳/ مَتاعَ الْحَیاةِ الدُّنْیا/ کافی ۲۴/ فَاخْتَلَطَ بِهِ/ محل وقف نیست [۳] تام [۴] (ابو یعقوب ازرق)

[۱]- بنابر قرائت معروف [که در بین راویان قراء عشره فقط از حفص از عاصم نقل شده است در کلمه «مَتاعَ» دو وجه وجود دارد که بنابر هر دو وجه، نمی‌توان بر

«أَنْفُسِکُمْ» وقف کرد. الف) تقدیر عبارت، «یبغون متاع الحیاة الدنیا» می‌باشد که دراین‌صورت، کلمه «مَتاعَ»، مفعول «بَغْیُکَمْ» خواهد بود. ب) اگر تقدیر عبارت مثل حالت قبل باشد و مصدری که «بَغْیُکُمْ» بر آن دلالت دارد، عمل فعلی انجام شده باشد که باز هم از قبل جدا نمی‌شود. همچنین بنابر قرائت تمام راویان قراء عشره غیر از حفص از عاصم- به‌صورت «مَتاعَ»- چنانچه، «بَغْیُکُمْ» مبتدا و خبر آن «مَتاعَ» باشد، وقف بر «أَنْفُسِکُمْ» صورت نمی گیرد. [۲]- بنابر قرائت «مَتاعَ»، چنانچه «بَغْیُکُمْ» مبتدا و «عَلی أَنْفُسِکُمْ» خبر آن باشد، «مَتاعَ الْحَیاةِ الدُّنْیا» جمله جدیدی خواهد بود. [۳]- زیرا معنی این است که «به وسیله آن باران، انواع رستنی‌ها که بعضی از آنها با بقیه مختلط هستند می‌رویند». [۴]- سخن ابو یعقوب ازرق هیچ توجیهی ندارد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۴/ وَ الْأَنْعامُ/ کافی ۲۴/ بِالْأَمْسِ/ کافی ۲۴/ یَتَفَکَّرُونَ/ تام ۲۵/ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۲۶/ وَ زِیادَةٌ [۱]/ کافی ۲۶/ وَ لا ذِلَّةٌ [۲]/ کافی ۲۶/ خالِدُونَ/ کافی ۲۷/ مُظْلِماً/ کافی ۲۷/ خالِدُونَ/ کافی ۲۸/ فَزَیَّلْنا بَیْنَهُمْ/ کافی ۲۸/ تَعْبُدُونَ/ کافی ۲۹/ لَغافِلِینَ/ کافی ۳۰/ یَفْتَرُونَ/ تام ۳۱/ أَ فَلا تَتَّقُونَ/ کافی ۳۲/ فَأَنَّی تُصْرَفُونَ/ کافی [______________________________۱]- نقل شده است ابو بکر این آیه را خواند یا بر او خوانده شد، آنگاه گفت: «آیا می‌دانید «زِیادَةٌ» چیست؟ آن عبارت است از: نگاه کردن به چهره پروردگارمان». [۲]- از عبد الرحمن بن ابی لیلی نقل شده است که در مورد عبارت «وَ لا یَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَ لا ذِلَّةٌ» گفت: بعد از نگاه کردن به پروردگارشان است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۳/ لا یُؤْمِنُونَ/ کافی ۳۴/ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ/ کافی ۳۵/ إِلَّا أَنْ یُهْدی کافی ۳۵/ فَما لَکُمْ/ محل وقف نیست حسن [۱] (قول ابن انباری) نیکو (قول ابو حاتم) تام [۲] (قول زجاج) ۳۵/ کَیْفَ تَحْکُمُونَ/ تام ۳۹/ تَأْوِیلُهُ/ کافی ۴۰/ مَنْ لا یُؤْمِنُ بِهِ/ کافی ۴۵/ یَتَعارَفُونَ بَیْنَهُمْ/ کافی ۴۹/ إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ/ کافی ۵۳/ قُلْ إِی وَ رَبِّی/ محل وقف نیست [۳] حسن [۴] (قول ابن انباری) [______________________________۱]- معنای توبیخ دارد. [۲]- معنی و جمله تمام است؛ یعنی: در بندگی بت‌ها چه چیزی برای شما وجود دارد؟ [۳]- زیرا این عبارت قسم و بر سر عبارت بعدی آمده است، لذا عبارت بعدی از این جدا نمی‌شود. [۴]- استدلال ابن انباری این است که مثل عبارت «قسم به جان خودم» می‌باشد و سپس از «إِنَّهُ لَحَقٌّ» جمله دیگری آغاز می‌شود. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵۳/ إِنَّهُ لَحَقٌّ/ محل وقف (کافی) است ۵۳/ بِمُعْجِزِینَ/ تام ۵۴/ لَافْتَدَتْ بِهِ/ کافی ۵۵/ وَ الْأَرْضِ/ کافی ۵۶/ تُرْجَعُونَ/ تام [۱] ۵۷/ لِلْمُؤْمِنِینَ/ تام [۱] ۵۸/ مِمَّا یَجْمَعُونَ/ تام [۱] ۵۹/ تَفْتَرُونَ/ تام [۱] ۶۰/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ کافی ۶۰/ لا یَشْکُرُونَ/ تام ۶۱/ إِذْ تُفِیضُونَ فِیهِ/ تام [۱] (گفته شده) کافی ۶۱/ إِلَّا فِی کِتابٍ مُبِینٍ/ تام ۶۴/ وَ فِی الْآخِرَةِ [۲]/ کافی ۶۴/ لِکَلِماتِ اللَّهِ/ کافی ۶۴/ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ/ تام [______________________________۱]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب.

[۲]- معنی این است: برای متقین در هنگام مرگ و زمان برانگیخته شدن از قبرهایشان، بشارت [الهی هست. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۷ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۵/ قَوْلُهُمْ/ کافی ۶۵/ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ/ تام ۶۶/ إِلَّا یَخْرُصُونَ/ تام ۶۷/ یَسْمَعُونَ/ تام ۶۸/ ما لا تَعْلَمُونَ/ تام ۶۹/ لا یُفْلِحُونَ [۱]/ تام [۲] ۷۰/ بِما کانُوا یَکْفُرُونَ/ تام ۷۱/ وَ لا تُنْظِرُونِ/ کافی ۷۲/ مِنَ الْمُسْلِمِینَ/ کافی ۷۳/ عاقِبَةُ الْمُنْذَرِینَ/ کافی ۷۴/ عَلی قُلُوبِ الْمُعْتَدِینَ/ کافی ۷۵/ مُجْرِمِینَ/ کافی ۷۶/ لَسِحْرٌ مُبِینٌ/ کافی ۷۷/ أَ سِحْرٌ هذا/ تام [۳ ______________________________] ۱]- یحیی بن سلام گفته است: در کلمه «لا یُفْلِحُونَ»، کلام قطع می‌شود. [۲]- سپس از «مَتاعٌ فِی الدُّنْیا» آغاز می‌شود یعنی [«آن بهره‌ای است»]. ذلک متاع. [۳]- زیرا قسمت انتهای آیه «وَ لا یُفْلِحُ السَّاحِرُونَ» سخن خداوند است. از یحیی بن سلام نقل شده است که درمورد این آیه گفت: خداوند فرمود «وَ لا یُفْلِحُ السَّاحِرُونَ». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۷/ السَّاحِرُونَ/ کافی ۷۸/ بِمُؤْمِنِینَ/ کافی ۷۹/ عَلِیمٍ/ کافی ۸۰/ مُلْقُونَ/ کافی ۸۱/ ما جِئْتُمْ بِهِ/ محل وقف نیست [۱] می‌توان وقف

كرد [۲] [اختلاف قرائت ۸۱/ الْمُفْسِدِينَ/ كافى ۸۲/ الْمُجْرِمُونَ/ كافى ۸۳/ أَنْ يَفْتِنَهُمْ/ كافى

[۱]- بنابر قرائت مشهور در ادامه آيه، «السِّحْرُ»، اين كلمه خبر است زيرا «ما» اسم ناقص [و موصول به معناى «الذى» است؛ جمله «جِئْتُمْ بِهِ» صله اين موصول مى‌باشد و «ما» مبتدا و در محل رفع و «السِّحْرُ» خبر آن است. بنابراين از آن جدا نمى‌شود. همچنين بنابر قرائت ابو جعفر و ابو عمرو در «السِّحْرُ» چنانكه اين كلمه بدل از «ما» باشد متصل به قبل است و لذا نمى‌توان بر «بِهِ» وقف كرد. [۲]- بنابر قرائت «السِّحْرُ» درصورتى كه اين كلمه براى استفهام و مبتداى مرفوع باشد و خبر آن محذوف باشد كه تقدير عبارت، «السحر هو» مى‌باشد پس مى‌توان بر «به» وقف نمود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۱۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۸۳/ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ/ كافى ۸۴/ إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ/ كافى ۸۵/ الظَّالِمِينَ/ كافى ۸۶/ الْكافِرِينَ/ تام ۸۸/ عَنْ سَبِيلِكَ/ كافى ۸۹/ لا يَعْلَمُونَ/ تام ۹۰/ قالَ آمَنْتُ/ محل وقف نيست [۱] حسن [۲] [اختلاف قرائت ۹۰/ بَنُوا إِسْرائِيلَ/ كافى ۹۰/ مِنَ الْمُسْلِمِينَ/ اكفى نسبت به موضع قبل [۳] ۹۲/ آيَةً/ تام

[۱]- بنابر قرائت مشهور در ادامه آيه به‌صورت «أَنَّهُ»، ادامه آيه مفعول فعل «آمَنْتُ» است و از آن جدا نمى‌شود. همچنين بنابر قرائت حمزه، كسايى و خلف به صورت «أَنَّهُ» درصورتى كه فعل «قلت» در تقدير گرفته شود، يعنى «قال آمنت؛ قلت: انه» باشد، جمله «أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا الَّذِى» حكايت [سخن فرعون است و نمى‌توان بر «آمَنْتُ» وقف كرد. [۲]- بنابر قرائت «أَنَّهُ» در ادامه آيه و نيز درصورتى‌كه «أَنَّهُ» به بعد، جمله جديد و جدا فرض شود، وقف بر «آمنت» حسن مى‌باشد. [۳]- بنابر اكثر نسخه‌هاى كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹۲/ لَغافِلُونَ/ اتم نسبت به موضع قبل ۹۳/ مِنَ الطَّيِّباتِ/ كافى ۹۳/ الْعِلْمُ/ كافى ۹۳/ يَخْتَلِفُونَ/ تام ۹۴/ مِنْ قَبْلِكَ/ كافى [۱] ۹۵/ مِنَ الْخاسِرِينَ/ تام ۹۸/ إِلى حِينٍ/ تام ۹۹/ كُلُّهُمْ جَمِيعاً/ كافى ۹۹/ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ/ تام ۱۰۰/ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ/ حسن [۲] كافى [۳] [اختلاف قرائت ۱۰۰/ لا يَعْقِلُونَ/ تام

[۱]- در بعضى از نسخه‌هاى كتاب، وقف بر اين عبارت تام و در قول غير مشهورى كافى ذكر شده است. [۲]- بنابر قرائت مشهور در ادامه آيه به‌صورت «وَ يَجْعَلُ»، زيرا ادامه آيه به ابتداى آن تعلق دارد. [۳]- بنابر روايت شعبه از عاصم، به‌صورت «و نجعل». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۰۱/ وَ الْأَرْضِ/ كافى [۱] غير كافى [۲] ۱۰۱/ لا يُؤْمِنُونَ/ تام ۱۰۲/ مِنْ قَبْلِهِمْ/ كافى ۱۰۲/ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ/ تام ۱۰۳/ وَ الَّذِينَ آمَنُوا/ كافى ۱۰۳/ كَذلِكَ/ تام نيست تام [۳] (قول قتبى) ۱۰۳/ الْمُؤْمِنِينَ/ تام ۱۰۴/ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ/ كافى ۱۰۵/ مِنَ الْمُشْرِكِينَ/ كافى ۱۰۶/ مِنَ الظَّالِمِينَ/ كافى ۱۰۷/ إِلَّا هُوَ/ كافى

[۱]- «ما» در ادامه آيه، نافيه است. [۲]- اگر «ما» در ادامه آيه، استفهامى باشد، وقف بر «وَ الْأَرْضِ» كافى نيست، چرا كه عطف بر «ما» در ابتداى آيه خواهد بود. [۳]- كاف از «كَذلِكَ» در محل نصب و صفتى براى مصدر محذوف است و به معناى «كما فعلنا ذلك من قبل» مى‌باشد؛ البته بنابر قول برخى ديگر، كاف مبتدا و در محل رفع است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۰۷/ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ/ كافى ۱۰۷/ الرَّحِيمُ/ تام ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۳

سوره هود

آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱/ الر/ تام [۱] (قول ابن عباس) (گفته شده) كافى غير كافى [۲] ۲/ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ/ كافى ۳/ فَضْلَهُ/ كافى ۳/ يَوْمٍ كَبِيرٍ/ تام [۳] ۴/ قَدِيرٌ/ تام ۵/ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ/ كافى ۵/ وَ ما يُعْلِنُونَ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۵/ بِذاتِ الصُّدُورِ/ تام ۶/ فِى كِتابٍ مُبِينٍ/ تام ۷/ أَحْسَنُ عَمَلًا/ كافى ۷/ سِحْرٌ مُبِينٌ/ كافى ۸/ ما يَحْبِسُهُ/ كافى ۸/ يَسْتَهْزِؤُنَ/ كافى

[____۱]- درصورتى است كه «كِتابٌ»

[خبر] مرفوع و تقدير آن، «هذا كتاب» باشد. [۲]- اگر «كِتابٌ» به‌وسيله «الر» مرفوع شود. [۳]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹/ كَفُورٌ/ كافى ۱۰/ ذَهَبَ السَّيِّئاتُ عَنِّي/ كافى ۱۰/ فَخُورٌ/ كافى ۱۱/ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ/ تام ۱۲/ إِنَّما أَنْتَ نَذِيرٌ/ كافى ۱۲/ عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ/ تام ۱۴/ مُسْلِمُونَ/ تام ۱۶/ يَعْمَلُونَ/ تام ۱۷/ شاهِدٌ مِنْهُ [۱]/ كافى ۱۷/ يُؤْمِنُونَ بِهِ/ كافى ۱۷/ مِنْ رَبِّكَ/ كافى ۱۷/ لا يُؤْمِنُونَ/ تام ۱۸/ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلى رَبِّهِمْ/ تام [۲]

[____۱]- منظور از «شاهِدٌ» حضرت

جبرئيل عليه السّلام است. از محمد بن على بن حنيفه در مورد اين آيه نقل شده است: منظور از بينه، حضرت ختمى مرتبت صلّى اللّه عليه و آله است و منظور از شاهد، زبان اوست. [۲]- درصورتى‌كه ادامه آيه «أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» سخن خداوند متعال باشد نه ادامه سخن گواهان. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۰/ لَهُمُ الْعَذابُ/ كافى [۱] غير كافى [۲] ۲۲/ هُمُ الْأَخْسَرُونَ/ تام ۲۴/ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلًا/ كافى ۲۴/ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ/ تام ۲۵/ إِلى قَوْمِهِ/ غير كافى [۳] محل وقف است (قول ابن الانبارى) ۲۵/ نَذِيرٌ مُبِينٌ/ كافى ۲۶/ يَوْمٍ أَلِيمٍ/ كافى ۲۷/ بَلْ نَظُنُّكُمْ كاذِبِينَ/ كافى

[____۱]- چنانچه «ما» در عبارت «ما كانُوا

يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ»، نافيه باشد. [۲]- اگر «ما» در ادامه آيه، در محل نصب باشد و تقدير آن «بما كانوا» باشد [يا ظرف و در محل نصب باشد]. [۳]- بنابر هر دو قرائت «إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» و «إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» در ادامه آيه؛ زيرا در صورت اول، تقدير آيه چنين است: «فقال انى لكم ...» يعنى «ان» و جمله بعدش مقول قول است و درصورت دوم، تقدير آيه به صورت «بانّى لكم ...» است يعنى مفعول فعل «أَرْسَلْنا» خواهد بود. پس در هر دو صورت، ادامه آيه به فرستاده شدن نوح عليه السّلام تعلق دارد، بنابراين قول ابن انبارى صحيح نيست. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۶ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۸/ لَها كارِهُونَ/ كافى ۲۹/ قَوْماً تَجْهَلُونَ/ كافى ۳۰/ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ/ كافى ۳۱/ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْراً/ كافى ۳۱/ لَمِنَ الظَّالِمِينَ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۳۳/ إِنْ شاءَ/ كافى ۳۴/ أَنْ يُغْوِيَكُمْ [۱]/ كافى ۳۴/ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ/ تام ۳۵/ مِمَّا تُجْرِمُونَ/ تام ۳۶/ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ/ كافى ۳۷/ بِأَعْيُنِنا وَ وَحْيِنا/ كافى ۳۸/ كَما تَسْخَرُونَ/ كافى [۲] ۳۹/ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ/ محل وقف نيست كافى [۳] (قول فرّاء) ۴۰/ مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ/ كافى [____ ۱]- «أَنْ يُغْوِيَكُمْ» يعنى اينكه

شما را گمراه كند. [۲]- آيه بعد با تهديد آغاز مى‌شود. [۳]- فراء جايز دانسته «مَنْ» در عبارت «مَنْ يَأْتِيهِ» مبتدا و مرفوع بوده، خبر آن «يُخْزِيهِ» باشد و دراين‌صورت وقف بر «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» كافى خواهد بود. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۰/ وَ أَهْلَكَ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۴۰/ وَ مَنْ آمَنَ/ اكفى نسبت به دو موضع قبل ۴۰/ إِلَّا قَلِيلٌ/ تام ۴۱/ وَ مُرْساها/ كافى ۴۱/ رَحِيمٌ/ تام ۴۳/ إِلَّا مَنْ رَحِمَ/ كافى ۴۴/ وَ يا سَماءُ أَقْلِعِي/ كافى ۴۴/ عَلَى الْجُودِيِّ/ كافى [۱] ۴۴/ لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ/ تام ۴۵/ أَحْكَمُ الْحاكِمِينَ/ كافى [۲] ۴۶/ مِنْ أَهْلِكَ/ وقف خوب است (كافى) و از بعدش آغاز مى‌شود [۳] محل وقف نيست و از بعدش نبايد آغاز كرد [۴____]

[۱]- زيرا ادامه آيه، از جمله سخنان حضرت نوح عليه السّلام و ايمان‌آورندگان است. [۲]- بنابر بعضى از نسخه‌هاى كتاب. [۳]- منظور از ادامه آيه، سؤال از خداوند و پاسخ آن مى‌باشد، يعنى «انّ سؤالك ايّاى ان انجى كافرا، عمل غير صالح» كه دراين‌صورت ادامه آيه، منقطع از عبارت قبل است؛ اين نحوه تقدير، از ابو عمرو بن علاء و غير او نقل شده است. [۴]- منظور از «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ»، پسر حضرت نوح عليه السّلام باشد و تقدير آن «بانه ذو عمل غير صالح» مى‌باشد. همچنين بنابر قرائت كسائى و يعقوب كه به‌صورت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ» است نيز منظور، پسر حضرت نوح عليه السّلام است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۸/ مِمَّنْ مَعَكَ/ كافى ۴۸/ عَذابٌ أَلِيمٌ/ كافى ۴۹/ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ/ تام ۵۰/ إِلَّا مُفْتَرُونَ/ كافى

۵۱/ أ فَلا- تَعْقِلُونَ/ کافی ۵۲/ مُجْرِمِینَ/ کافی تام [۱] ۵۳/ بِمُؤْمِنِینَ/ کافی ۵۴/ بَعْضُ آلِهَتِنا بِسُوءٍ/ کافی [۲] ۵۵/ ثُمَّ لا تُنْظِرُونِ/ کافی ۵۶/ بِناصِیَتِها/ کافی ۵۶/ مُسْتَقِیمٍ/ تام ۵۷/ حَفِیظٌ/ تام ۵۸/ مِنْ عَذابٍ غَلِیظٍ/ تام ۵۹/ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ/ تام ۶۰/ وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ کافی (گفته شده) تام [______________________________ ۱]- بنابر نسخه‌ای از کتاب.

[۲]- زیرا این عبارت، پایان کلام مخالفان حضرت هود علیه السّلام است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۲۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۶۰/ لِعادٍ قَوْمِ هُودٍ/ تام ۶۱/ قَرِیبٌ مُجِیبٌ/ تام ۶۲/ مُرِیبٍ/ تام ۶۳/ إِنْ عَصَیْتُهُ/ کافی ۶۳/ غَیْرَ تَخْسِیرٍ/ کافی ۶۴/ عَذابٌ قَرِیبٌ/ کافی ۶۵/ وَعْدٌ غَیْرُ مَکْذُوبٍ/ کافی ۶۶/ وَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ/ کافی ۶۶/ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ/ کافی ۶۷/ جاثِمِینَ/ کافی ۶۸/ کَأَنْ لَمْ یَغْنَوْا فِیها/ کافی ۶۸/ لِثَمُودَ/ تام ۶۹/ قالَ سَلامٌ/ کافی ۶۹/ أَنْ جاءَ بِعِجْلٍ حَنِیذٍ/ کافی ۷۰/ قالُوا لا تَخَفْ/ کافی ۷۰/ إِلی قَوْمِ لُوطٍ [۱]/ تام [______________________________ ۱]- بنابر اجماع و در تمام شیوه‌های شمارش آیات قرآن، انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۱/ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ/ محل وقف نیست [۱] محل وقف است [۲] [اختلاف قرائت ۷۳/ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ/ کافی ۷۳/ أَهْلَ الْبَیْتِ/ کافی ۷۳/ حَمِیدٌ مَجِیدٌ/ کافی اکفی نسبت به موضع قبل [۳] ۷۴/ فِی قَوْمِ لُوطٍ [۴]/ تام ۷۶/ غَیْرُ مَرْدُودٍ/ تام [______________________________ ۱]- در صورتی که ادامه آیه به‌صورت «وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یَعْقُوبَ» خوانده شود، زیرا «یَعْقُوبَ» به عبارت «فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ» برمی‌گردد، از این جهت که بر فعل عامل در کلمه «یَعْقُوبَ» دلالت دارد (نه از جهت اینکه یعقوب هم در بشارت، با اسحاق مشترک است) و تقدیر جمله چنین می‌شود «فبشرناها باسحاق و وهبنا له یعقوب من ورائه» زیرا بشارت، بر بخشش دلالت دارد. [۲]- بنابر روایت شعبه از عاصم و قرائات نافع، ابو جعفر، ابن کثیر، ابو عمرو، کسائی، خلف و یعقوب در ادامه آیه، «وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یَعْقُوبَ» زیرا یعقوب مبتدا و مرفوع است و خبر، عبارت «وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ» است. [۳]- بنابر نسخه‌ای از کتاب. [۴]- در کلیه شیوه‌های شمارش آیات غیر از روش بصری، انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۷۷/ یَوْمٌ عَصِیبٌ/ کافی ۷۸/ رَجُلٌ رَشِیدٌ/ کافی ۷۹/ نُرِیدُ/ کافی ۸۰/ إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ/ کافی ۸۱/ إِلَّا امْرَأَتَکَ/ کافی [۱] ۸۱/ ما أَصابَهُمْ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۸۱/ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ/ اکفی نسبت به دو موضع قبل [۲] ۸۲/ مِنْ سِجِّیلٍ مَنْضُودٍ/ تام نیست [۳] تام (قول نافع، الاخفش و محمد بن عیسی [______________________________ ۱]- خواه آنکه «إِلَّا امْرَأَتَکَ» خوانده شود که کلمه «امرأت» منصوب و مستثنی از کلمه «اهل»- در عبارت «فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ»- باشد یا مستثنی از «وَ لا یَلْتَفِتْ مِنْکُمْ أَحَدٌ» خواه اینکه بنابر یکی از طرق غیر مشهور روایت ابن جمّاز از ابو جعفر و قرائات ابن کثیر و ابو عمرو «إِلَّا امْرَأَتُکَ» بدل از «أَحَدٌ» باشد. [۲]- علت اکفی بودن این موضع نسبت به مواضع قبل، این است که بعضی از مفسرین گفته‌اند: لوط علیه السّلام [به فرشتگان گفت: ایشان را تا صبح به تأخیر نیندازید! فرشتگان گفتند: أَ لَیْسَ الصُّبْحُ بِقَرِیبٍ. [۳]- تام نیست زیرا «مُسَوَّمَةً» در آیه بعد، صفت برای «حِجارَةً» در آیه قبل است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۸۳/ عِنْدَ رَبِّکَ [۱]/ کافی (گفته شده) تام ۸۳/ بِبَعِیدٍ/ تام ۸۴/ یَوْمٍ مُحِیطٍ/ کافی ۸۵/ مُفْسِدِینَ/ کافی ۸۶/ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ [۲]/ کافی ۸۶/ بِحَفِیظٍ/ کافی ۸۷/ الْحَلِیمُ الرَّشِیدُ/ کافی ۸۸/ رِزْقاً حَسَناً/ کافی ۸۸/ وَ إِلَیْهِ أُنِیبُ/ کافی ۸۹/ أَوْ قَوْمَ صالِحٍ/ کافی ۸۹/ بِبَعِیدٍ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۹۰/ رَحِیمٌ وَدُودٌ/ کافی ۹۱/ بِعَزِیزٍ/ کافی ۹۲/ مُحِیطٌ/ کافی [______________________________ ۱]- این عبارت در آیه بعد است یعنی آیه ۸۳. [۲]- در شمارش آیات به شیوه‌های مدنی اول، مدنی اخیر و مکی، انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹۳/ إِنِّی عامِلٌ/ کافی است و ادامه آیه، با تهدید آغاز می‌شود ۹۳/ سَوْفَ تَعْلَمُونَ/ محل وقف نیست [۱] محل وقف است [۲] (قول ابو العباس یا عبّاس بن فضل) ۹۳/ رَقِیبٌ/ کافی ۹۴/ جاثِمِینَ/ کافی ۹۵/

کَأَنْ لَمْ یَغْنَوْا فِیها/ تام ۹۷/ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ/ کافی (گفته شده) تام ۹۷/ بِرَشِیدٍ/ اکفی نسبت به موضع قبل ۹۹/ یَوْمَ الْقِیامَةِ/ کافی (گفته شده) تام ۱۰۰/ قائِمٌ وَ حَصِیدٌ/ تام ۱۰۳/ عَذابَ الْآخِرَةِ/ اکفی نسبت به موضع بعد ۱۰۳/ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ/ کافی ۱۰۵/ شَقِیٌّ وَ سَعِیدٌ/ کافی [______ ۱]- محل وقف نیست

مگر بنابر قول فراء که [در پی‌نوشت شماره ۱۱ ذیل آیه ۳۹ همین سوره ذکر شد و به اجماع، انتهای آیه نیست. [۲]- محل وقف است و انتهای آیه. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۴ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۰۷/ إِلَّا ما شاءَ رَبُّکَ/ کافی ۱۰۸/ إِلَّا ما شاءَ رَبُّکَ/ کافی ۱۰۹/ مِمَّا یَعْبُدُ هؤُلاءِ/ کافی ۱۰۹/ آباؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ/ کافی اکفی نسبت به موضع قبل [۱] ۱۰۹/ غَیْرَ مَنْقُوصٍ/ تام ۱۱۰/ فَاخْتُلِفَ فِیهِ/ کافی ۱۱۰/ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ/ کافی ۱۱۱/ رَبُّکَ أَعْمالَهُمْ/ کافی ۱۱۲/ وَ مَنْ تابَ مَعَکَ/ کافی ۱۱۲/ وَ لا تَطْغَوْا/ کافی ۱۱۳/ فَتَمَسَّکُمُ النَّارُ/ کافی ۱۱۳/ مِنْ أَوْلِیاءَ/ کافی ۱۱۳/ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ/ تام ۱۱۴/ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ/ کافی ۱۱۴/ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ/ کافی ۱۱۶/ مِمَّنْ أَنْجَیْنا مِنْهُمْ/ کافی (گفته شده) تمام [______ ۱]- بنابر نسخه‌ای از کتاب. ترجمه

المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۵ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۱۶/ مُجْرِمِینَ/ تام ۱۱۷/ مُصْلِحُونَ/ تام ۱۱۸/ أُمَّةً واحِدَةً/ کافی ۱۱۹/ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ [۱]/ کافی ۱۲۰/ بِهِ فُؤادَکَ/ کافی (گفته شده) تام ۱۲۲/ مُنْتَظِرُونَ/ تام ۱۲۳/ وَ تَوَکَّلْ عَلَیْهِ/ کافی [______ ۱]- «وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ» یعنی: برای

اختلاف در آن. و نیز گفته شده است: برای رحمت. از موسی قتبی درمورد این آیه نقل شده است: برای رحمت. از مطر نقل شده است: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ» برمی‌گردد به یهود و نصاری؛ منظور از «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ» یعنی این امت است و «وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ» [یعنی این امّت را برای رحمت خلق کرد. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۷

سوره یوسف

آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱/ الر/ تام [۱] (گفته شده) کافی ۱/ الْکِتابِ الْمُبِینِ/ تام ۲/ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ/ تام ۳/ لَمِنَ الْغافِلِینَ [۲]/ تام [۳] ۴/ ساجِدِینَ/ کافی ۵/ فَیَکِیدُوا لَکَ کَیْداً/ کافی ۵/ مُبِینٌ/ کافی ۶/ إِبْراهِیمَ وَ إِسْحاقَ/ کافی ۶/ عَلِیمٌ حَکِیمٌ/ تام ۷/ لِلسَّائِلِینَ/ کافی ۸/ مُبِینٍ/ کافی [______ ۱]- در ابتدای

سوره بقره، درمورد نوع وقف بر حروف مقطعه، مطلب بیان شده است. [۲]- از قاسم روایت شده است: اصحاب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله بسیار ملول و گرفته شدند و به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله! برای ما سخن بگو. خداوند این آیات را نازل کرد: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْکَ ....». [۳]- آخر هر بخش در سوره یوسف نیز چنین است [یعنی وقف تام . ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۸ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۹/ صالِحِینَ/ کافی ۱۰/ فاعِلِینَ/ کافی ۱۱/ لَناصِحُونَ/ کافی ۱۲/ یَرْتَعْ وَ یَلْعَبْ/ کافی ۱۲/ لَحافِظُونَ/ کافی ۱۳/ غافِلُونَ/ کافی ۱۴/ لَخاسِرُونَ/ تام ۱۵/ لا یَشْعُرُونَ/ تام ۱۶/ یَبْکُونَ/ کافی ۱۷/ صادِقِینَ/ کافی ۱۸/ عَلی ما تَصِفُونَ/ تام ۱۹/ هذا غُلامٌ/ کافی ۱۹/ وَ أَسَرُّوهُ بِضاعَةً/ کافی ۱۹/ بِما یَعْمَلُونَ/ کافی ۲۰/ مِنَ الزَّاهِدِینَ/ تام ۲۱/ أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَداً/ کافی ۲۱/ مِنْ تَأْوِیلِ الْأَحادِیثِ/ کافی ۲۱/ لا یَعْلَمُونَ/ تام ۲۲/ الْمُحْسِنِینَ/ تام ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۳۹ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۲۳/ الظَّالِمُونَ/ کافی ۲۴/ وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ/ کافی (گفته شده) تام [۱] ۲۴/ بُرْهانَ رَبِّهِ/ کافی ۲۴/ وَ الْفَحْشاءَ/ کافی ۲۴/ الْمُخْلَصِینَ/ کافی ۲۵/ أَوْ عَذابٌ أَلِیمٌ/ کافی ۲۶/ راوَدَتْنِی عَنْ نَفْسِی/ کافی ۲۶/ مِنَ الْکاذِبِینَ/ کافی ۲۷/ مِنَ الصَّادِقِینَ/ کافی ۲۸/ مِنْ کَیْدِکُنَّ/ کافی ۲۸/ عَظِیمٌ/ کافی ۲۹/ أَعْرِضْ عَنْ هذا/ تمام [______ ۱]- بنابر مذهب ابو عبیده و هرکس

گمان برد که پیامبران علیهم السّلام معصومند. این عقیده به تقدیم و تأخیر بازگردانده شده یعنی: «لو لا ان رای برهان ربه لهمّ بها»

ولى قاطبه علما قائل به خلاف آن هستند. درمورد اين آيه از ابن عباس سؤال شد. وى گفت: حضرت يوسف عليه السّلام كمربند را محكم بست و در نزد زليخا به صورت كاملا بى‌رغبت نشست [و تمايل گناهى نسبت به او نداشت . ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۰ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۹/ مِنَ الْخاطِئِينَ/ اتم نسبت به موضع قبل ۳۰/ مُبِينٍ/ كافى ۳۱/ ما هذا بَشَراً/ كافى ۳۱/ كَرِيمٌ/ كافى ۳۲/ فَاسْتَعْصَمَ/ كافى (گفته شده) تام ۳۲/ مِنَ الصَّاغِرِينَ/ كافى ۳۳/ مِنَ الْجاهِلِينَ/ كافى ۳۴/ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ/ كافى ۳۴/ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۳۵/ حَتَّى حِينٍ/ تام ۳۶/ الْمُحْسِنِينَ/ كافى ۳۷/ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُما/ كافى (گفته شده) تام ۳۷/ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي/ كافى ۳۷/ كافِرُونَ/ كافى ۳۸/ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ/ كافى (گفته شده) تام ۳۸/ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ/ كافى ۳۸/ وَ عَلَى النَّاسِ/ اكفى نسبت به موضع قبل ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۱ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۳۸/ لا يَشْكُرُونَ/ تام ۳۹/ الْقَهَّارُ/ كافى ۴۰/ لا يَعْلَمُونَ/ تام ۴۱/ مِنْ رَأْسِهِ/ تام [۱] ۴۱/ تَسْتَفْتِيانِ/ تام ۴۲/ بِضْعَ سِنِينَ/ تام ۴۳/ وَ أُخَرَ يابِساتٍ/ كافى ۴۳/ تَعْبُرُونَ/ كافى ۴۴/ أَضْغاثُ أَحْلامٍ/ كافى [۲] ۴۴/ بِعالِمِينَ/ كافى ۴۵/ بِتَأْوِيلِهِ/ كافى [۳] ۴۵/ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ/ تام [۲] (گفته شده) كافى ۴۶/ وَ أُخَرَ يابِساتٍ/ كافى [۲]

[______________________________۱]- به اين جهت تام است كه وقتى يوسف عليه السّلام خواب آن دو را بر چيزى تعبير كرد كه دوست نداشتند، گفتند: «دروغ گفتيم و چيزى در خواب نديديم». يوسف عليه السّلام فرمود: «قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيانِ». (اين رأى وهب بن منبه و قتاده است). [۲]- در نسخه‌اى از كتاب وجود ندارد. [۳]- در نسخه‌اى از كتاب وجود دارد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴۶/ يَعْلَمُونَ/ كافى ۴۷/ تَأْكُلُونَ/ كافى ۴۸/ تُحْصِنُونَ/ كافى ۴۹/ يَعْصِرُونَ/ تام ۵۰/ عَلِيمٌ/ كافى ۵۱/ مِنْ سُوءٍ/ كافى ۵۱/ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ/ كافى [۱] ۵۱/ لَمِنَ الصَّادِقِينَ [۲]/ كافى ۵۲/ كَيْدَ الْخائِنِينَ/ تام [۳] ۵۳/ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ تام ۵۴/ مَكِينٌ أَمِينٌ/ كافى ۵۵/ حَفِيظٌ عَلِيمٌ/ كافى [______________________________۱]- در نسخه‌اى از كتاب وجود ندارد. [۲]- همسر عزيز گفت: «أَنَا راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ». حضرت يوسف عليه السّلام فرمود: «ذلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي كَيْدَ الْخائِنِينَ». جبرئيل گفت: آيا آن زمانى كه قصد خيانت نسبت به همسر عزيز داشتى [نيز به او خيانت نكردى ؟ آن‌گاه يوسف عليه السّلام گفت: «وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ ...». [اين عقيده از نظر علماى شيعه و بسيارى از صاحبنظران اهل سنت مردود است [۳]- بنابر يكى از نسخه‌هاى كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۵۶/ حَيْثُ يَشاءُ/ كافى [۱] صالح [۲] [اختلاف قرائت ۵۶/ مَنْ نَشاءُ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۵۶/ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ/ كافى ۵۷/ وَ كانُوا يَتَّقُونَ/ تام ۵۸/ مُنْكِرُونَ/ كافى ۵۹/ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ/ كافى ۶۰/ وَ لا تَقْرَبُونِ/ كافى ۶۱/ لَفاعِلُونَ/ كافى ۶۲/ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ/ كافى ۶۳/ لَحافِظُونَ/ كافى ۶۴/ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ/ كافى ۶۵/ ما نَبْغِي/ كافى ۶۵/ كَيْلٌ يَسِيرٌ/ كافى ۶۶/ إِلَّا أَنْ يُحاطَ بِكُمْ/ كافى ۶۶/ وَكِيلٌ/ كافى ۶۷/ الْمُتَوَكِّلُونَ/ كافى

[______________________________۱]- بنابر قرائت مشهور «حَيْثُ يَشاءُ ...». [۲]- بنابر قرائت ابن كثير «حَيْثُ نَشاءُ ...». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۶۸/ لا يَعْلَمُونَ/ تام ۶۹/ يَعْمَلُونَ/ تام ۷۰/ لَسارِقُونَ/ كافى ۷۱/ تَفْقِدُونَ/ كافى ۷۲/ زَعِيمٌ/ كافى ۷۳/ سارِقِينَ/ كافى ۷۴/ كاذِبِينَ/ كافى ۷۵/ الظَّالِمِينَ/ كافى ۷۶/ كِدْنا لِيُوسُفَ/ كافى (گفته شده) تام ۷۶/ إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ/ كافى [۱] محل وقف نيست [۲] [اختلاف قرائت ۷۶/ مَنْ نَشاءُ [۳]/ كافى [۴ [______________________________۱]- بنابر قرائت مشهور «نَرْفَعُ دَرَجاتٍ مَنْ نَشاءُ». [۲]- بنابر قرائت يعقوب به‌صورت «يرفع درجات»، كلام واحدى است كه قسمتى از آن از بخش ديگر جدا نمى‌شود. [۳]- يعنى با علم [هركه را بخواهيم، درجاتى بالا مى‌بريم . [۴]- بنابر هر دو قرائت «نرفع» و «يرفع». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۷۶/ عَلِيمٌ/ تام ۷۷/ قالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكاناً [۱]/ كافى ۷۷/

بِما تَصِفُونَ/ اكفى نسبت به موضع قبل [۲] ۷۸/ مِنَ الْمُحْسِنِينَ/ كافى ۷۹/ لَظالِمُونَ/ كافى ۸۰/ مَوْثِقاً مِنَ اللَّهِ/ كافى [۳] ۸۰/ ما فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ/ كافى ۸۰/ خَيْرُ الْحاكِمِينَ/ كافى ۸۱/ حافِظِينَ/ كافى ۸۲/ وَ إِنَّا لَصادِقُونَ/ كافى ۸۳/ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ/ كافى ۸۳/ الْحَكِيمُ/ كافى ۸۴/ فَهُوَ كَظِيمٌ/ كافى [______________________________ ۱]- (ابن عيينه گفته است) زيرا آنچه يوسف در ضمير خود پنهان كرد و آن را آشكار نكرد همان جمله «أَنْتُمْ شَرٌّ مَكاناً» بود [و جمله «وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما تَصِفُونَ»] را به زبان آورد، ازاين‌رو ميان اين دو جمله فاصله لازم است . [۲]- بنابر نسخه‌اى از كتاب. [۳]- درصورتى كه «ما» در عبارت «ما فَرَّطْتُمْ»، تأكيدى يا مصدرى باشد و تقدير آن «و من قبل تفريطكم» باشد. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۶ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۸۵/ مِنَ الْهالِكِينَ/ كافى ۸۶/ ما لا تَعْلَمُونَ/ كافى ۸۷/ الْكافِرُونَ/ تام ۸۸/ الْمُتَصَدِّقِينَ/ كافى ۸۹/ جاهِلُونَ/ كافى ۹۰/ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنا/ كافى ۹۰/ الْمُحْسِنِينَ/ كافى ۹۱/ لَخاطِئِينَ/ كافى ۹۲/ لا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ [۱]/ كافى (گفته شده) تام ۹۲/ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ [۲]/- ۹۲/ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ/ اتم نسبت به موضع قبل ۹۳/ بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ/ تام ۹۴/ أَنْ تُفَنِّدُونِ/ كافى ۹۵/ الْقَدِيمِ/ تام [______________________________ ۱]- «لا تَثْرِيبَ» يعنى «لا- تعبير» [سرزنشى نيست . از سفيان در اين آيه [نيز] نقل شده كه در مورد «لا- تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ» گفت: «لا- تعبير عليكم اليوم». [۲]- عبارت «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ» بيان دعايى براى ايشان [برادران حضرت يوسف عليه السّلام است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۷ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۹۶/ ما لا تَعْلَمُونَ/ كافى ۹۷/ خاطِئِينَ/ كافى ۹۸/ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي [۱]/ كافى ۹۸/ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ/ تام [۲] ۹۹/ آمِنِينَ/ كافى ۱۰۰/ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ/ كافى ۱۰۱/ بِالصَّالِحِينَ/ كافى ۱۰۲/ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ/ كافى ۱۰۳/ بِمُؤْمِنِينَ/ كافى ۱۰۴/ لِلْعالَمِينَ/ تام [______________________________ ۱]- گفته شده است: حضرت يعقوب عليه السّلام استغفار براى آنها را تا هنگام سحر شب جمعه به تأخير انداخت. از محمد بن على بن حنفيه روايت شده كه گفت: برادران يوسف گفتند: «اى پدر! تو و برادرمان [يوسف ما را بخشيديد. چگونه به مغفرت خدا راه يابيم؟». فرمود: «به‌زودى براى شما طلب آمرزش مى‌كنم». محمد بن على گويد: « [طلب آمرزش براى آنها را تا سحر به تأخير انداخت سپس براى ايشان استغفار كرد». ابراهيم تميمى يا تيمى نيز درمورد اين سخن يعقوب عليه السّلام گويد: آنها را تا سحر به تأخير انداخت. [۲]- بنابر اكثر نسخه‌هاى كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۸ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۰۵/ يَمُرُّونَ عَلَيْها [۱]/ كافى ۱۰۸/ أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ/ كافى [۲] بعضى بر مورد بعدى وقف كرده‌اند ۱۰۸/ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي/ محل وقف بنابر قول بعضى كه بر موضع قبل وقف نمى‌كنند [۳] ۱۰۸/ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ/ كافى ۱۰۹/ مِنْ أَهْلِ الْقُرى كافى (گفته شده) تام [۴] ۱۰۹/ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ/ كافى ۱۰۹/ أَ فَلا تَعْقِلُونَ/ تام ۱۱۰/ فَنُجِّيَ مَنْ نَشاءُ/ تام [______________________________ ۱]- «يَمُرُّونَ عَلَيْها» يعنى «يمرون بها» [با نشانه‌هاى خدا برخوردارند]. [۲]- دراين‌صورت، «أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي»- در ادامه آيه- مبتداى مرفوع و «عَلى بَصِيرَةٍ» خبر خواهد بود. [۳]- دراين‌صورت «أَنَا» تأكيد براى فاعل «أَدْعُوا» است و «عَلى بَصِيرَةٍ» جار و مجرور متعلّق به «أَدْعُوا» است و معنى اين‌چنين مى‌شود: «ادعوا على بصيرة لا على غير بصيرة». [۴]- در نسخه‌اى از كتاب ذكر شده: «وقف تام است و كافى نيز گفته شده». البته جملات بعد، بيانگر ناصحيح بودن اين عبارت است. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۴۹ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۱۰/ الْمُجْرِمِينَ/ تام ۱۱۱/ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ/ تام [۱] [______________________________ ۱]- بنابر نسخه‌اى از كتاب. ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۰

سوره رعد

آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱/ المر [۱]/ تام (گفته شده) كافى [۲] ۱/ تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ/ تام [۳] (قول مختار مؤلف) ۱/ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ/ كافى ۱/ لا يُؤْمِنُونَ/ تام ۲/ الَّذِى رَفَعَ السَّماواتِ/ كافى [۴] ۲/ لِأَجَلٍ مُسَمًّى/ كافى ۲/ تُوقِنُونَ/ تام ۳/ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ/ كافى ۳/ النَّهارَ/ كافى ۳/ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ/ تام ۴/ فِي الْأُكُلِ/ كافى [_____________________________________۱]- از ابن عباس روايت شده است: «المر» يعنى «انا الله اعلم و ارى». حكم وقف بر آن در ابتداى سوره بقره ذكر شده است. [۲]- در نسخه‌اى از كتاب، ذكر شده «وقف كافى است و تام نيز گفته شده است». [۳]- درصورتى‌كه «وَ الَّذِى أُنْزِلَ إِلَيْكَ» مبتداى مرفوع و «الْحَقُّ» خبر آن باشد. [۴]- سپس از «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها» آغاز مى‌شود و معناى آن چنين است «ترونها بلا عمد». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۲ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۴/ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ/ تام ۵/ خالِدُونَ/ تام [۱] ۶/ الْمَثُلاتُ/ كافى ۷/ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ/ كافى (گفته شده) تام ۷/ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ/ تام (گفته شده) كافى ۸/ وَ ما تَزْدادُ/ كافى (گفته شده) تام ۸/ بِمِقْدارٍ/ تام [۲] (گفته شده) كافى [۳] ۹/ الْمُتَعالِ/ تام ۱۰/ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ/ كافى ۱۰/ وَ سارِبٌ بِالنَّهارِ [۴]/ كافى ۱۱/ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ [۵]/ تام [_____________________________________۱]- بنابر اكثر نسخه‌هاى كتاب. [۲]- بنابر برخى از نسخه‌هاى كتاب. [۳]- انتهاى آيه است. [۴]- تمام موارد بيان شده در آيه ۱۰ بنابر اكثر نسخه‌هاى كتاب است. [۵]- «مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» يعنى «بامر الله». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۳ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۱/ ما بِأَنْفُسِهِمْ/ كافى (گفته شده) تام ۱۱/ فَلا مَرَدَّ لَهُ/ اتم نسبت به موضع قبل ۱۱/ مِنْ والٍ/ تام ۱۴/ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ/ تام ۱۴/ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ/ تام ۱۴/ إِلَّا فِي ضَلالٍ/ تام ۱۵/ وَ الْآصالِ/ تام ۱۶/ قُلِ اللَّهُ/ كافى ۱۶/ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا/ كافى ۱۶/ الظُّلُماتُ وَ النُّورُ/ كافى ۱۷/ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ/ كافى ۱۷/ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ [۱]/ تام (قول مختار مؤلف) تام نيست [۲] (قول ابن عبد الرزاق) [_____________________________________۱]- انتهاى آيه است. [۲]- زيرا «الْحُسْنى صفت «الْأَمْثالَ» است و كلام بدون آن تمام نيست و معنى با اين تقديم و تأخير چنين است: «الامثال الحسنى للذين استجابوا لربهم». ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۴ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۱۸/ لِرَبِّهِمُ الْحُسْنى [۱]/ تام ۱۸/ لَافْتَدَوْا بِهِ/ كافى ۲۰/ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ [۲]/ كافى ۲۱/ سُوءَ الْحِسابِ/ كافى ۲۲/ عُقْبَى الدَّارِ/ كافى ۲۳/ مِنْ كُلِّ بابٍ [۳]/ كافى (گفته شده) تام [قول نافع و ابو عبد الله ۲۴/ عُقْبَى الدَّارِ/ تام ۲۵/ سُوءُ الدَّارِ/ تام ۲۶/ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ/ كافى (گفته شده) تام (قول ابو حاتم [_____________________________________) ۱]- «الْحُسْنى در اينجا يعنى بهشت. كلمه «الْحُسْنى مبتدا و مرفوع است و خبر آن جار و مجرور قبلش- يعنى «لِلَّذِينَ اسْتَجابُوا»- است. از قتاده نقل شده: «الْحُسْنى يعنى بهشت. [۲]- انتهاى آيه است. [۳]- انتهاى آيه در غير از دو روش مدنى و همچنين شيوه كوفى است. در بعضى از نسخه‌ها غير از مدنى و مكى آمده كه صحيح است [زيرا در شمارش كوفى انتهاى آيه است . ترجمه المكتفى فى الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۵ آيه/ كلمه يا عبارت/ نوع وقف ۲۶/ بِالْحَياةِ الدُّنْيا/ كافى ۲۶/ إِلَّا مَتاعٌ/ اكفى نسبت به موضع قبل ۲۷/ مَنْ أَنابَ/ كافى ۲۸/ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ [۱]/ كافى (گفته شده) تام ۲۹/ وَ حُسْنُ مَآبٍ/ كافى ۳۰/ الَّذِى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ/ كافى ۳۰/ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمنِ/ كافى ۳۰/ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ/ كافى ۳۰/ وَ إِلَيْهِ مَتابِ/ تام (گفته شده) كافى [۲] (گفته شده) تام نيست [۳] ۳۱/ بِهِ الْمَوْتى [۴]/ كافى (قول اخفش) تام [_____________________________________۱]- از مجاهد شنيده شده است كه در آيه «وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» منظور، اصحاب پيامبر صلّى اللّه عليه و آله است. [۲]- در نسخه‌اى از كتاب، ذكر شده: وقف كافى است و تام نيز گفته شده است. [۳]- چنانچه جواب شرط در آيه بعد- در آيه ۳۰- باشد و تقدير آن «و هم يكفرون بالرحمن و لو فعل بهم ذلك» باشد. [۴]- جواب شرط در تقدير و چنين است: «لكان هذا القرآن». ترجمه المكتفى

فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۲۵۶ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۱/ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِیعاً/ تام ۳۲/ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ/ کافی ۳۲/ عِقابِ/ تام ۳۳/ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ [۱]/ تام ۳۳/ قُلْ سَمُّوهُمْ [۲]/ (قول احمد بن موسی) تام ۳۳/ مِنَ الْقَوْلِ/ کـافی ۳۳/ وَ صُدُّوا عَنِ السَّبِیلِ/ کافی ۳۳/ فَما لَهُ مِنْ هادٍ/ کافی ۳۴/ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ/ کافی ۳۴/ مِنْ واقٍ/ تام [۳] ۳۵/ وَ ظِلُّها/ تام ۳۵/ عُقْبَی الَّذِینَ اتَّقَوْا/ اتـم نسـبت بـه موضـع قبـل ۳۵/ وَ عُقْـبَی الْکـافِرِینَ النَّارُ/ اتـم نسـبت بـه دو موضـع قبـل ۳۶/ مَـنْ یُنْکِرُ بَعْضَـهُ/ کـافی

[______]۱- معنی چنیـن اسـت: «مـانند معبودهایشـان که ضـرر و سودی ندارنـد» و این عبارت به خاطر دلالت قسـمت بعـدی آیه- یعنی «و جعلوا له شرکاء»- حـذف شـده است. [۲]- «قُلْ سَمُّوهُمْ» یعنی: از ایشان در آفرینش و فایـده رساندن یاد کنید. [۳]- سـپس از «مَثَلُ الْجَنَّةِ» آغاز می‌شود که مبتدای مرفوع است و خبر آن، محـذوف است و تقـدیر آیه چنین است: «فیما نقص علیکم مثل الجنة». ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۷ آیه/ کلمه یـا عبـارت/ نوع وقف ۳۸/ وَ ذُرِّیَّةً/ کـافی ۳۸/ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ/ تام ۳۸/ لِکُلِّ أَجَلٍ کِتابٌ/ تام ۳۹/ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ/ کافی ۳۹/ أُمُّ الْکِتـابِ/ تام ۴۱/ مِنْ أَطْرافِهـا/ تام ۴۲/ فَلِلَّهِ الْمَکْرُ جَمِیعـاً/ تـام ۴۲/ مـا تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ/ تام ۴۳/ شَـهِیداً بَیْنِی وَ بَیْنَکُـمْ/ محـل وقـف نیسـت [۱] [اختلاف قرائت

[______]۱- اگر ادامه آیه خوانده شود «وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»، محـل وقـف است. این قرائت از برخی از صـحابه روایت شـده است از جمله از ابن عبـاس. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۵۹

سوره ابراهیم

آیه/ کلمه یـا عبارت/ نوع وقف ۱/ الر/ تام (گفته شـده) کافی [۱] ۲/ الْحَمِیدِ/ محل وقف نیست [۲] محل وقف است [۳] ۲/ وَ ما فِی الْـأَرْضِ/ تـام [۴] ۳/ فِی ضَـلالٍ بَعِیـدٍ/ تـام ۴/ لِیُـبَیِّنَ لَهُـمْ/ کـافی ۴/ وَ یَهْـدِی مَـنْ یَشـاءُ/ کـافی ۴/ الْعَزِیزُ الْحَکِیـمُ/ تـام

[______]۱- در نسـخه‌ای از کتاب، ذکر شده «وقف کافی است و تام نیز گفته شـده است». [در سوره بقره حکم وقفش ذکر شـد. [۲]- بنابر قرائت مشـهور، که ابتدای آیه سوم به صورت «اللَّهِ» خوانـده شده و بدل از «الْحَمِیدِ» است. [۳]- بنـابر قرائت نافع، ابو جعفر و ابن عامر که ابتـدای آیه سوم به‌صورت «اللَّهِ» خوانـده شده و لفظ جلاله مبتدا و ادامه آیه خبر آن است. [بنابر روایت رویس از یعقوب که لفظ جلاله در وصل به‌صورت مجرور و در ابتـدا به‌صورت مرفوع خوانده شده است، هم می‌توان وقف کرد و هم می‌توان وصل نمود]. [۴]- بنابر دو قرائت مذکور در همین آیه [اللَّهِ الَّذِی ...- اللَّهِ الَّذِی ...] . ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۶۰ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۵/ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ/ تام [۱] ۶/ عَظِیمٌ/ تام [۱] ۷/ لَشَدِیدٌ/ تام [۱] ۸/ لَغَنِیٌّ حَمِیدٌ/ تام [۱] ۹/ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ/ تام (گفته شده) کافی ۹/ إِلَّا اللَّهُ/ کافی ۹/ مُرِیبٍ/ کـافی ۱۰/ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی/ کافی (گفته شـده) تام ۱۰/ بِسُلْطانٍ مُبِینٍ/ کافی ۱۱/ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ/ کـافی ۱۲/ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ/ کافی ۱۳/ لَنُهْلِکَنَّ الظَّالِمِینَ/ کـافی ۱۴/ مِنْ بَعْدِهِمْ/ کافی ۱۴/ وَ خافَ وَعِیدِ/ تام ۱۷/ وَ ما هُوَ بِمَیِّتٍ/ تام (گفته شـده) کـافی [______]۱- بنـابر نسخه‌ای از کتـاب، وقف کافی است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتـداء، متن، ص: ۲۶۱ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۱۷/ عَذابٌ غَلِیظٌ/ اتم نسبت به موضع قبل [۱] ۱۸/ عَلی شَیْءٍ/ کافی ۱۸/ هُوَ الضَّلالُ الْبَعِیدُ/ تام ۱۹/ بِالْحَقِّ/ کافی ۲۰/ بِعَزِیزٍ/ تام ۲۲/ مِنْ قَبْلُ/ تام ۲۳/ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ/ تام ۲۳/ سَلامٌ [۲]/ تام ۲۵/ بِإِذْنِ رَبِّها/ کافی ۲۶/ مِنْ قَرارٍ/ تام (گفته شـده) کافی ۲۷/ وَ فِی الْآخِرَةِ/ تام ۲۷/ الظَّالِمِینَ/ کافی ۲۷/ ما یَشـاءُ/ تـام ۲۹/ جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَها/ کـافی ۲۹/ وَ بِئْسَ الْقَرارُ/ تـام ۳۰/ عَـنْ سَـبِیلِهِ/ کـافی

[______]۱- بنابر نسخه‌ای از کتاب، وقف تام

است. [۲]- انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۶۲ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۳۰/ إِلَی النَّارِ/ تام ۳۱/ وَ لا خِلالٌ/ تام ۳۴/ ما سَأَلْتُمُوهُ/ تام ۳۴/ لا تُحْصُوها/ کافی ۳۴/ لَظَلُومٌ کَفَّارٌ/ تام ۳۶/ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ/ کافی (گفته شده) تام ۳۸/ وَ ما نُعْلِنُ/ تام ۳۸/ وَ لا فِی السَّماءِ [۱]/ تام ۴۰/ وَ تَقَبَّلْ دُعاءِ [۱]/ کافی (گفته شده) تام ۴۱/ یَقُومُ الْحِسابُ/ کافی ۴۳/ طَرْفُهُمْ/ کافی (گفته شده) تام ۴۳/ وَ أَفْئِدَتُهُمْ هَواءٌ [۱]/ تام ۴۴/ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُلَ/ تام [__________]۱]- انتهای آیه است. ترجمه المکتفی فی الوقف و الابتداء، متن، ص: ۲۶۳ آیه/ کلمه یا عبارت/ نوع وقف ۴۴/ مِنْ زَوالٍ [۱]/ تام [۲] ۴۵/ الْأَمْثالَ/ تام [۳] ۴۷/ رُسُلَهُ/ کافی ۴۸/ وَ السَّماواتُ [۴]/ کافی (گفته شده) تام ۵۱/ ما کَسَبَتْ/ کافی ۵۱/ سَرِیعُ الْحِسابِ/ تام ۵۲/ وَ لِیُنْذَرُوا بِهِ/ محل وقف نیست [۵] کافی (قول ابن عبد الرزاق__________)

[۱]- یحیی بن سلام درمورد «ما لَکُمْ مِنْ زَوالٍ» گفته است: « [زوال و هلاکتی از دنیا به آخرت». پس کلام قطع می‌شود و خداوند به معاصران پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله می‌فرماید: «و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم»، یعنی هلاک‌شدگان از امت‌های گذشته. [۲]- زیرا عبارت بعد، خطاب به غیر ایشان [غیر ستمگران است. [۳]- بنابر بعضی از نسخه‌های کتاب. [۴]- از عایشه نقل شده است: درمورد عبارت «یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیْرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ» از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله سؤال کردم: مردم در چنین روزی کجایند؟ حضرت فرمودند: روی صراط. [این روایت، با دو سند مختلف از عایشه نقل شده است . [۵]- عبارت بعد به قبلش تعلق دارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با

برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹